

وزارت معارف

تعلیم و تربیهٔ اسلامی

صنف هشتم

تعلیم و تربیهٔ اسلامی - صنف هشتم

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ . ش.



سرود ملی

دا وطن افغانستان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولو کور دی
د پښتون او هزاره وو
ورسره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هېواد به تل ځلیږي
په سینه کې د آسیا به
نوم د حق مو دی رهبر

دا عزت د هر افغان دی
هر بچی یې قهرمان دی
د بلوڅو د ازبکو
د ترکمنو د تاجکو
پامیریان، نورستانیان
هم ایماق، هم پشه یان
لکه لمر پر شنه آسمان
لکه زړه وي جاویدان
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم



تعلیم و تربیۀ اسلامی

صنف ۸

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ .ش.

مشخصات کتاب

مضمون: تعلیم و تربیهٔ اسلامی

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی دیپارتمنت تعلیم و تربیهٔ اسلامی نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: هشتم

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامهٔ وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

مکان چاپ: کابل

چاپخانه:

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af

پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانوادۀ بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکرشده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس راآغاز کنند، که در آیندۀ نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شگوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفادۀ بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

فهرست مطالب



درس اول

نهال شانی، زراعت و حفاظت محیط زیست

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ» متفق علیه

آشنایی با راوی

راوی این حدیث انس بن مالک انصاری مدنی است، وی از دوران طفولیت در محیط خانوادهٔ پیغمبرﷺ به سر برده به مدت ده سال در خدمت پیغمبر اکرمﷺ قرار داشته، از جملهٔ فقهاء و مجتهدین صحابهٔ کرام به شمار می رود، بیش از دو هزار حدیث را از پیغمبرﷺ روایت نموده است. و پیغمبر اکرمﷺ برایش دعای طول عمر و برکت در مال و داخل شدن به جنت را کرده است، وی در سال ۳۹هجری در شهر بصره به عمر۱۰۳ ساله‌گی وفات نمودند.

معنای لغات

۱- يَغْرِسُ (نهال) می شاند
۲- غَرْسًا (نهال) شاندن
۳- يَزْرَعُ کشت می‌کند.
۴- طَيْرٌ پرنده
۵- بَهِيمَةٌ چهارپا

معنای اجمالی

از انس رضی‌الله‌عنه روایت اســت که گفت: پیغمبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: «هیچ مسلمانی نیست که نهالی را غرس کند و یا نبات و یا دانهٔ کشــت نماید، پرنده یی، یا انســانی و یا چهار پایی از آن بخورد، جز این که آن برایش صدقه به شمار می رود».

حکمت حدیث

زندگی همهٔ زنده جان‌ها به کشت و زراعت وابسته است. شکی نیست که درخت و هر نوع کشت و زراعتی برای تداوم زنده‌گی انســان و محیط زیست او فواید بی‌شماری دارد و سبب پاکیزه‌گی هوا، جلوگیری از ســیلاب‌ها و لغزش‌های زمین می‌شــود و فضای زنده‌گی ما را زیبا و سرسبز می‌سازد و گازهای مضر(کاربن دای اکساید) را جذب و آکسیجن تولید می‌کند.

انواع و اقســام میوه‌ها و حبوبات که نیاز اولیهٔ ماســت، از طریق کشت و زرع به دست می‌آید و ظهور بســیاری از تمدن‌های جهان در نتیجهٔ توجه به زراعت و استفادهٔ درست از خاک است. و ما امروز می‌بینیم آن عده از کشــورهایی که به زراعت و نهال شانی و مالداری توجه نمی‌کنند، با خطر فقر و بدبختی، آلوده‌گی محیط زیســت، تهدید سیلاب‌ها و لغزش زمین مواجه اند. پس کشت و زراعت و توجه به فضای سبز از مهمترین مظاهر تمدن است. به همین خاطر نهال شانی و زراعت جایگاه خاصی در تعالیم پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم دارد.



- شاگردان به شکل گروهی در بارهٔ فواید نهال شانی و حفاظت محیط زیست بحث کنند.

فواید حدیث

۱- حفاظت از محیط زیست: محیط زیست مناسب محیطی است که سرسبز باشد، آب وهوای پاک داشته باشد و همهٔ زنده جان‌ها (که مکمل یکدیگر اند) در آن زنده‌گی کرده بتوانند و این محیط وقتی فراهم شده می تواند که با درختان و نباتات سرسبز باشد، و سرسبزی آن حفظ گردد.

۲- اهمیت نهال‌شانی: توجه به کشاورزی و نهال‌شانی زادهٔ دنیای معاصر و از پدیده‌های نو روزگار نیست، بلکه اسلام در فکر و عمل به این کار مهم توجه داشته و در همان آغاز ظهورش بر آن تأکید ورزیده است.

۳- اهمیت زراعت: زراعت یکی از مهمترین راه‌های تأمین معیشت و مبارزه با فقر و بیکاری است و از مهمترین مظاهر تمدن می‌باشد. به همین خاطر پیغمبراکرم ﷺ دستورهای روشنی برای مسلمانان صادر می‌فرمودند حتی در شرایط جنگی نیز از بریدن درختان و نابود ساختن مزارع خود داری نموده و در نگهداری آن بکوشند.

٤- خیررساندن به دیگران: مسلمان باید همیشه در فکر انجام کارهای خیر برای بنده گان خداوند ﷻ باشد و تلاش نماید، منفعت وی به همهٔ زنده جان‌ها برسد، چون خداوند ﷻ هیچ عمل نیک انسان را بدون پاداش وثواب نمی گذارد.

۵- فراهم نمودن غذا ثواب دارد: طوری که فراهم نمودن غذا برای یک انسان ثواب دارد، همچنان فراهم نمودن غذا برای یک پرنده و یک حیوان نیز صدقه است.

٦- صدقهٔ جاریه: نهال‌شانی و کشاورزی صدقه‌یی است که تا درخت و زراعت باقیست برای زارع آن ثواب می‌رسد.



- شاگردان به دو گروه تقسیم شده، در مورد فواید حفاظت محیط زیست بحث کنند.

ارزیابی:

۱- راوی حدیث را معرفی کنید.

۲- معنای اجمالی حدیث را بیان نمایید.

۳- برخی از فواید حدیث را ذکر کنید.



۱. حدیث را با ترجمهٔ آن حفظ کنید.

۲. در مورد اضرار تخریب محیط زیست یک مقالهٔ کوتاه بنویسید .



درس دوم

صداقت در فروش

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: مَرَّ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِطَعَامٍ وَقَدْ حَسَّنَهُ صَاحِبُهُ فَأَدْخَلَ يَدَهُ فِيهِ فَإِذَا طَعَامٌ رَدِيْءٌ فَقَالَ «بِعْ هَذَا عَلَى حِدَةٍ وَهَذَا عَلَى حِدَةٍ، فَمَنْ غَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا». مسند أحمد بن حنبل

آشنایی باراوی

راوی این حدیث عبدالله بن عمربن الخطاب قریشی صحابی جلیل القدر است، در مکهٔ مکرمه در طفولیت مسلمان شد و به مدینهٔ منوره با پدرش یکجا هجرت کرد، از مجتهدین و فقهای صحابهٔ کرام به شمار می‌رود ، بیش از دو هزار و پنجصد حدیث را از پیغمبر ﷺ روایت کرده است. او به تقوا و پابندی به سنن پیغمبر ﷺ شهرت داشت. وی به سن هشتاد و سه ساله‌گی در سال ۷۳ هجری در مکهٔ مکرمه و فات نمود.

معنای لغات:

۱- حَسَّنَهُ آن را آراسته ساخته بود.

۲- رَدِيءٌ خراب و فاسد

۳- بِعْ بفروش.

٤- فَمَنْ غَشَّنَا هر که ما را فریب دهد.

٥- فَلَيْسَ مِنَّا از ما نیست.

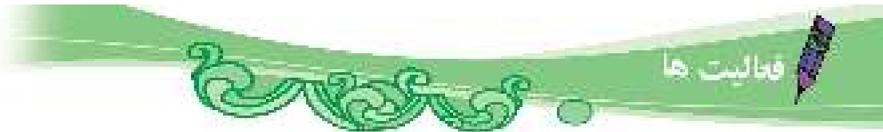
معنای اجمالی

از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم روزی از کنار فروشندهٔ مواد غذایی عبور کردند؛ فروشنده دانه‌های خشک و سالم را در بالا وجلو مردم گذاشته بود ، ولی در زیر آن دانه‌های تر و فاسد را پنهان نموده بود، پیغمبراکرم صلی الله علیه وسلم دست خویش را در آن داخل کردند، دیدند که دانه‌های خراب در زیر گذاشته شده است، در این هنگام فرمودند: این دانه‌ها را جدا و آن را جدا بفروش! (و بدان) هر که ما را فریب دهد از جملهٔ ما (مسلمان‌ها) نیست.

حکمت حدیث:

فریب‌کاری و جعل کاری به منظور کسب اموال دیگران از جملهٔ خصلت‌های بدی است که تخم دشمنی را در میان مردم کاشته سبب درگیری‌ها و تیره شدن روابط می‌گردد و فضای بی‌اعتمادی را حاکم می‌سازد و ضررهای هنگفتی بر مال، وقت و آبروی انسان‌ها وارد می‌کند، اقتصاد را بی رونق ساخته و اخلاق داد و ستد و روابط تجارتی را خراب می‌سازد.

اگر فروشنده‌گان از صداقت کار بگیرند و اجناس خوبی را عرضه کنند و عیب اجناس شان را پنهان نساخته و به قیمت مناسب بفروشند، خداوند جل جلاله دل بنده‌گانش را به طرف آنان متمایل ساخته در مال و جان آن‌ها برکت می‌دهد و مردم به فکر آرام و بدون تشویش، فریب خوردن و متضرر شدن در فضای محبت و اعتماد باهم زندگی می‌کنند.



- فریب‌کاری در معاملات و تجارت چگونه صورت می‌گیرد؟

فواید حدیث

١- کنترول بازار: لازم است از فعالیت‌های تجارتی مراقبت و نظارت صورت گیرد، و مسؤولین ادارات ذیصلاح گاهگاهی از بازارها بازدید نمایند و نگذارند اشخاص فرصت طلب و ضعیف الاخلاق از طریق فریب‌کاری باعث اذیت و آزار دیگران گردند.

٢- شفافیت در معامله: هر فروشنده مکلف است تا جنس خوب و خراب را جداگانه بفروشد و با نشان دادن جنس خوب برای مشتریان اجناس خراب را بر آن‌ها نه فروشد و فکر نکند که این کار شان هوشیاری و چالاکی است؛ چون این کار فریب است و فریبکار در دنیا و آخرت در زیان و نقصان می باشد .

٣- نفرت و انزجار شدید از فریبکار: اسلام دین عدالت و انصاف، صداقت و امانتداری است، از فریبکار و شخصی که روابط اجتماعی را برهم بزند و کینه، بی عدالتی، بی انصافی و نا امیدی را گسترش دهد چنان نفرت دارد که او را از جملهٔ مسلمانان کامل نمی‌شمارد و اعلام می‌دارد که مردم این عمل او را از اسلام ندانند.

٤- اقتصاد مبتنی بر شفافیت و انصاف: وقتی اقتصاد یک جامعه رشد می کند سالم می‌ماند که تبادل اموال و منافع مردم بر اساس منافع جانبین و در فضای شفاف، اعتماد و رضایت دو طرف صورت گیرد و این واقعیت است که با فریب‌کاری شفافیت، اعتماد و عدالت از بین می رود و جانبی که فریب خورده است راضی نمی‌باشد، فریب از رشد و انکشاف در طولانی مدت جلوگیری می نماید؛ بنابر این لازم است همهٔ افراد جامعه از فریب‌کاری اجتناب ورزند، و دیگران را نیز متوجه ضررهای فریب‌کاری بسازند.

ارزیابی

١- خلاصهٔ زنده‌گی عبدالله بن عمر رضی الله عنهما را بیان کنید.

٢- کلمات زیر را ترجمه نمایید:

الف- حَسَّنَهُ　　ب- طَعَامُ رَدِیءٌ　　ج- فَأَدْخَلَ يَدَهُ　　د- فَمَنْ غَشَّنَا

٣- فریب‌کاری چه نتایج بدی را در جامعه به بار می‌آورد؟ توضیح دهید.

۴- احکام مستفاد از حدیث شریف را بیان نمایید.




کارخانه گی

۱– عبارت (من غشنا فلیس منا) را با ترجمهٔ آن حفظ کنید.

در بارهٔ یکی از عناوین ذیل یک مقالهٔ در پنج سطر بنویسید.

الف) اضرار فریب در معاملات مالی

ب) اضرار فریب در روابط اجتماعی

ج) فریب در امتحان (نقل کردن)



درس سوم

حقوق همسایه

عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَازَالَ جِبْرِيلُ يُوصِينِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُوَرِّثُهُ». متفق عليه

آشنایی باراوی

این راوی بزرگوار در درس گذشته معرفی شد.

معنای لغات

۱- مَازَالَ	همواره، دوامدار	۲- الْجَار	همسایه
۳- ظَنَنْتُ	فکر کردم	٤- سَيُوَرِّثُهُ	او را ازجملهٔ ورثه قرار بدهد

معنای حدیث

از ابن عمر رضی‌الله‌عنهما روایت است که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: جبرئیل امین همیشه برایم (از جانب خداوند جل‌جلاله) در بارهٔ حقوق همسایه توصیه و تأکید می‌کرد تا حدی که من گمان کردم که شاید همسایه مانند اقارب نزدیک انسان درمیراث وی نیزشریک خواهد بود.

حکمت حدیث

انسان در زنده‌گی علاوه بر ارتباط با پدر و مادر، فرزند و اقارب، ارتباط نزدیکی با همسایه‌های خود نیز دارد. خوبی و یا بدی این ارتباط بر امنیت و آرامش زنده‌گی وی تأثیر مستقیم دارد. اولین کسانی که در غم و شادی در کنار ما بوده می‌توانند همسایه‌گان اند. پس اگر رابطهٔ انسان با همسایه گانش خوب باشد، از بسیاری جهات احساس امنیت و آرامش می‌کند و از خوبی‌ها و فضایل و تجارب آنان بهره می‌برد. اما در صورت تیره بودن رابطه با همسایه، انسان احساس ناراحتی می نماید و آرامش جانی و مالی و روانی برهم می‌خورد. لذا پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم در این حدیث شریف و احادیث مشابه، برحقوق و مقام همسایه تأکید نموده است.

فعالیت ها

• چطور می‌توانیم حقوق همسایه‌های خویش را ادا نماییم ؟
• جواب این سؤال را به صورت گروهی بدهید.

فواید حدیث

۱- قرار گرفتن همسایه به جای وارث: همسایه عبارت است از کسی که در نزدیکی ما زنده‌گی می‌کند، اسلام تا آنجا به حقوق همسایه توجه دارد که هرچند همسایه‌ها میراث نمی‌برند اما از لحاظ حقوق اجتماعی با آنانی که میراث می‌برند یکسان اند.

۲- تأکید بر حقوق همسایه: پیغمبر گرانقدر اسلام می‌فرماید که جبرئیل او را بارها بر اساس فرمان الهی در زمینهٔ حقوق همسایه توصیه کرده است.

۳- ارتباط پیغمبر ﷺ با جبرئیل امین: جبرئیل امین یکی از ملائک بزرگ می‌باشد که در نزول وحی و فهم امور دین اسلام با پیغمبر اکرم ﷺ از نزدیک همکاری می نمود.

٤- خودداری از هر نوع آزار و اذیت همسایه: اگر انسان با همسایه احسان و کمک کرده نمی تواند؛ حداقل لازم است تا از ضرر رساندن به همسایه‌گان خود اجتناب نماید، در حدیث دیگری چنین آمده است که: کسی که همسایه اش از ضرر او در امان نباشد وی مسلمان کامل نیست.

ارزیابی

۱- کلمات ذیل را ترجمه نمایید:

الف) مَا زَالَ　　ب) يُوصِينِي　　ج) ظَنَنْتُ　　د) سَيُوَرِّثُهُ

۲- معنای اجمالی حدیث را بیان نمایید.

۳- فواید حدیث را بیان نمایید.

کارخانه گی

۱- عبارت (مَازَالَ جِبْرِيلُ يُوصِينِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُوَرِّثُهُ) را با معنای آن حفظ نمایید.

۲- در مورد یکی از موضوعات ذیل یک مقالهٔ در شش سطر بنویسد.

الف) حقوق همسایه　ب) انواع اذیت‌های همسایه　ج) چگونگی جلوگیری از ضرر به همسایه‌گان



درس چهارم

گناه اذیت همسایه

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رضي الله عنه أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «وَاللهِ لَا يُؤْمِنُ وَاللَّهِ لَا يُؤْمِنُ وَاللَّهِ لَا يُؤْمِنُ قَالُوا: وَمَا ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْجَارُ لَا يَأْمَنُ جَارُهُ بَوَائِقَهُ. قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا بَوَائِقُهُ؟ قَالَ: شَرُّهُ». مسند احمد

آشنایی با راوی

صحابی بزرگوار عبد الرحمن بن صخر دوسی یمانی مشهور به ابوهریره است.

درسال هفتم هجری به مدینهٔ منوره وارد شد و ملازمت پیغمبر صلی الله علیه وسلم را نموده و پیغمبر اکرم صلی الله علیه وسلم در حق او به دریافت و حفظ علم و حدیث دعا فرموده است، از اینرو نسبت به دیگر اصحاب کرام احادیثی زیاد را از پیغمبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده و در سال ۵۷ هجری وفات شده است.

معنای لغات:

۱- لَا يُؤْمِنُ	مؤمن کامل نیست	۲- الْجَارُ	همسایه
۳- بَوَائِقَهُ	آزارها و اذیت‌ها		

معنای حدیث

از ابو هریره رضي الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: قسم به ذات خدا که مؤمن نیست! قسم به ذات خدا که مؤمن نیست! قسم به ذات خدا که مؤمن نیست! صحابهٔ کرام گفتند: چه کسی یا رسول الله! آن حضرت فرمودند: همسایه‌یی که همسایهٔ او از بوائق (آزار و اذیت) او در امان نباشد، گفتند: یا رسول الله بوائق همسایه چیست؟ گفت شر او.

حکمت حدیث

یک جامعه از افراد، فامیل‌ها، قریه‌ها وشهرها تشکیل می‌شود، پس اگر افراد، فامیل‌ها و قریه‌های ما آداب اجتماعی را رعایت نموده، و سعی کنند تا از طریق آن‌ها هیچ ضرری به اشخاص دیگر نرسد، مخصوصاً به آن‌های که با ایشان رابطه و همسایه‌گی دارند، که البته همسایه‌گی و مجاورت شامل همسایهٔ محل بود و باش و همسایه‌گان دفتر و محل کار نیز می‌شود، در این صورت در این نوع جامعه اصلا مشکلات به وجود نمی آید و اگر مشکلی ایجاد گردد به زودی حل می‌شود.

بنابرین، دین اسلام به احترام حقوق همسایه و اجتناب از اذیت و ضرر رساندن به آن‌ها جدا تأکید نموده است.

بعضی از حقوق همسایه‌گی

رسول اکرم ﷺ بعضی از حقوق همسایه‌ها را تعیین نموده و فرموده است: حقوق همسایه بر شما این است که اگر مریض شود از او عیادت کنید و اگر وفات کند در تشییع جنازۀ او شرکت کنید و اگر از شما قرض بخواهند و توانمند باشید به او قرض بدهید و اگر عیبی را در او دیدید عیبش را بپوشانید و اگر نعمتی به او برسد خوشی کنید تبریک بگویید، و اگر مصیبتی برایش رسید به او تعزیت و تسلیت بدهید، و خانه‌های خود را بر خانۀ او چنان بلند نکنید که اذیت شود و بوی دیگ تو باعث اذیت او نشود.

فواید حدیث

۱- تحریم اذیت و تکلیف دادن همسایه‌گان: چون پیغمبر اکرم ﷺ در این مورد وعید شدید داده و سه بار با عبارت سخت با ذکر قسم به ذات خداوند ﷻ تأکید نموده است که: (والله لایؤمن، والله لایؤمن، والله لایؤمن...) و این بیانگر بزرگی گناه اذیت رساندن به همسایه‌گان می‌باشد. از نص حدیث شریف چنان استنباط می‌شود که اذیت همسایه گناه بسیار بزرگ است.

۲- بیان بزرگی این گناه به دیگران: عدۀ از مردم به علت ندانستن بزرگی این گناه احیانا در مورد خودداری از اذیت و آزار همسایه‌گان توجه لازم نمی‌نمایند؛ بنابرین لازم است تا بزرگی این گناه به دیگران بیان گردد و یقیناً وقتی مردم بزرگی این گناه را درک نمایند از آن اجتناب می‌نمایند.

۳- لفظ همسایه عام است: همسایه در این حدیث شامل همۀ انواع همسایه‌ها می‌شود، همسایۀ مسکن، همسایۀ محل کار همسایۀ مسلمان و غیر مسلمان، همسایه‌گان بزرگ سال و خُرد سال.



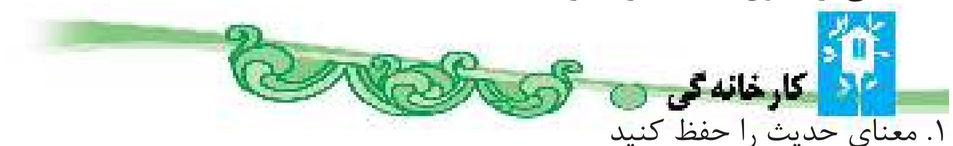
- در مورد انواع اذیت و آزار همسایه به شکل گروهی معلومات دهید.

ارزیابی

۱- راوی حدیث کیست؟ به طور خلاصه معرفی کنید.

۲- این کلمات را توضیح دهید: (لایؤمن الجار بوائقه)

۳- بعضی از حقوق همسایه را ذکر کنید.



۱. معنای حدیث را حفظ کنید



درس پنجم

حسادت

عَنْ أَبي هُرَيْرَةَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:« إِيَّاكُمْ وَالْحَسَدَ فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ». (رواه ابو داود)

آشنایی باراوی

این راوی در درس گذشته معرفی گردید.

معنای لغات

۱- الْحَسَدَ: آرزو نمودن زوال نعمت از دیگران.

۲- إِيَّاكُمْ: دوری کنید.

۳- يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ: نیکی‌ها را از بین می‌برد.

٤- الْحَطَبَ: هیزم.

معنای حدیث

ابوهریره رضی الله عنه از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم روایت می‌کند که ایشان فرمودند: «از حسد و کینهٔ بسیار دور باشید! زیرا حسد اعمال نیک را چنان خورده و از بین می‌برد که آتش هیزم را».

حکمت حدیث

دین مقدس اسلام به خیراندیشی، محبت، برادری و همکاری امر نموده و از هر آنچه که سبب ضرر و زیان و تیره شدن روابط گردد منع می‌کند. حسد سبب اذیت و آزار، تنفر، بدگمانی و دشمنی با دیگران می‌شود؛ لذا پیغمبر اکرم صلی الله علیه وسلم از حسد و کینه منع کرده است. بنابر این دین اسلام به احترام حقوق آن‌ها و اجتناب از اذیت و آزار همسایه گان و ضرر رساندن به آنان به گونهٔ جدی تأکید نموده است.

حسد چیست؟ حسد آن است که انسان از بین رفتن نعمت دیگران را آرزو کند و از این‌که خداوند بر دیگری نعمتی ارزانی داشته، خوشش نیاید.

غبطه چیســـت؟ غبطه آن است که انسان آرزوی داشتن مثل آنچه را که دیگران دارند، داشـــته باشد بدون این‌که نابودی نعمت دیگران را بخواهد که این کاری است پسندیده و نیک.

ضررهای حسد

الف: حســـد، محبت و برادری و خیراندیشـــی را از بین می‌برد و ســـبب ظلم و ستم بر یکدیگر می‌شود.

ب: حســـد نشان دهندهٔ بد بودن باطن و ضمیر حسد کننده است، زیرا او آنچه را که به خود می‌پسندد به دیگران نمی‌پسندد.

ج: حسد انسان را نا آرام می‌سازد؛ زیرا حسد کننده همیشه در این غم و غصه می‌باشد که چرا فلان شـــخص دارای فلان نعمت است و من نیســـتم؟ و همیش در نعمت‌های دیگران و محرومیت خود می‌اندیشد.



- اضرار دیگر حسد را به صورت انفرادی و یا گروهی بیان نمایید.

فواید حدیث:

۱. **حسد گناه است:** پیغمبر اکرم ﷺ با اسلوب بسیار واضح از حسادت منع فرموده است.

۲. **حسد نیکی‌ها را می‌خورد:** حسد علاوه بر این‌که گناه است، نیکی‌های حاسد را نیز از بین می‌برد.

ارزیابی

۱- کلمات ذیل را ترجمه کنید:

اِیاکم　　　　یأکل الحسنات　　　　الحطب

۲- حسد را تعریف نموده و فرق آن را با غبطه واضح سازید.

۳- ضررهای حسد را بیان کنید.



۱. حدیث درس را با معنای آن حفظ کنید.

۲. زیان‌های حسد را نام گرفته و در کتابچهٔ خود بنوسید.



درس ششم

رضای خداوند در رضای والدین است

عن عبد الله بن عَمْرو، قَالَ: قَالَ رَسُولُ الله صَلَّى الله عَلَيهِ وَسَلَّم: «رِضَا اللهِ فِیْ رِضَا الْوَالِدَیْنِ، وَ سَخَطُ اللهِ فِی سَخَطِ الْوَالِدَیْنِ» رواه البيهقي في شعب الايمان.

آشنایی با راوی

راوی این حدیث صحابی بزرگوار عبدالله بن عَمرو بن عاص است، نسب او با پیغمبر ﷺ در پدرکلانش کعب بن لؤی یکجا می‌شود؛ عبدالله و پدرش از یاران پیغمبر ﷺ می‌باشند.

وی صحابی دانشمند، حافظ قرآن کریم، از حافظان حدیث بود و احادیث زیادی را روایت نموده است، ایشان در سال ۵۶ هجری وفات نمودند.

معنای لغات

۱. رِضَا اللهِ	رضای خداوند
۲. سَخَطُ اللهِ	قهر و غضب خداوند

معنای حدیث

از عبدالله بن عمرو روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «رضای خداوند ﷻ در رضای پدر و مادر و قهر و غضب خداوند ﷻ در قهر و غضب پدر و مادر است».

حکمت حدیث

خداوندﷻ خالق حقیقی انسان‌هاست، پدر و مادر در عالم اسباب تکالیف زیادی را متحمل می‌شوند تا طفل شان پرورش یابد، پدر و مادر در فراهم نمودن غذا، لباس، فضای مناسب زنده‌گی و تربیهٔ سالم اطفال شان شب و روز تلاش می‌نمایند؛ بنابرین مقام والدین نزد خداوندﷻ بسیار بلند است و در موارد متعدد خداوند متعال حق خود را با حق والدین یکجا ذکر می‌کند؛ پس در این حدیث نیز پیغمبر اکرمﷺ یکی از حقوق خداوندﷻ را که عبارت از کسب رضای اوست با حق والدین یکجا ذکر نموده وحتی ادای حق والدین را به منزلهٔ ادای حق خداوندﷻ دانسته است.

چگونه‌گی نیکی با والدین

نیکی با پدر و مادر هم در زنده‌گی آن‌ها و هم بعد از وفات شان باید ادامه یابد. وقتی آن‌ها زنده هستند فرزند مکلف است با آنان به خوبی، مهربانی، نرم زبانی و خوشخویی برخورد کند. کلمات زشت و آزاردهنده به‌کار نبرد و در مقابل‌شان تکبر و عناد نورزد. در آنچه گناه نیست حتما اطاعت کند و فرمایش‌های شان را بر عبادت‌های نفلی مقدم سازد و همیشه در خدمت آنان باشد. برای رفع نیازمندی‌شان از هیچ تلاشی فروگذار نشود و آنان را بر زن و فرزند خویش ترجیح دهد و آنچه را که از عهدهٔ ایشان بر نمی‌آید از آنان نخواهد و بر آن‌ها فریاد نزند و به نام صدا نکند و بعد از مرگ‌شان نیز با اخلاص و اصرار برای آنان دعای رحمت و مغفرت کند، اگر با کسی وعده‌یی کرده باشند به آن وفا نماید و دوستان و خویشاوندان شان را اکرام و اعزاز کند.

فواید حدیث

۱- فرضیت کسب رضای والدین: چون رضا و خشنودی خداوندﷻ در رضایت والدین است و کسب رضای خداوندﷻ بر هر انسان فرض است؛ پس کسب رضای والدین نیز فرض است.

بـــه همین علت روزی یکی از صحابهٔ کرام خواســـت در جهاد اشـــتراک نماید، پیغمبر اکرم ﷺ به وی فرمودند: « آیا پدر ومادرت زنده استند؟ صحابی گفت:بلی، پیغمبر ﷺ فرمودند: برو خدمت و اکرام آن‌ها را بکن، جنت در زیر پاهای آن‌هاست» (استذکار۵/۴۰)

۲- تحریم قهر ساختن والدین: نافرمانی در امور مشروع از والدین سبب ناخشنودی خداوند ﷻ گردیده و حرام است، پس کاری که سبب قهر و غضب والدین شود نیز حرام می باشد.

۳- سعادت و کامیابی: رضای والدین موجب سعادت، نیک‌بختی وکامیابی انسان می گردد و برعکس غضب والدین موجب شقاوت، بدبختی و ناکامی انسان می شود.



□ کارهایی را که ســـبب رضایت والدین می‌شود و کارهایی را که سبب غضب والدین می‌شود به صورت انفرادی و یا گروهی بیان نمایید.

ارزیابی

۱. معنای کلمات ذیل را بگویید:

الف) الْوَالِدَیْنِ　　　　ب) رِضَا　　　　ج) سَخَطِ

أ- به سؤالات ذیل پاسخ بدهید:

۱- چرا اسلام در مورد حقوق والدین تأکید ورزیده است؟

۲- آیا نیکی به والدین صرف به دوران زنده‌گی آن‌ها منحصر است؟



۱- عبارت « رِضَا الله فِیْ رِضَا الْوَالِدَیْنِ، وَ ســَخطُ الله فِی سَــَخطِ الْوَالِدَیْنِ » را با معنای آن حفظ کنید.

چطور می‌توانیم رضایت والدین را به دســـت بیاوریم؟ در این باره یک مقالهٔ در شـــش سطر بنویسید.

درس هفتم

حق مادر

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ مَنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِحُسْنِ صَحَابَتِي؟ قَالَ: أُمُّكَ قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: ثُمَّ أُمُّكَ قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: ثُمَّ أُمُّكَ، قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: ثُمَّ أَبُوكَ.

متفق علیه

آشنایی با راوی

راوی قبلا معرفی شده است.

معنای لغات

۱. من أَحَقُّ النَّاسِ — مستحق‌ترین مردم کیست؟

۲. بِحُسْنِ صَحَابَتِي — به همراهی و رفتار خوب من

معنای حدیث

از ابوهریره رضی‌الله‌عنه روایت است که شخصی نزد رسول خدا آمد و گفت: چه کسی بر من بیشتر حق خدمت و رفتار خوب را دارد؟ آن‌حضرت فرمودند: مادرت. او پرسید: سپس چه کسی؟ حضرت فرمود: باز مادرت. او گفت: سپس چه کسی؟ حضرت جواب داد: باز مادرت. آن شخص پرسید: باز چه کسی؟ رسول خدا فرمود: بعد از آن پدرت.

حکمت حدیث

مادر، بزرگترین فداکاری را هم از نظر روحی و عاطفی و هم از نظر جسمی و هم از نظر خدمات در مورد فرزندش انجام می‌دهد به همین خاطر در حدیث فوق خواندیم که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم سه بار پاسخ دادند که شایسته‌ترین کسی که با آن به نیکی رفتار شود مادر است.

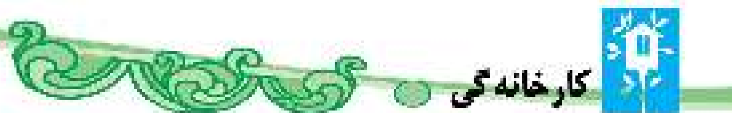
عمده‌ترین زحمات و مشقت‌های که مادر به خاطر فرزندش متحمل می‌شود، عبارتند از:
۱. مشکلات زمان حمل؛ زیرا مادر در این وقت تکالیف و مشقت‌های زیاد جسمی و روحی را متحمل می‌شود و شیرهٔ استخوان و خون خود را به جسد طفلش می‌بخشد.
۲. دشواری‌ها و مشقت‌های ولادت که این یک مرحلهٔ سخت و دشوار است.
۳. دشواری‌های دوران شیرخوارگی، مادر عصارهٔ گوشت و استخوان خود را با شیر آمیخته و به طفل خود می‌دهد و مهربان‌ترین فرد نسبت به کودک است و او را دوست دارد. نه خسته می‌شود و نه از زحمت نوزاد به تنگ می آید. بیشترین مزد و عوضی که مادر انتظار دارد این است که کودک سالم بارآمده و رشد نماید.
مادر در زمان بارداری مشکلات بی‌شماری را متحمل می‌شود، هنگام زایمان رنج‌های سختی را دیده و در دوران شیرخوارگی و تربیت کارهای سختی را انجام می دهد و در آرامش بخشیدن به طفل خودگذری‌های زیادی می نماید. لذا این حدیث شریف در باب خدمت و رفتار خوب، حق مادر را از پدر بیشتر و مقدم دانسته است.

فواید حدیث

۱. برتری مادر: پدر و مادر هر دو حقوق زیادی بر ما دارند، اما مادر با توجه به دلایل ذکر شده حق و جایگاه برتری دارد و فرزند باید به خدمت و فرمان برداری مادر و دوستی و شفقت به او، بیشتر توجه کنند.
۲. تأکید بر احسان و نیکی بیشتر با مادر: چون پیغمبر اکرم ﷺ سه بار نام مادر را یاد کرد و در مرتبهٔ چهارم مقام پدر را ذکر نمود از این فهمیده می‌شود که مادر از همه بیشتر مستحق نیکی و احسان می‌باشد.

ارزیابی

أ. عباراتِ ذیل را ترجمه نمایید:
۱- من أَحَقُّ النَّاسِ بِحُسْنِ صَحَابَتِي
۲- در مورد راوی حدیث معلومات بدهید.
۳- پیغمبر اکرم ﷺ چرا روی حقوق مادر تأکید نمودند؟



۱- معنای حدیث را حفظ نمایید.
۲- شاگردان در مورد حقوق مادر یک مقالهٔ در پنج سطر بنویسند.



درس هشتم

معاملات در شریعت اسلامی

شریعت اسلامی آن طوریکه در بخش عقاید، اخلاق و عبادات راهنمایی‌های ارزنده‌یی دارد در زمینهٔ معاملات و خرید و فروش نیز احکام و آداب خاصی را وضع کرده است، تا مردم بتوانند معاملات شان را بر بنیاد عدل و صداقت و دور از فریب و نیرنگ و جدال و درگیری انجام دهند؛ بنابرین لازم است هر مسلمان از احکام شریعت اسلامی در مورد معاملات آگاهی لازم داشته باشد، معاملات روا و ناروا را تفکیک کرده بتواند و این باور برایش حاصل گردد که معامله کردن با دیگران با رعایت احکام و آداب اسلامی خالی از اجر و ثواب نیست و باعث برکت در مال انسان می‌گردد.

مشخصات معاملات در شریعت اسلامی

- احترام به ملکیت دیگران و عدم تجاوز برآن
- وسیله قرار دادن معامله برای کسب رزق حلال
- داشتن اخلاق شایسته
- فایدهٔ خود و دیگران را در نظرگرفتن
- صداقت و راستگویی
- اجتناب از دروغ گویی
- رضایت هردو جانب
- اجتناب از فریب
- وضاحت همه جانبه
- خود داری از هرنوع حرکاتی که سبب نزاع گردد
- اجتناب از هر نوع بی عدالتی، سود جویی، ظلم و احتکار

آداب تجارت

تاجر مسلمان باید آداب ذیل را در تجارت و معاملات خویش مراعات نماید:

۱- آگاهی لازم به احکام شرعی خرید و فروش داشته باشد.

۲- از همه انواع غش و فریبکاری دوری جوید.

۳- نیتش از تجارت این باشد که بدون ضرر رسانیدن به دیگران، رزق حلال را برای خود و خانواده اش تأمین کند.

۴- از سوگند پرهیز نماید به خصوص از سوگند ناحق.

۵- برای ادای فرایض و واجبات دینی خود وقت کافی را تخصیص دهد.

۶- به اندازهٔ توان خود با فقرا کمک نماید.

۷- در صورتی که زکات بالایش لازم باشد، در وقتش آن را به بهترین صورت ادا نماید.

۸- تمام سخنان او باید راست باشد.

۹- عیب مال را در وقت فروش بیان نماید.

۱۰- نفع مردم را درنظر داشته باشد از فروش اشیای که به دیگران مضر باشد؛ مانند: مواد مخدر و مسکرات، به گونهٔ جدی خود داری نماید.

فضیلت تاجر راستکار و امانت دار

ابوسعید خدری رضی‌الله‌عنه روایت کرده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: التَّاجِرُ الصَّدُوقُ الْأَمِينُ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ[1].

ترجمه: تاجر راستگوی امانت کار با پیامبران، صدیقان و شهداء خواهد بود.



- شاگردان به شکل گروهی با یکدیگر در بارهٔ آداب تجارت مباحثه نمایند.

ارزیابی

به پرسش‌های ذیل جواب بدهید:

۱. مشخصات معاملات در اسلام کدام‌ها اند ؟

۲. آداب تجارت چیست ؟ هر شاگرد سه مورد آن را نام بگیرد.

۳. فضیلت تاجر راستکار و امانت دار را بیان نمایید؟



به نظر شما یک تاجر باید کدام آداب را رعایت نماید ؟ در این مورد یک مقالهٔ کوتاه بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

---

۱ - المستدرک للحاکم ۷/۲



درس نهم

اصطلاحات فقهی در بیع(خرید و فروش) (۱)

هر علم اصطلاحات خاص خود را دارد و بدون آشنایی با آن اصطلاحات استفاده از آن علم ناممکن است، فقه اسلامی نیز در تمام بخشهایش به خصوص در بخش خرید و فروش اصطلاحاتی دارد و بدون یاد گرفتن آن فهم این علم دشوار خواهد بود، لذا پیش از پرداختن به مباحث اصلی با برخی از اصطلاحات بیع آشنا می شویم.

بیع: بیع عبارت است از بدل نمودن مال به مال و یا بدل نمودن مال به پول به رضایت بایع و مشتری.[۱]

بایع: فروشنده را گویند.

مشتری: خریدار را گویند.

ایجاب: ایجاب همان سخن اول است که برای عقد صادر (گفته) شود؛ مانند این‌که بایع (فروشنده) بگوید: این قلم را به ده افغانی برایت دادم.

قبول: عبارت از سخن دومی که بعد از ایجاب، برای قبول عقد گفته شود، مانند این‌که در جواب مثال فوق مشتری بگوید: من آن را به ده افغانی گرفتم.

عقد: عقد در لغت بستن را گویند و در اصطلاح عبارت است از اتفاق دو طرف برای انجام دادن یک کار، مانند عقد بیع میان بایع و مشتری.

مال: مال چیزی است که از نظر شریعت قیمت داشته و قابلیت تبادله و ملکیت را داشته باشد.

مال متقوم: مال متقوم آن است که از نظر شریعت قیمت داشته باشد و استفاده از آن جائز باشد.

منقول: منقول چیزی است که بردن آن از جایی به جایی دیگر ممکن باشد؛ مانند پول نقد، کالا و غیره.

۱- مجلة الأحكام العدلية - (ج ۱ / ص ۲۹)

غیر منقول (عقارات): عبارت است از چیزی که انتقال دادن آن از جایی به جایی دیگر امکان نداشته باشد؛ مانند: خانه‌ها، زمین‌ها، باغ‌ها و مانندآن[1].



□ شاگردان به کمک معلم محترم مضمون در بارۀ اصطلاحات فقهی ذکر شده در درس با هم بحث نمایند.

ارزیابی

اصطلاحات ذیل راتعریف کنید:

۱- ایجاب ۲- قبول ۳- مال منقول. ۴- مال متقوم.

علامه (✓) را در برابر جملات درست ونشانه (X) را در برابر جملات غیرصحیح بگذارید:

قبول: سخن اولی است که از سوی یکی از طرفین عقد صادر می گردد ( ).

عقد: عبارت است از اتفاق دو طرف برای انجام دادن یک کار ( ) .

بیع: عبارت است از بدل نمودن مال به منافع. ( ).



معنای اصطلاحات درس را به صورت مختصر در کتابچه‌های خویش بنویسید.

۱- مجله الاحکام العدلیه (ج ۱ /ص۲۹)



درس دهم

اصطلاحات فقهی در بیع (۲)

در درس گذشته بعضی از اصطلاحات فقهی بیع را یادگرفتیم، اکنون می‌خواهیم بقیه آن را بیاموزیم.

مبیعه: عبارت از مالی است که ثمن (پول) در مقابل آن قرار می‌گیرد و مقصد اصلی بیع می‌باشد. مبیعه را محل بیع نیز می‌گویند.

ثمن: عبارت از مالی است که در مقابل مبیعه قرار می‌گیرد و غالبا پول و نقود می‌باشد.

نقود: جمع نقد بوده و در اصل به طلا و نقره گفته می‌شود، ولی اکنون به پول نیز نقود گفته می‌شود زیرا به جای آن‌ها استعمال می‌شود؛ مانند بانک نوت و پول فلزی.

کَیلی: آنچه که مقدار آن به پیمانه معلوم گردد؛ مانند: پترول، آب و غیره مایعات (اکنون واحد مروج آن لیتر می‌باشد).

وزنی: چیزی که مقدار آن به وزن معلوم گردد؛ مانند طلا، نقره، گوشت، چوب سوخت وغیره (اکنون واحد مروج آن گرام و کیلوگرام می‌باشد).

عددی: چیزی‌که فروش آن به شکل عرفی به شمارش صورت گیرد.

ذرعی: چیزهایی است که مقدار آن به اساس طول سنجش می‌شود؛ مانند رخت. (واحد رایج آن اکنون متر می‌باشد).

مشاع: عبارت از مال مشترکی است که هنوز تقسیم نشده باشد؛ ولی مقدار ملکیت هر شریک در آن به اساس سهم (فیصدی و یا به اساس سهم نصف و ربع و ثمن ....) معلوم باشد؛ مانند: شرکت‌های سهامی و اموال میراثی که هنوز تقسیم نشده باشد.

مثلی: آنچه که در بازار همانند آن بدون تفاوت زیاد پیدا شود که در قیمت آن تفاوت زیاد نیاورد؛ مانند مکیلات، موزونات و عددیات متقاربه[1].

قیمی: آنچه که افراد آن در بازار باهم متفاوت باشند و قیمت‌های آن نیز باهم تفاوت داشته باشند. مانند: اسپ‌ها، گوسفندها، گاوها.

۱– مجلة الأحكام العدلیة – (ج ۱ / ص ۳۲)

عددیات متقاربه: عبارت از چیزهای است که در بازار به شمارش فروخته می‌شود و در قیمت افراد آن تفاوت نباشد، این همه از مثلیات شمرده می‌شود مانند تخم و چهارمغز.
عددیات متفاوته: عبارت از چیزهای است که به شمارش فروخته نمی‌شود، زیرا که میان افراد آن تفاوت در قیمت وجود دارد.
مانند: کدو، تربوز و غیره.



▯ از عددیات متقاربه پنج پنج مثال و از عددیات متفاوته ده مثال بیاورید.

ارزیابی

تفاوت اصطلاحات ذیل را بیان نمایید:

۱- مال شایع و غیرشایع
۲- عددیات متقاربه و عددیات متفاوته
۳- مثلی و قیمی
۴- کیلی و وزنی
۵- ذرعی و عددی

نشانهٔ (✓) را در برا بر جمله‌های صحیح و نشانهٔ(X) در برابر جملات نادرست بگذارید:
۱- شایع: عبارت از سهمی است که در همه اجزای مال مشترک سرایت کرده باشد. (   )
۲- عددیات متقارب: عبارت از چیزهای است که به شمار فروخته می‌شود و در میان افراد آن تفاوت در قیمت نباشد. (   )
مبیعه: عبارت از مالی است که ثمن و یا پول در مقابل آن قرار می‌گیرد و مقصد اصلی بیع می‌باشد. (   )



اصطلاحات درس را به صورت فشرده در کتابچه‌های خویش بنویسید.



درس یازدهم

اصطلاحات فقهی در بیع (۳)

دردرس گذشته بعضی از اصطلاحات فقهی را یادگرفتیم، اکنون می‌خواهیم بقیهٔ آن را بیاموزیم.

رکن بیع: ایجاب و قبول است که به صیغهٔ عقد هم از آن تعبیر می‌شود.

ثمن مسمی: ثمنی است که در وقت عقد بیع به صورت واضح تعیین و برآن اتفاق شود، باکی ندارد که مطابق قیمت مروج باشد و یا تفاوت داشته باشد.

قیمت: عبارت از بهای حقیقی یک چیز است.

تاجیل: معلق قرار دادن دین و تاخیر آن تا یک زمان معین.

تقسیط: تسلیم کردن یک مبلغ به اقساط متعدد.

دین: عبارت از مالی است که برذمه ثابت می‌گردد؛ مانند پولی که کسی آن‌را از شخصی به قرض بگیرد.

غبن فاحش: از نرخ بازار به نرخ بسیار بلند فروختن را گویند؛ مانند این‌که قیمت رایج یک کیلو گاز در بازار ۳۰ افغانی باشد و یک شخص آن را به ۵۰ افغانی بفروشد.



شاگردان اصطلاحات فوق را از یکدیگر بپرسند.

ارزیابی

اصطلاحات ذیل را تعریف کنید:

۱- ثمن.

۲- قیمت.

۳- بایع.

۴- مشتری

نشانهٔ (✓) را در برا بر جمله‌های صحیح و نشانهٔ (X) را در برابر جمله‌های نادرست بگذارید:

الف) تسلیم کردن مبلغ به اقساط را تقسیط گویند. (   ).

ب) دین عبارت از مالی است که بر ذمه ثابت می‌گردد. (   ).



نکات عمدهٔ درس را در کتابچه‌های خویش بنویسید.



درس دوازدهم

بـــیـــع

انسان‌ها در زنده‌گی خویش محتاج اند تا با یکدیگر داد وستد داشته باشند و از این راه نیازمندی‌های خویش را مرفوع سازند، کتب فقه این مسائل را تحت عنوان بیع مورد بحث قرار می‌دهد[1].

تعریف بیع

بیع درلغت: عبارت از مطلق مبادله است.

بیع در اصطلاح شریعت: مبادلهٔ مال است به مال به رضایت بایع و خریدار[2].

حکم بیع: در نتیجهٔ بیع ملکیت خریدار در مال فروخته شده و ملکیت فروشنده در قیمت ثابت می‌شود[3].

رکن بیع: رکن بیع عبارت از ایجاب و قبول است[4].

عقد بیع به دو قسم صورت می‌گیرد:

۱- به الفاظ و سخن گفتن

۲- به انجام دادن یک عمل

بیع به الفاظ یا قول: همان است که توسط ایجاب و قبول انجام یابد.

بیع به عمل یا تعاطی: بیعی است که به داد و گرفت عملی انجام پذیرد، گرچه ایجاب و قبول نباشد. مثال شخصی به نان فروش قیمت مروج یک نان را می‌گذارد و نان را از نزدش می‌گیرد.

---

۱ - فقه المعاملات - (ج ۱ / ص ۷)

۲ - دررالاحکام شرح غرر الاحکام ج۶. ص۱۵۱ . تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق ج۱۰ ص۲۲۸

۳ - رد المحتار - (ج ۱۸ / ص ۲۰۵)- العناية شرح الهداية - (ج ۸ / ص ۳۶۸)

۴ . رکن آن است که وجود یک چیز بر وجود وی موقوف باشد وخودش جزء آن چیز باشد.



- چند مثال از بیع تعاطی (دادن وگرفتن) را ذکر کنید.

ارزیابی

سؤالات ذیل را پاسخ دهید:

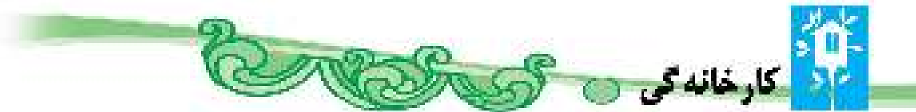
۱ . اصطلاحات این درس را بیان نمایید.

۲ . حکم بیع چیست ؟

۳ . رکن بیع چیست و به چه صورتی منعقد می‌گردد؟

عبارات ذیل را تکمیل کنید:

بیع درلغت .... و در اصطلاح عبارت است از ....



نکات عمدۀ درس را در کتابچه‌های خویش بنویسید.



درس سیزدهم

انواع بیع (۱)

بیع انواع مختلفی دارد و حکم هر کدام جداست، پس خوب است هر یک را یاد بگیریم و بدانیم که بیع از چه لحاظهایی به انواع مختلف تقسیم شده است.

بیع از نظر حکم

از نظر حکم بیع به پنج نوع ذیل است:

۱. بیع صحیح[۱] و نافذ

عبارت از بیعی است که از روی اصل و وصف مشروع بوده نه در آن ملکیت کسی دخیل باشد و نه در آن کدام اختیاری موجود باشد.

حکم: حکم بیع مذکور این است که ملکیت در آن فی الحال ثابت می‌شود.

۲. بیع صحیح غیر لازم

عبارت از آن بیع مشروع است که حق کسی به آن تعلق نداشته باشد؛ اما یکی از خیارات در آن موجود باشد.

حکم: حکم بیع مذکور این است که مال صاحب اختیار تا وقتی از ملکیت وی خارج نشده در ملکیت جانب مقابل داخل نمی‌شود که خیار وجود داشته باشد.[۲]

۳. بیع موقوف: عبارت ازبیعی است که به آن حق غیر تعلق گرفته باشد؛ مانند بیع کسی که مال غیر را بدون اجازۀ وی به فروش برساند.

حکم: حکم بیع مذکور این است که ثبوت ملکیت در آن به اجازۀ مالک اصلی ارتباط دارد.[۳]

۱ - بیع صحیح آن است که به اعتبار ذات وصفت مشروع بوده و شروط انعقاد و صحت در آن مکمل شده باشد.
۲ - درر الحکام شرح مجلة الأحکام - (۱ / ۹۵)- رد المحتار - (۱۸ / ۱۸۵).
۳ - شرح المجلة للأتاسي: ۳۴۳- بدائع الصنائع- (۱۱ / ۴۹۴)> البحر الرائق - (۱۵ / ۴۸)

۴. بیع فاسد

بیعی است که به اعتبار اصل خود مشروع بوده؛ اما به اعتبار وصف صحت نداشته باشد، یعنی فاقد کدام شرطی از شروط صحت بیع باشد.

۵. بیع باطل

بیع باطل: بیعی را گویند که در اصل صحیح نباشد، طوری‌که:

أ) در کدام شرط انعقاد خللی وجود داشته باشد؛ مانند بیع دیوانه و یا بیع طفلی که هیچگونه تمیز نه داشته باشد.

ب) مبیعه مال نباشد؛ مانند فروش شراب.

حکم: حکم این بیع این است که ملکیت توسط آن ثابت نمی‌شود. [1]

حکم بیع فاسد: در این بیع ملکیت به اخذ کردن قیمت و مال فروخته شده ثابت می‌گردد وهر یک از دو طرف عقد می‌توانند بیع را فسخ نمایند، تا فساد از بین رفته و از نزاع جلو گیری شود؛ مانند مجهول بودن قیمت و یا این که شرطی خلاف تقاضای بیع در آن گنجانیده شود.



- شاگردان به پنج گروه تقسیم شده و هر گروه به کمک استاد صورت‌های بیوع ذیل را بیان نماید:

۱- بیع باطل ۲- بیع فاسد ۳- بیع نافذ ۴- بیع غیر لازم ۵- بیع موقوف

ارزیابی

۱- به پرسش‌های ذیل پاسخ دهید:

أ- بیع چند نوع است ؟

ب- تعریف بیع نافذ چیست ؟

۲- عبارت‌های زیر را تکمیل نمایید:

أ- بیع باطل: عبارت است از ....

ب- بیع فاسد: عبارت است از.........................



انواع بیع را با حکم آن در کتابچه‌های خویش بنویسید.

---

۱ – تبیین الحقائق (۱۱/ ص۵۶). درر الحکام في شرح مجلة الأحکام – (۲ / ۳۱۰)– الجوهرة النيرة.



درس چهاردهم

شرایط بیع

بعد از آشنایی با تعریف بیع و چگونه‌گی انجام آن، اکنون شروط بیع را می‌خوانیم، چراکه نبودن یکی از آن شروط مانع صحت بیع می‌شود و رعایت آن‌ها از وقوع نزاع در بین مردم جلوگیری می‌کند.

شرط درلغت: علامه و نشانی را گویند[۱].

و در اصطلاح: شرط آن است که وجود یک چیز دیگر بر آن موقوف بوده، ولی خود شرط در آن چیز داخل نباشد؛ مانند وضوء که برای نماز شرط است[۲].

شروط بیع چهار نوع است:

۱- شروط انعقاد[۳]

۲- شروط نافذ شدن[۴]

۳- شروط صحت

۴- شروط لزوم[۵]

نخست شروط انعقاد

۱- عاقل بودن عاقد(عقد کننده)، بنابراین بیع دیوانه و کودکی که ممیز فهمیده نباشد، منعقد نمی‌گردد.

۲- وجود دو یا چند طرف در عقد، یعنی در بیع یک شخص از هر دو طرف عاقد شده نمی‌تواند، طوری‌که همین یک شخص هم فروشنده و هم گیرنده باشد؛ زیرا یک شخص هم قابض(گیرنده) و هم تسلیم دهنده شده نمی‌تواند.

۳- موافقت ایجاب با قبول؛ مانند این‌که بایع بگوید من این کتاب را به ده افغانی بالایت فروختم و مشتری بگوید من آن کتاب را به ده افغانی قبول کردم؛ اما اگر ایجاب چیزی و قبول چیز دیگر باشد بیع درست نیست.

---

۱ - لسان العرب - (۷ / ۳۲۹)- العناية شرح الهداية - (۱ / ۴۱۴)
۲ - رد المحتار - (ج ۳ / ص ۲۴۲)
۳ - درر الحكام شرح مجلة الأحكام - (۱ / ۹۲)
۴ - درر الحكام شرح مجلة الأحكام - (۱ / ۹۵)
۵ - رد المحتار - (ج ۱۸ / ص ۱۹۹)

۴- ایجاب و قبول باید به الفاظی گفته شود که افادهٔ رضایت جانبین را به انعقاد عقد بیع فی الحال نماید، پس اگر به الفاظی گفته شود که مفهوم وعده را داشته باشد در آن صورت بیع منعقد نمی گردد. مانند این‌که شخصی بگوید : من این قلم را به شما خواهم فروخت و یا این‌که مشتری بگوید: من این قلم را از شما خواهم خرید.

۵- اتحاد یا یکی بودن مجلس متعاقدین، پس اگر یکی از دو طرف عقد بیع را در همان مجلس قبول ننماید، چنین عقدی منعقد نمی‌شود.

۶- موجود بودن مبیعه یا مال مورد فروش با توجه به این شرط بیع چیزی معدوم، مانند بیع میوه‌یی که هنوز آشکار نشده باشد منعقد نمی‌گردد.

۷- متقوم بودن مبیع، بنابر آن بیع شراب و خوک در مورد مسلمان منعقد نمی‌شود.

۸- مبیعه، یعنی مال مورد فروش باید ملکیت، یعنی مال فروشنده باشد.

۹- مبیعه باید مقدورالتسلیم باشد، یعنی قابلیت تسلیم نمودن به مشتری را داشته، بنابرین بیع چیزی که تسلیم آن درتوان بایع نباشد؛ منعقد نمی‌شود. مانند فروش یک پرنده در هوا.[۱]



- شاگردان به سه گروه تقسیم شده و شرایط فوق را از یکدیگر بپرسند و معلم گرامی هم هرکدام را اندکی تشریح کند.

دوم شروط نفاذ

۱. ملکیت یا ولایت ملکیت: حق تصرف در ملکیت و یا مال غیر که این از دو راه انجام شده می تواند:[۲]

أ- از راه نیابت، یعنی نماینده گی: که صاحب مال و یا حق به‌جای خود، شخص دیگری را نائب، یعنی نماینده تعیین کند؛ مانند وکالت.

ب- حکم شریعت: که از طرف شریعت حق تصرف به کسی داده شده باشد؛ مانند ولایت پدر در ملک پسر خورد سالش.[۳]

---

۱ – البحر الرایق شرح کنز الدقایق ج۱۵ ص ۴۳ .
۲ – رد المحتار: ۲۶۵/۱۰.
۳ – رد المحتار – (ج ۱۸ / ص ۲۰۱)

۲. در مبیعه، یعنی مال مورد فروش به جز بایع(فروشنده) شخص دیگری حق نداشته باشد.[۱]

سوم: شروط صحت بیع

۱. بیع به صورت موقت نباشد، طور مثال اگر بگوید: (برای یک روز این قلم را به تو می‌فروشم) این بیع درست نیست.

۲. معلوم بودن مبیع، پس اگر بایع بگوید: (گوسفندی را از میان رمه به تو فروختم) و آن را معلوم نکند. این بیع صحیح نیست، زیرا فروش چیز مجهول باعث منازعه می‌شود.

۳. معلوم بودن ثمن (قیمت)، پس اگر بایع بگوید: (این اسپ را بالای تو به قیمتی که ارزش آن را دارد فروختم) این بیع درست نیست.

۴. در بیع شرطی نباشد که آن را فاسد بسازد. مثال اگر بگوید: (این خانه را به تو فروختم به شرطی که آن را به کرایه ندهی) بیع درست نیست.

۵. راضی بودن جانبین به بیع، پس بیع شخصی که مجبور به خرید و یا فروش گردیده باشد صحیح نیست.

چهارم: شروط لزوم بیع

وقتی یک بیع لازم می گردد که درآن شرط‌های خیار(اختیار داشتن) مانند: خیارشرط، خیار رؤیت گذاشته نشده باشد، یا شرط‌ها برآورده شده باشند.[۲]

ارزیابی

سؤال‌های ذیل را پاسخ دهید:

۱- شروط بیع چند نوع است؟

۲- انعقاد بیع دارای کدام شرط‌ها است؟

۳- شروط نفاذ بیع کدام است؟

۴- شروط لزوم کدام است؟



نکات عمدهٔ این درس را در کتابچه‌های خویش بنویسید.

---

۱ – رد المحتار – (ج ۱۸ / ص ۲۰۱)

۲ – رد المحتار – (ج ۱۸ / ص ۲۰۳)



درس پانزدهم

انواع بیع(۲)

در درس گذشته بیع را از نظر حکم یادگرفتیم، اکنون می خواهیم بیع را از نظر مبیع و هم چنان از نظر ثمن بیاموزیم.

بیع از نظر مبیع(مال فروخته شده)

بیع از نظر مبیع چهار قسم است:

۱- بیع مطلق: بیع مطلق(کامل) آن است که مطلق ذکر شود و با قیدی همچون صرف (نقد در مقابل نقد)، سلم(پیش پرداخت) و غیره همراه نباشد و آن بیع مال است در مقابل قیمت مطلق؛ چون: طلا، نقره، بانک نوت‌ها و پول فلزی.[۱]

بیع مطلق که بیع کامل نیز به آن گفته می‌شود از مشهور ترین انواع بیع به شمار می‌رود.

۲- بیع صرف: بیع نقد در مقابل نقد می‌باشد؛ مانند بیع طلا در مقابل نقره، یا بیع کلدار در مقابل افغانی، یا دالر و غیره.

۳- بیع مقایضه: بیع جنس در مقابل جنس است؛ مانند: این‌که یک کمپیوتر در مقابل موتر سایکل به فروش برسد.

۴- بیع سَـلم: و آن عبارت از بیعی است که ثمن(قیمت) در آن به صورت معجّل (فی‌الحال) پرداخت می‌شود و مبیعه (جنس) به صورت مؤجل (بعد از مدتی) تسلیم می‌شود.

ملکیت در قیمت به طور عاجل(فی‌الحال) و در مال فروخته شده به طور آجل (بعد از مدتی)، ثابت می‌گردد.[۲]

---

۱ – تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق (ج۱۱/ص۳۷۲

۲ – مرجع سابق، وبدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، (ج۱۱/ ۵۲).

فعالیت ها

- در مورد اقسام چهار گانۀ بیع فکر نموده و تفاوت آن‌ها را با یکدیگر نشان دهید.

بیع با در نظرداشت ثمن (قیمت) چهار قسم است:

۱- بیع مرابحه: فروختن مال به منفعت معلوم را بیع مرابحه گویند. مثل این‌که شخصی ۴۵ کیلو آرد را به ۱۰۰۰ افغانی خریده باشد و بگوید که آن را به ۱۰۰ افغانی فایده می‌فروشد و آن را به ۱۱۰۰ افغانی بفروشد.

۲- بیع تولیه: فروختن یک چیز به قیمت خرید آن را بیع تولیه گویند، مانند این‌که شخصی ۴۵ کیلو آرد را به ۱۰۰۰ افغانی خریده باشد و بگوید که آن را به قیمت خرید آن می‌فروشد، و آن را به۱۰۰۰ افغانی بفروشد.

۳- بیع وضیعه: فروختن مبیعه به قیمت کمتر از قیمت خریداری شده، چنانچه در مثال فوق آن شخص بگوید که آرد را به ۱۰۰ افغانی خساره می‌فروشم و سپس آرد را به ۹۰۰ افغانی بفروشد.

۴- بیع مساومه: فروختن یک مال به هر قیمتی که جانبین بالای آن اتفاق کنند، بدون این‌که در آن از قیمت خرید و یا مقدار منفعت و نقصان تذکری به عمل آید که بیشتر در بازارها به همین صورت داد و ستد صورت می‌گیرد. [1]

ارزیابی

به سؤال‌های ذیل پاسخ دهید:

۱- بیع با درنظر داشت مبیع، چند قسم است؟

۲- بیع سلم کدام بیع را گویند؟

۳- بیع به اعتبار ثمن(قیمت) چند قسم است؟

۴- بیع مرابحه کدام است؟

نشانۀ (✓) را در برابر جمله‌های صحیح و نشانۀ (x) را در برابر جملات نادرست بگذارید:

۱- بیع مقایضه: بیع جنس در مقابل جنس است.(   ).

۲- بیع تولیه: تبدیل کردن مال در مقابل قیمت اولی اش بدون آن‌که در آن فایده یا نقصانی رخ دهد.(   ).

۳- بیع وضیعه: فروختن مال به منفعت معین را بیع وضیعه گویند.(   ).

کارخانه گی

اقسام بیع را با درنظرداشت مبیعه و ثمن در کتابچه‌های خویش بنویسید.

---

۱ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع (ج۵۲/۱۱).



درس شانزدهم

خِیار(اختیار داشتن)

تعریف خِیار شرط و احکام آن

به اساس ضرورت مردم خیارات، یعنی (اختیار داشتن یکی از دو طرف در فسخ بیع) در بیع جائز گردانیده شده، که مهمترین آن خیار شرط، خیار رویت(دیدن)، و خیار عیب می‌باشند، اکنون می‌خواهیم خِیار شرط را بشناسیم.

تعریف خِیار شرط: در لغت خِیار اسم مصدر است، از فعل اختار که به معنای (اختیار داشتن) می‌باشد.(۱)

در اصطلاح: اختیار داشتن متعاقدین و یا یکی از آن‌ها، تا وقت معین، در تنفید و یافسخ عقد را خیار شرط گویند.

البته خیار شرط وقتی ثابت می‌شود که در وقت عقد از آن تذکر به عمل آید و مورد اتفاق جانبین واقع شود.(۲)

حکمت مشروعیت خیار: خیار به خاطر ضرورت مردم مشروع گردیده، تا برای آن‌ها فرصت فکر و مشوره مساعد بوده و ضرری که احتمالا به یکی از دو طرف عقد می‌رسد دفع شود.(۳)

حکم خیار شرط: در شریعت خیار گذاشتن جائز است و تا وقتی‌که خیار موجود باشد مال صاحب خیار از ملکیت او خارج نمی‌شود، و به جانب مقابل ملکیت آن ثابت نمی‌شود.(۴)

---

۱ – دررالحکام في شرح مجلة الأحکام- (ج۱/ص۲۰۸).
۲ – دررالحکام في شرح مجلة الأحکام- (ج۱/ص۲۰۸).
۳ – الفقه الإسلامی وأدلته، (ج۴/ ص۶۰۳).
۴ – درر الحکام في شرح مجلة الأحکام – (ج ۱/ ص ۲۰۸)- الفقه الحنفي و ادلته ۲- ۳۰- العناية شرح الهداية – (۸ / ۴۵۳)

فعالیت ها

- در بارۀ فواید خیار شرط و حکمت مشروعیت آن بحث کنید.

مدت خیار: نزد امام ابوحنیفه رحمة الله بایع و مشتری می توانند خیارشرط را برای سه روز و یا کمتر از آن بگذارند، ولی از آن بیشتر جواز ندارد و امام ابویوسف و امام محمد(رح) می‌گویند: اگر آن‌ها برای خیار شرط یک مدت معلوم را تعیین کنند جواز دارد و لو که از سه روز زیاد باشد.

ساقط شدن خیار شرط: به امور ذیل خیار شرط ساقط می‌شود:

۱- از بین بردن خیار شرط از طرف صاحب خیار به صراحت، مانند این‌که بگوید: من خیار خود را باطل کردم، بیع را قبول دارم و یا به آن راضی استم.

۲- از طرف صاحب خیار چنان تصرف و عمل صادر شود که به از بین بردن خیارشرط و قبول کردن بیع دلالت کند، مانند: سکونت در خانه ، یا کسی دیگری را ساکن کردن و یا فروش آن[۱]

۳- از بین رفتن خیار بنا بر ضرورت، مانند مردن صاحب اختیار

۴- به پایان رسیدن مدت خیار شرط

شروط فسخ بیع با استفاده از خیارشرط

۱. فسخ کردن باید در وقت خیارشرط باشد، زیرا اگر صاحب خیار ، عقد را در وقت تعیین شده فسخ ننماید در این صورت عقد لازم می‌گردد.

۲. باید طرف مقابل را از فسخ کردن عقد آگاه سازد.[۲]

ارزیابی

۱. منظور از خیار شرط چیست؟

۲. چه وقت خیار شرط ساقط می‌شود؟

۳. شروط فسخ بیع با استفاده از خیارشرط کدام‌ها اند؟

کارخانه گی

در بارۀ خیار شرط یک مقاله بنویسید که از ده سطر کم نباشد.

---

۱ - الفقه الحنفی و ادلته:۲- ۳۲

۲ - الفقه الإسلامی وأدلته - (۴ / ۶۱۱) بحواله البدائع: ۵/۲۷۳، تبیین الحقائق: ۴/۱۸.



درس هفده هم

خِیار رؤیت(دیدن)

پس از آنکه خیار شرط را یادگرفتیم، می‌خواهیم به خیار رؤیت و مسائل مربوط به آن نیز آشنا شویم.

تعریف خیار رؤیت

رؤیت در لغت: دیدن را گویند.

وخیار رؤیت در اصطلاح: عبارت است از اختیاری که خریدار در مورد قبول و یا فسخ بیع (بعد از دیدن مبیعه) دارد.

البته خیار رؤیت وقتی برای مشتری ثابت می‌گردد که قبلاً مبیعه (مال مورد فروش) را ندیده باشد.

وقت ثبوت خیار رؤیت: خیار زمانی ثابت می‌گردد که خریدار مال را ببیند، نه پیش از آن، حتی اگر خریدار بیع را پیش از رؤیت قبول هم کند، بیع لازم نمی‌گردد و خیار هم ساقط نمی‌شود.

حکم خیار رؤیت: حکمش آن است که هرگاه خریدار مال را دید اختیار دارد بیع را قبول و یا فسخ کند.[1]

احکام خیار رؤیت

۱- اگر صاحب خیار رؤیت مالی را که هنوز ندیده است به فروش برساند، اختیار خود را از دست می‌دهد.

۲- اگر صاحب خیار رؤیت بمیرد خیارش باطل می‌گردد و به ورثه اش انتقال نمی‌یابد.[2]

۳- خیار رؤیت وقت معین ندارد، تا زمانی به حال خود می‌ماند که باطل کنندهٔ آن پیدا نشود.

---

۱ - تحفة الفقهاء (ج۲؟ص۸۲).

۲ - الکتاب- فقه حنفی(ج۱/ ص۱۸۷).

۴- دیدن وکیل مانند دیدن شخص خریدار است، جز زمانی که آن را به سبب عیبی باز گرداند.

۵-کسی‌که چیزی را دید و بعد از مدتی آن را خرید، اگر آن مال برحالتی بود که قبلا دیده بود در آن صورت حق خیار رؤیت را ندارد و اگر آن را به حالت دیگر(خرابتر) دید، در این صورت صاحب خیار رؤیت می گردد.[1]



- فواید خیار رؤیت را به صورت انفرادی و یا گروهی بیان نمایید.

ارزیابی

۱- خیار رؤیت چیست؟

۲- خیار چه زمانی ثابت می‌گردد؟

۳- حکم خیار رؤیت چیست؟

نشانۀ (✓) را در برابر جمله‌های صحیح و نشانۀ (X) را در برابر جملات نادرست بگذارید:

۱. اگرشخصی حق خیار رؤیت را داشته باشد و بمیرد خیارش باطل می‌گردد. ( )

۲. خیار رؤیت غیرموقت بوده و تا زمانی ادامه خواهد یافت که اسباب ابطال آن پیدا شود.( )

۳. دیدن وکیل مانند دیدن خریدار نیست. ( )



نکات عمدۀ این درس را در کتابچه‌های خویش بنویسید.

---

۱ - العناية شرح الهداية (ج۹/ص۴).



درس هژد هم

باب خیار عیب

بعد از خیار شرط و خیار رؤیت می‌خواهیم درضمن این درس خیار عیب را بیاموزیم.

تعریف خیار عیب: آنچه که موجب نقصان ثمن (بها یا قیمت) در نزد تاجران می گردد، عیب است، حال اگر کسی چیزی را خرید و در آن عیبی را دید، اختیار دارد که آن را قبول کند و یا رد نماید، این را خیار عیب می‌گویند.[1]

حکمت مشروعیت خیار عیب: یکی از حقوق بایع و مشتری این است که مالی را به یکدیگر بدهند که عیب نداشته باشد، ودر صورتی‌که مال عیبی را برایش بدهد شریعت برایش اختیار داده است که آن‌را مسترد نماید، تا ضرری که به او می‌رسد از او دفع شود و چیزی بر او لازم نشود که باعث ضرر او گردد.[2]

کتمان عیب: دریک حدیث شریف پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «مسلمان برادر مسلمان است، برای هیچ مسلمانی جائز نیست که به برادر مسلمان خود جنس معیوبی(عیب‌دار) را به فروش برساند جز درصورتی که عیب آن را آشکار سازد».[3]

و فرموده است: (اگر بایع و مشتری در بیع صدق و راستی پیشه کردند و حقیقت را توضیح دادند، معاملهٔ شان پربرکت می‌گردد و اگر دروغ گفتند و پنهان کاری نمودند، برکت داد و ستد شان نابود خواهد شد).[4]

حکم خیار عیب: هرگاه هر یک از متعاقدین عیبی را در مبیع و یا ثمن در یابد می‌تواند آن‌را مسترد نماید.

شروط ثبوت خیار عیب

۱- وجود عیب پیش از عقد و یا پیش از تسلیم گیری مال باشد؛ ولی اگر عیب بعد از تسلیم گیری و یا در زمانی‌که در نزد خریدار است پیدا شده باشد، در آن حالت خیار ثابت نمی‌گردد.

۲- نا خبری خریدار به وجود عیب در وقت عقد و اخذ، اگر در وقت عقد یا وقت قبض، یعنی اخذ از آن آگاه باشد در آن صورت اختیاری نخواهد داشت، زیرا که دلالتا به آن راضی بوده است.

---

۱ – البحر الرائق شرح کنز الدقائق، (ج۱۵/ ص۳۹۸).

۲ – العنایة شرح الهدایة......

۳ – ابن ماجه (ج۷۵۵/۲) وشماره ۲۲۴۶، وحاکم وطبرانی ۳۱۷/۱۱، و احمد.

۴ – تبیین الحقائق (ج۱۰/ ص۳٦٥)، ابن ماجه، سنن النسائي بشرح السیوطي وحاشیة السندي.

۳- عدم اعلان ابرای خریدار از عیب‌ها در محل عقد، اگر با وجود عیب مبیع را قبول کرده باشد در آن صورت مشتری اختیاری نخواهد داشت، زیرا در آن صورت خودش حق خود را ساقط گردانیده است.[۱]

احکام خیار عیب

۱- هرگاه خریدار در مال فروخته شده عیبی را کشف نمود، وی اختیار دارد:
اگر خواست آن را در بدل تمام ثمن(قیمت) می‌گیرد و اگر خواست آن را رد می‌نماید، ولی حق آن را ندارد که مال را نگهدارد و خواهان جبران خساره گردد، مگر این‌که جانب مقابل به آن راضی باشد.

۲- هرگاه در مال، پس از قرار گرفتن در دست خریدار، عیبی رخ دهد و بعد برعیبی هم اطلاع پیدا کند که در نزد فروشنده وجود داشته است، در این حال حق دارد که ضرری را که بر وی عائد می گردد، از فروشنده طلب نماید و مال را باز نگرداند، جز در حالتی که فروشنده تن به بازگرفتن آن در حال معیوب بودن دهد.



- شاکر از ذبیح یک عراده موتر خریداری نمود و ماشین این موتر در یک هفته یک لیتر موبلایل کم می‌کند، شاکر دعوا دارد که این عیب است و ذبیح منکر آن است، حل این مشکل را در روشنی درس بیان کنید؟

ارزیابی

۱- خیار عیب را تعریف نمایید؟
۲- حکمت مشروعیت خیار عیب را بیان نمایید؟
۳- چه چیزی عیب به شمار می‌رود؟
۴- شروط ثبوت خیار عیب را ذکر نمایید؟

نشانۀ (✓) را در برابر جمله‌های صحیح و نشانۀ (X) را در برابر جملات نادرست بگذارید:

۱. هر گاه خریدار در مال خریده شده عیبی را دریافت نماید، مخیر قرار داده می‌شود، اگرخواست آن را در مقابل تمام ثمن می‌گیرد و اگر نخواست ردش می‌کند، ولی حق نگهداری و مطالبۀ نقصان را ندارد (   ).

۲. اگر مال در نزد خریدار عیبی پیدا نمود و بعد اطلاع یافت که در آن عیب دیگری هم نزد فروشنده وجود داشت، خریدار می‌تواند مال را رد نماید. (   ).



در مورد خیار عیب یک مقاله بنویسید.

---

۱ – الفقه الإسلامی وادلته, (ج۴/ ص۶۱۵).



درس نزدهم

بیوع ممنوع
(بیع‌های ناجایز)

پس از آن‌که بیع صحیح و جائز را بیان نمودیم، اکنون مختصر به شرح بیع‌های ممنوع می‌پردازیم که سه قسم اند: بیع باطل، بیع فاسد و بیع مکروه.

تعریف بیع باطل

باطل در لغت: ضد حق را گویند.[۱]

در اصطلاح بیع باطل: بیعی را گویند که در اصل و وصفش نا مشروع باشد، به گونهٔ که در آن کدام شرط انعقاد مختل گردد، مثلا بیع توسط یک شخص دیوانه و یا کودک خردسالی که فاقد تمییز باشد صورت گیرد و یا این‌که مبیع مال نباشد مثل گوشت خنزیر.[۲]

حکم بیع باطل

با این بیع ملکیت ثابت نمی‌شود و هیچ اعتباری ندارد، چه مبیع را قبض کرده باشد و یا نکرده باشد.[۳]

توضیحات در بیع باطل

• هر چیزی که در رکن اساسی مال فروخته شده خللی ایجاد نماید، بیع را باطل می‌کند مانند فروخت انسان در زمان حاضر.[۴]

• بیع چیزی که مال به شمار نمی رود باطل است، زیرا رکن بیع موجود نیست و آن مبادلهٔ مال در مقابل مال است.

---

۱ – البحر الرائق (ج۱۶/ ص۳۰) تبیین الحقائق (۱۰/ ص۴۲۳). مختار الصحاح – (۱ / ۷۳)
۲ – تبيين الحقائق (١١/ ص٥٦). درر الحكام في شرح مجلة الأحكام – (ج ١ / ص ٢٠١)
۳ – مجله الأحکام۷۳، ورد المحتار(۱۹/ص۲۰۱).
۴ – دررالحکام(ج۶/ ص۲۴۹)، العنایه شرح الهدایه (ج۹/ص۹۰)، والبحر الرائق ۱۶/ ۲۱

• فروش مال غیر متقوم مانند خوک و شراب در مقابل پول بیع باطل به شمار می‌رود، زیرا مقصود از بیع خود مبیعه است که مورد نفع برداری واقع می‌شود.[۱]

• همچنان فروش چیزی که در اختیار شخص قرار ندارد باطل است؛ مانند فروش ماهی که در آب بحراست و یا پرنده یی که هنوز در هواست.[۲]

ارزیابی

۱- بیع باطل را تعریف کنید؟

۲- حکم بیع باطل چیست؟

۳- از احکام بیع باطل سه حکم را بیان نمایید؟



درمورد بیع باطل یک مقاله بنویسید.

---

۱ - الهدایه(۵۳/۳)، و مجمع الأنهار(۶/ص۲۴۳)، رد المحتار(ج۲۲۷/۱۹).

۲ - مجمع الأنهر فی شرح ملتقی الأبحر - (ج ۵ / ص ۲۴۱)



درس بیستم

دعوت علنی

آغاز دعوت علنی

بعد از بعثت پیامبرﷺ تعداد مسلمانان به حدی رسید که توان مقابله و یا رویارویی با مشرکین قریش را حاصل نمودند و از جانب دیگر مشرکین مکه در مورد دین اسلام و مسلمانان از این طرف و آن طرف سخنانی می‌شنیدند و بعضی از مسلمانان به خاطر دین شان مورد تعذیب قرار گرفتند؛ بنابرین درسال چهارم بعثت دعوت به اسلام علنی گردید، وآیهٔ مبارکهٔ ذیل نازل گردید:

فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ(الحجر:۹۴)

ترجمه: آن چیز را آشکار کن که برای تو امر می‌شود و از مشرکان رو بگردان.

دعوت خویشاوندان

وقتی‌که آیهٔ مبارکهٔ «وَأَنْذِرْ عَشِيْرَتَکَ الْأَقْرَبِيْن» {الشعراء: ۲۱۴} نازل گردید رسول اکرمﷺ قوم خویش(بنی هاشم) را دعوت نمود و بعد از حمد و ثنای خداوندﷻ به ایشان فرمود:

«رهنمای قوم هرگز به قوم خود دروغ نمی‌گوید».

به خدا قسم که من به شما و همهٔ مردم فرستاده شده ام.

به خدا قسم طوری که می‌خوابید به همان قسم خواهید مرد و چنانی که از خواب بر می‌خیزید، همان قسم دوباره زنده خواهید شد.

و در بارهٔ اعمال تان مورد بازپرس قرار خواهید گرفت و باز یا جنت است و یا آتش دوزخ».

در این وقت ابوطالب گفت: دوست داریم تو را کمک کنیم و نصایحت را قبول داریم و سخنانت را تصدیق می کنیم، اینجا همه بزرگان قومت جمع شده اند و من یک تن از آن‌ها استم، که از همه بیشتر سخنانت را دوست دارم، بنابر این به راهی که مأمور شده ای برو، قسم به خدا تا که من زنده هستم از تو دفاع خواهم کرد؛ ولی دلم توان جدایی از دین آبایی را ندارد.

ابولهب گفت: قسم به خدا که این کار شرم آور است، قبل از این‌که دیگران مانع او شوند دستانش را بگیرید.
ابوطالب گفت: قسم به خدا تا زنده هستم از او دفاع خواهم کرد.

بر فراز کوه صفا

رسول اکرم ﷺ بعد از این‌که از حمایت ابوطالب مطمئن شد روز دیگر بر کوه صفا ایستاده شد و با آواز بلند صدا کرد: ای مردم برخیزید! و خود را از دشمن نجات دهید!
قریش بنابر عادتی که داشتند با شنیدن چنین آوازی جمع می‌شدند. پیغمبر اکرم ﷺ برای شان فرمود:
اگر برای تان بگویم: در عقب کوه‌های مکه لشکری جمع شده است که بالای شما قصد حمله کردن را دارد، آیا شما سخنم را باور می کنید؟ آنها گفتند: بلی ما تا حال از شما به جز راستی چیز دیگری را نشنیده ایم. پیغمبر اکرم ﷺ فرمود همینطور من شما را از عذابی که آمدنش یقینی است خبر می‌دهم.
«خود را از آتش دوزخ نجات بدهید».
باز فرمود: « ای بنی کعب! ای بنی مره! ای بنی عبدالمطلب! تا این که اسم دختر خود را گرفت و برایشان فرمود:
با قبول ایمان خود را از آتش دوزخ در امان نگاه دارید! من در حق شما هیچ چیزی کرده نمی توانم، مگر این که در دنیا با شما رابطهٔ خویشاوندی داشته باشم و با شما خوبی کنم، ولی در آخرت با شما هیچ کمکی کرده نمی‌توانم.

عکس العمل ابولهب

در این وقت ابو لهب به پیغمبر اکرم ﷺ گفت: هلاک و تباه شوی ، آیا برای این کار ما را جمع کرده بودی؟ در همین وقت بود که آیات: (تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ﴿١﴾ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ﴿٢﴾)که دلیل واضح بر هلاکت و تباهی دایمی ابولهب است، نازل گردید.



- حکمت آغاز دعوت از خویشاوندان را واضح سازید

دشمنی قریش با دعوت اسلامی

قریش، از بیم آن که مبادا رسوم و عنعنات و معتقدات آبایی شان از بین برود و ریاست و رهبری دین بت پرستی و منافعی که از آن طریق به دست می آوردند از دست شان برود به مخالفت‌ها و عکس العمل‌های شدیدی در برابر دعوت اسلامی دست زدند.

فایده های درس

۱- لازم است برنامه‌های اصلاحی دعوت اسلامی مطابق شرایط و زمان عیارگردد.

۲- برای تطبیق هر برنامهٔ اصلاحی به کمک کننده گان و حامیان نیاز است.

۳- مخالفت بعضی افراد استفاده جو در مقابل برنامه‌های اصلاحی نباید باعث مأیوسی و پشیمانی از تطبیق برنامه گردد.

ارزیابی

الف) به پرسش های زیر جواب دهید.

۱- بعد از نزول آیهٔ مبارکهٔ (أَنذِرْ عَشِيرَتَکَ)، پیغمبر اکرم ﷺ برای بار اول چی کاری را انجام داد ؟

۲- مفهوم سخنان پیغمبر اکرم ﷺ را که بر فراز کوه صفا در محضر قریش فرمودند بگوئید.

۳- عوامل دشمنی بزرگان قریش با دعوت اسلامی چه بود بیان دارید؟

ب) در مقابل عبارت صحیح علامت(✓) و در مقابل عبارت اشتباه علامت (X) را بگذارید.

۱. بعد از نزول آیهٔ مبارکهٔ (اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَىٰ عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا) پیغمبر اکرم ﷺ اقارب خود را جمع و آن‌ها را به صورت دسته جمعی به اسلام دعوت نمود . (   )

۲. پیغمبر اکرم ﷺ قبایل مختلف قریش را بالای کوه صفا به دین اسلام دعوت نمود. (   )

۳. در سال چهارم هجرت دعوت به اسلام علنی گردید. (   )



مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالهٔ کوتاه به تعبیر و زبان خویش نوشته عنوان



درس بیست و یکم

منع کردن زایرین مکهٔ مکرمه از شنیدن دعوت حق

هنوز مدت زیادی از علنی شدن دعوت حضرت محمد ﷺ سپری نشده بود که مسألهٔ دیگری قریش را به تشویش انداخت و آن فرا رسیدن مراسم زیارت کعبه بود، آن‌ها می‌دانستند که زایرین عرب از مناطق مختلف جزیرة العرب به مکه می آیند و حضرت محمد ﷺ حتما با آن‌ها ملاقات خواهد نمود، سخنان او به سمع آن‌ها خواهد رسید، پس قبل از این‌که ایشان از سخنان آن حضرت ﷺ متأثر شوند و به اسلام گرایش پیدا کنند لازم است تدابیر احتیاطی گرفته شود، تا مانع این کار شود.

مشوره با ولید بن مغیره

در این باره با ولید بن مغیره یکی از زعمای قریش به مشوره پرداختند، ولید گفت: در بارهٔ او باید هم سخن باشیم، همه گفتند سخنان تو مورد تایید ما است.

ولید گفت: نه، شما نظر تان را بگویید تا من از آن انتخاب کنم.

قریش گفتند: ما می گوییم که محمد کاهن است.

ولید گفت: نه به خدا او کاهن نیست، ما کاهنان را دیده ایم، او به مثل کاهنان سخن نمی گوید.

قریش گفتند: پس می گوییم او دیوانه است.

ولید گفت: او دیوانه نیست. ما دیوانه‌ها را دیده ایم ، دیوانگی را می شناسیم ، او نه بی خود است، و نه بی اختیار، و نه هم ناسزا می گوید.

آنها گفتند: پس می گوییم او شاعر است.

ولید گفت: شاعر هم نیست ، ما با شعر معرفت داریم و انواع شعر را هم می‌فهمیم، کلام او هرگز به شعر نمی‌ماند.

گفتند: می‌گوییم که ساحر است.

ولید گفت: نه او ساحر هم نیست. ما ساحران را دیده ایم، حرکات او مانند ساحران نیست.

اتفاق قریش به این‌که حضرت محمد ﷺ را ساحر بگویند

قریش گفتند: پس چه بگوییم؟ ولید گفت قسم به خدا کلام او نهایت شیرین، ریشه هایش عمیق و شاخ هایش پر ثمر است، شما دربارهٔ او هر چیزی بگویید، بطلان سخن تان آشکار خواهد بود.

بهترین سخنی که در بارهٔ او گفته شود، این است که: او ساحر است، چنان سحر را با خود آورده است که پدر را از فرزند و برادر را از برادر، شوهر را از خانم اش و شخص را از خویشاوندانش جدا ساخته، دشمن یکدیگر می سازد، همین سخن مورد پسند همه قرار گرفته و از هم متفرق شدند.

ولید بن مغیره در آیینهٔ وحی

در بارهٔ ولید بن مغیره آیاتی چند از سورهٔ مدثر نازل شد که عمل ولید در آن ذکرشده است. خداوند متعال می فرماید:

﴿۱۷﴾ إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿۱۸﴾ فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿۱۹﴾ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿۲۰﴾ ثُمَّ نَظَرَ﴿۲۱﴾
ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿۲۲﴾ ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ﴿۲۳﴾ فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثَرُ ﴿۲۴﴾المدثر:

ترجمه: یقیناً او فکر کرد و تخمین کرد (که چه طعنه زند)، پس چگونه اندازه کرد، باز هلاک و برباد شد او، چگونه تخمین کرد، باز فکر کرد دوباره، باز پیشانی اش را ترش کرد، بازپشت گردانید و تکبر کرد و گفت این قرآن جز جادوی مأثور چیزی دیگری نیست.

عملی نمودن توطئهٔ قریش:

غرض پیاده کردن برنامهٔ طرحریزی شده، قریش تعدادی از اشخاص را توظیف نمودند تا زایرین خانهٔ خدا را نسبت به حضرت محمد ﷺ بد گمان سازند. مسؤولیت پیشبرد بخش اعظم این پروسه را ابو لهب به عهده داشت.

موقف ابولهب

رسول اکرم ﷺ وقتی به خیمه‌ها واقامتگاه‌های زایرین و بازارهای منطقه به قصد دعوت مردم می رفت، ابو لهب در عقبش به مردم می‌گفت سخنان محمد را قبول نکنید، او دین پدری خود را ترک کرده و دروغ می‌گوید.

پخش شدن خبر بعثت در جزیرة العرب

تلاش‌های ظالمانهٔ قریش هیچ سودی به آن‌ها نبخشید خداوند کار را به آنجا رسانید که قریش هیچگاه نمی‌خواست و آن این‌که تمام زایرین از دعوت رسول خدا آگاه شدند و با باز گشت شان خبر بعثت حضرت محمد ﷺ در تمام جزیرةالعرب گسترش یافت.

فواید درس

۱- بسا اوقات منکرین دعوت حق سعی می‌کنند مانع رسیدن صدای حقیقت به دیگران شوند.

۲- سعی و تلاش در حد توان برای رسانیدن دعوت حق به مردم و استفاده از فرصت‌های ممکن در این راه.

۳- دعوت حق با وجود دسایس منکرین آن، راه خود را باز می کند.

ارزیابی

الف) به پرسش‌های زیر جواب بدهید:

۱- قریش به منظور ممانعت از رسیدن پیام حق به زایرین مکهٔ مکرمه چه تدابیر اتخاذ نمودند؟

۲- فواید درس را بیان نمایید.

۳- ولید بن مغیره به قریش چه مشوره داد؟

ب. خالیگاه‌های زیر را با کلمات مناسب پر کنید .

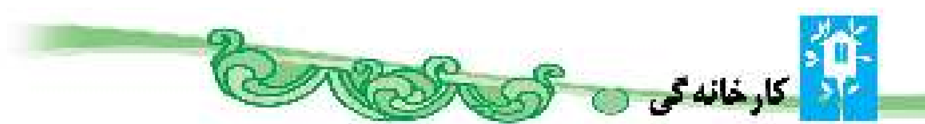
۱- قریش غرض مشوره به (   ) رفتند.

۲- سخن نهایی که قریش بر آن توافق نمود این بود که بگویند او (   ) است .

ج. در مقابل عبارت صحیح علامت (✓) و در مقابل عبارت اشتباه علامت (x) را بگذارید.

۱- قریش غرض مشوره نزد ابوجهل رفتند(   )

۲- خبر بعثت پیغمبر اکرم ﷺ توسط زایرین مکه در جزیرة العرب نشر شد (   )



مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالهٔ کوتاه به تعبیر و زبان خویش بنویسید.



درس بیست و دوم

جبهه گیری مخالفان دعوت

دسایس دیگرقریش غرض جلوگیری از دعوت

وقتی‌که قریش پی بردند که حضرت محمد ﷺ به هیچ صورت از دعوتش دست بردار نمی‌شود، غرض جلوگیری از دعوت اسلامی دسایس ذیل را به کار انداختند.

۱- مسخره کردن، سبک پنداشتن، دروغگوی گفتن: مشرکین با استعمال این نوع الفاظ و القاب به پیغمبر اکرم ﷺ و صحابهٔ کرام خواستند مسلمانان را توهین کرده معنویات ایشان را تضعیف نمایند.

پیغمبر اکرم ﷺ را ناسزا می‌گفتند و به نام‌های نامناسب از آن‌حضرت یاد می‌کردند گاهی ایشان را دیوانه می‌گفتند و گاهی هم جادوگر و دروغگوی تا مردم در مورد شخصیت و سخن‌های پیامبر ﷺ شک نمایند.

کوشش دیگر مشرکین

مشرکان غرض جلوگیری و از بین بردن دعوت اسلامی تلاش‌های زیادی نمودند که از این جمله می‌توان پیشنهاد آن‌ها را (که توسط عتبه بن ربیعه به پیغمبر ﷺ ارائه گردیده بود) یادآوری نمود، عتبه به حضرت محمد ﷺ پیشنهاد مال فراوان، ریاست قریش و برآورده نمودن هرنوع آرزوی دنیوی را نمود ، ولی حضرت محمد ﷺ در جواب گفت:

من به طمع مال شما مبعوث نشده ام و یا این‌که بالای شما باداری یا پادشاهی کنم بلکه خداوند مرا به حیث پیغمبر به شما فرستاده کتابی بر من نازل نموده و امر فرموده که برای شما مژده دهندهٔ جنت و بیم دهنده از دوزخ باشم.

فواید درس

۱- وقتی یک دعوتگر پاک باشد هیچ نوع تهمت و افتراء نمی تواند مانع راه دعوتش گردد.

۲- اگر یک مسلمان در راه دعوت به اسلام به مشکلاتی مواجه می شود باید متزلزل نشود، با ثبات باشد و با صبر، حکمت و استقامت در اصلاح جامعه بکوشد.

۳- اصلاح جامعه با تطبیق هدایات دین مبین اسلام از هر مال و متاع دنیا بالاتر است و نباید در مقابل امتیازات دنیوی از آن تنازل شود.

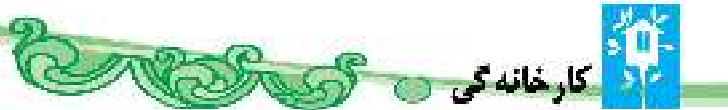
ارزیابی

۱. قریش از چه دسایس دیگری در مقابل حضرت محمد ﷺ استفاده کردند؟

۲. عتبه بن ربیعه چه پیشنهادی به پیغمبر اکرم ﷺ داشت؟

۳. پیغمبر اکرم ﷺ پیشنهاد عتبه بن ربیعه را چگونه جواب داد ؟

۴. فواید درس را مختصر بیان نمایید.



مطالب درس را به طورفشرده بنویسید.



درس بیست و سوم

اعزام هیأت قریش به ابوطالب

قریش با جدیت کامل می‌خواستند مانع پیشرفت دعوت اسلامی شوند؛ ولی نمی‌دانستند با شخصیتی چون حضرت محمد ﷺ که از محبوبیت خاصی نزد ابوطالب برخوردار بود چه تدابیری اتخاذ نمایند. بعد از مشوره‌ها و تفکر تصمیم گرفتند که با جلب همکاری ابو طالب مانع حضرت محمد ﷺ از دعوت شوند.

هیأت اعزامی قریش به ابو طالب

ابو طالب در بین قومش مقام بلندی داشت و گفته هایش رد نمی شد و از جهت دیگر رسول اکرم ﷺ از حمایت خاص او برخوردار بود؛ لذا بزرگان قریش به خاطری که گرفتار کشمکش‌های داخلی نشده باشند نزدش رفتند تا موافقهٔ او را در مورد ممانعت حضرت محمد ﷺ از دعوتش به دست آرند و دربین حضرت محمد ﷺ و بین قریش توافقنامه یی صورت گیرد که به موجب آن حضرت محمد ﷺ از دعوت مردم به اسلام دست بکشد و در مقابل هر امتیازی که او بخواهد، قریش برایش بدهند.

ابو طالب حضرت محمد ﷺ را نزد خود خواست و برایش گفت: این‌ها اشراف قومت استند، آمده اند که به تو تعهد بسپارند و از خودت تعهد بگیرند.

پیشنهاد پیامبر ﷺ به ابو طالب

زمانی‌که نبی اکرم ﷺ خواسته‌های مشرکین را از کاکای خود شنید، برایش گفت: من ایشان را فقط به یک کلمه فرا می‌خوانم، اگر ایشان آن را قبول کنند خداوند ﷻ به آنها عزت هر دو جهان را خواهد داد.

ابوجهل از این سخن خوشحال شد که با گفتن یک کلمه سزاوار این همه امتیازات شود.

ابو طالب پرسید: آن کلمه چیست؟ پیغمبر اکرم ﷺ گفت: بگویند:

(لا اله الا الله) و جز خداوند عبادت اشیای دیگر را ترک نمایند.

با شنیدن این گفتار، بزرگان قریش مأیوس شدند وگفتند: قسم به ذات خدا هیچ خواست تان را قبول نخواهیم کرد.

در روایت دیگر آمده است که حضرت پیغمبر اکرمﷺ از شنیدن سخنان ابو طالب چنان فهمید که گویا کاکایش از کمک او دست بردار شده است. به کاکایش گفت: کاکا ! قسم به خدا، اگر این‌ها به این خاطر آمده اند که من از دعوت خود دست بکشم، اگر آفتاب را به دست راست و مهتاب را به دست چپم قرار دهند (یعنی صلاحیت‌های زمین و محیط آن را برایم بدهند)، بازهم از اسلام دست بردار نخواهم شد، مگر این‌که در این راه از بین بروم.

ابو طالب با شنیدن این کلام، ضمن اظهار تأیید و همکاری خود گفت: قسم به خدا به هیچ کسی هم تسلیمت نخواهم کرد .

فواید درس

۱. پیروی از دین مبین اسلام و دعوت به آن از تمام امتیازات دنیا بالاتر است و نباید در مقابل امتیازات دنیوی از آن تنازل شود.

۲. ابوطالب تمام فشارهای بزرگان قریش را تحمل نمود؛ ولی از کمک پیغمبر اکرمﷺ دست نکشید.

ارزیابی

الف) قصۀ اعزام هیأت قریش به نزد ابوطالب را طور مختصر بیان نمایید.

ب) خالیگاه‌های زیر را با کلمات مناسب پر کنید

۱. قریش به این تصمیم شد که به (   ) بروند.

۲. اگر این‌ها (   ) را به دست راست و (   ) به دست چپم بگذارند.

ب. در مقابل عبارت صحیح علامت (√) و در مقابل عبارت اشتباه (X) را بگذارید.

۱- اگر این‌ها مهتاب را به دست راست و آفتاب را به دست چپم بگذارند. (   )

۲- ابو طالب به حضرت محمدﷺ گفت: قسم به خدا به هیچ کسی هم تسلیمت نخواهم کرد. (   )



مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالۀ کوتاه به تعبیر و زبان خویش نوشته عنوان مناسبی برایش انتخاب نمایید.



درس بیست و چهارم

هجرت به حبشه

بعد از این‌که پیغمبر اکرم ﷺ دعوت علنی اسلام را در سال چهارم بعثت آغاز نمود، آزار، اذیت، ظلم و شکنجهٔ قریش بر مسلمانان نیزشروع گردید.
این حالت در نیمهٔ سال پنجم به حدی رسید که مکهٔ مکرمه بر مسلمانان تنگ شد و به جستجوی راه نجات از این حالت رقتبار شدند، در همین هنگام بود که پیغمبر اکرم ﷺ نظر به معلوماتی که در بارهٔ (نجاشی) پادشاه حبشه داشت، مسلمانان را به طرف حبشه به هجرت کردن امر فرمود.

اولین هجرت مسلمانان به سوی حبشه

در ماه رجب سال پنجم بعثت اولین گروه مسلمانان که مرکب از دوازده مرد و چهار زن بود به سرکرده‌گی حضرت عثمان ابن عفان رضی الله عنه با همراهی زوجه اش رقیه رضی الله عنها دختر پیغمبر اکرم ﷺ عازم حبشه شدند.
به خاطری‌که از طرف قریش به آن‌ها مزاحمت نشده باشد، هنگام شب روانهٔ بندرگاه بحری «شعیبه» شدند، آن‌ها در آنجا با دو کشتی تجارتی که آمادهٔ حرکت بود رهسپار حبشه شدند. قریش به زودی از عزم مسلمانان باخبر شدند و برای برگرداندن آن‌ها چند تن را به سوی بندرگاه «شعیبیه» ارسال داشتند؛ ولی مسلمانان قبل از رسیدن آن‌ها رفته بودند. به این ترتیب گروه مذکور از شر مشرکین نجات یافتند.



از اقارب نزدیک پیامبر ﷺ در جمع این مهاجرین کی بود؟ نام بگیرید.

خبر گرویدن رؤسای قریش به اسلام

به مهاجرین مسلمان در حبشه خبر رسید که بین مسلمانان و مشرکین مکه اتفاقی به وقوع پیوسته که گویا بزرگان مکه بعد از شنیدن آیاتی از سورهٔ نجم با مسلمانان یکجا سجده نموده اند و وضعیت، قسمی تغییر کرده است که مشرکین قریش دیگر به مسلمانان اذیت و آزاری نمی رسانند؛ بنابر این عزم بازگشت به وطن نمودند، وقتی‌که به مکهٔ مکرمه به فاصلهٔ یک روز راه نزدیک شدند آگاه شدند که خبر رسیده به ایشان عاری از حقیقت بوده ومظالم قریش کما فی‌السابق بالای مسلمانان جریان دارد، تعدادی از آن‌ها دوباره به حبشه برگشتند و چند تن محدود به طور پنهانی وارد مکه شدند.

دومین هجرت مسلمانان به سوی حبشه

بعد از بازگشت مهاجرین از حبشه مظالم قریش علیه مسلمانان بیشترگردید، رسول اکرم ﷺ بار دوم به اصحابش اجازه هجرت به حبشه را دادند، این بار نیز مسلمانان به طور مخفی از مکهٔ مکرمه رهسپار حبشه گردیدند.

در این مرتبه تعداد مسلمانانی که هجرت کردند بالغ به (۱۰۲) تن می شد که (۸۳) تن آن‌ها را مردان و (۱۹) تن آن‌ها را زنان تشکیل می‌داد، این هجرت به زعامت جعفر بن ابی طالب رضی الله عنه صورت گرفت.

فواید درس

۱- هجرت یکی از سنن پیغمبر ﷺ می‌باشد که برای مسلمانان مشروع گردیده است، تا از ظلم ظالمان نجات بیابند و در جایی زنده‌گی کنند که بتوانند در آنجا شعایر دینی خویش را به آزادی انجام دهند.

۲- هجرت در راه خدا و حفاظت از عقیده و ایمان سبب ایجاد تحولات مهمی در تاریخ بشری شده است.

۳- مسلمان باید فریب شایعه‌ها را نخورد و معلومات خویش را از منابع موثوق ومعتمد بگیرد.

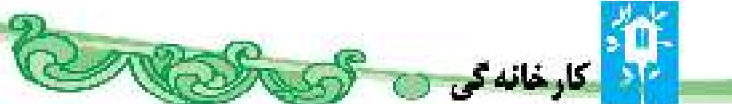
۴- فرهنگ صبر و تحمل برای مسلمانان، مخصوصا در شرایطی که هر نوع مواجهه با ظالمان باعث تشنج و مشکلات بیشتر برای مسلمانان گردد.

ارزیابی

۱- هجرت اولی و دومی مسلمانان به حبشه را مختصر بیان نمایید.

۲- تعداد مهاجرین در هر دو هجرت به حبشه را بیان نمایید.

۳- فواید این درس را توضیح بدهید.



نقاط مهم درس را در کتابچه‌های خود بنویسید.



درس بیست و پنجم

دسیسهٔ قریش بر ضد مهاجرین در حبشه

ارسال نماینده گان به حبشه

این مسأله که مهاجرین پناگاهی داشته باشند که جان و آیین شان در امان باشد برای مشرکین قریش قابل تحمل نبود.

بنابرین عمرو بن العاص و عبدالله بن ربیعه را که مردان زرنگ و کار فهم بودند با تحایف گرانبها نزد نجاشی اعزام کردند.

با رسیدن این دو به حبشه ضمن تقدیم تحایف به مقربین دربار نجاشی دلایل باز گردانیدن مهاجرین را نیز با آن‌ها مطرح کردند، پس از این‌که درباریان توافق کردند که نجاشی را به اخراج مهاجرین متقاعد سازند، آنان به حضور نجاشی رفتند و هدایای شان را تقدیم کرده و گفتند :

تنی چندی از جوانان بیخرد ما به کشور تان گریخته اند، این‌ها دین پدران خود را رها کرده و به دین شما نیز نه گراییده اند، دین نوی را ایجاد نموده که نه ما دربارهٔ آن معرفت داریم و نه هم شما.

اینک بزرگان قوم ما، ما را حضور شما فرستاده اند، که فراری‌ها را نزد شان بازگردانید.

سفارش درباریان

مقربین در بار گفتند: پادشاه سلامت باشد، اینان راست می‌گویند این‌ها را به این دو تسلیم فرما تا به قوم و سرزمین شان بازگردانند.

نجاشی گفت: موضوع باید بررسی شده و دلایل طرفین شنیده شود.

مسلمانان را به نزد خود خواست و از آن‌ها پرسید: این کدام دین است که در محبت آن از قوم خود جدا شدید؟ و نه دین ما را پذیرفته اید و نه کدام دین دیگری از جهان را؟

سخنگوی مسلمانان جعفر ابن ابی طالب جواب داد:

پادشاها! ما قوم نادان بودیم، عبادت بت‌ها را کرده چیزهای مردار را می‌خوردیم، فحشا را مرتکب می‌شدیم، پاس خویشاوندی را نمی‌داشتیم، همسایه را آزار می‌دادیم، زور مندان ما حقوق ضعیفان را زیر پا می‌کردند، تا وقتی به این حال بودیم که خدا(ج) از میان ما پیغمبری برگزید، نسبش را می‌شناسیم، به راستی، امانتداری و پاکدامنی در بین ما شهرت دارد، ما را به یکتا پرستی دعوت نمود تا جز عبادت خداوند(ج)، همه بت‌ها و سنگ‌هایی را که نیاکان ما می‌پرستیدند بگذاریم، ما را به راستگویی، امانتداری رعایت پیوندهای خویشاوندی و حسن همجواری و خودداری از اعمال ناروا و خونریزی امر فرمود، ما را از کارهای فحش، دروغگویی خوردن مال یتیم و تهمت بستن به زنان پاکدامن منع کرده و برای ما فرمود که باید خداوند یکتا را پرستش نماییم و چیزی را به او همتا نسازیم، حلالش را حلال و حرامش را حرام بدانیم، از اینرو قوم ما باما دشمن شد و درپی تعذیب ما برآمد تا ما را دو باره از دین اسلام به عبادت بت‌ها برگردانند، ما را وادار می سازند که کارهای ناروای گذشته را روا بدانیم، چون روز ما از دست ایشان بد شد به کشور شما آمدیم و از میان همه مردم شما را برگزیدیم و زنده‌گی در جوار شما را پسندیدیم، حالا امیدواریم که در سایهٔ شما بر ما ظلم صورت نگیرد.



شاگردان در مورد گفته‌های جعفر بن ابی طالب فکر نموده، یکی از شاگردان نقاط مهم گفته‌های بالا را با الفاظ خود بیان نماید.

عکس العمل نجاشی

نجاشی گفت: آیا چیزی را که پیغمبرتان آورده با خود دارید؛ جعفر پاسخ داد آری . آیات چندی از سورهٔ مریم را تلاوت کرد، نجاشی به اندازهٔ گریست که ریشش تر شد و علمای دین دربار نجاشی هم با شنیدن آیات چنان گریستند که کتاب‌های دست داشتهٔ ایشان تر شد؛ سپس نجاشی برای شان گفت: همانا این کلام و کلامی که عیسی(ع) آورده نور یک مشعل است. عمرو بن عاص را مخاطب قرار داده و گفت بروید به خدا سوگند که اینان را به شما تسلیم نخواهم کرد.

کوشش خراب نمودن ذهنیت نجاشی

سپس از روی حسدی که داشتند به پادشاه گفتند: این‌ها در بارهٔ عیسی(ع) ناسزا می‌گویند. نجاشی از ایشان دربارهٔ عیسی(ع) پرسید جعفر(رض) گفت: ما در حق وی آنچه را می‌گویم که پیغمبر ما بر ما آورده، او بنده و فرستادهٔ خداست و روح و کلمه‌یی است که به مریم عذرا القا فرموده است: نجاشی خسی را از زمین برداشت و گفت: به خدا سوگند که سخن شما در بارهٔ عیسی(ع) به اندازهٔ این خس از حقیقت اختلاف ندارد. آنگاه به مسلمانان گفت : بروید در قلمرو پادشاهی من در امان هستید، هر که شما را ناسزا گوید به کیفرش خواهم رساند.

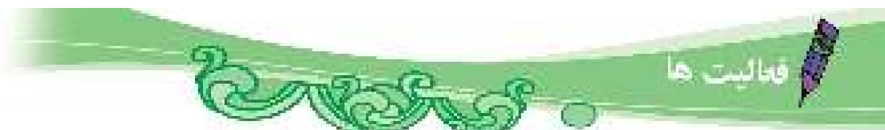
فواید درس

۱- لازم است اشخاصی که از دیگران نماینده‌گی می‌نمایند زیرک، لایق، بامنطق و آگاه باشند.

۲- نظر اسلام در مورد عیسی(ع) با نظر مسیحیت واقعی، یعنی قبل از تحریف تفاوت ندارد.

۳- حاکم و قاضی قبل از این‌که دربارهٔ موضوعی فیصلهٔ نهایی نماید، باید نظریات و دلایل جانبین دعوی را بشنود.

۴- دشمنان اسلام اگر بسیار زیرک و زرنگ باشند باز هم در مقابل منطق و استدلال مسلمان آگاه به شکست مواجه می شوند.



فواید دیگری را که از این درس گرفته می‌شود بیان نمایید.

ارزیابی

الف) پرسش‌های زیر را جواب دهید.

۱- نکات مهم این درس را به صورت مختصر بیان نمایید .

۲- عمروبن عاص و عبدالله بن ربیعه در مورد دین مهاجرین مسلمان به نجاشی چه گفتند؟

۳- جعفربن ابی طالب به نجاشی در مورد فضیلت اسلام چه گفت؟

۴- عمرو بن عاص و عبدالله بن ربیعه در مورد نظر مسلمانان در بارهٔ عیسی (ع) چه گفت؟

۵- جعفربن ابی طالب در مورد عیسی (ع) چه گفت؟

ب) خالیگاهای زیر را با کلمات مناسب پر کنید.

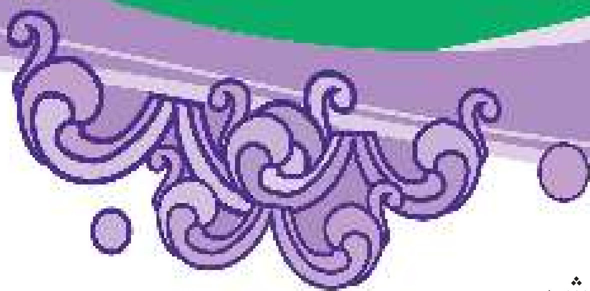
۱. این کلام و آنچه را که عیسی (ع) آورده نور یک (   ) اند.

۲. ما دربارهٔ عیسی (ع) آنچه می‌گوییم که(   ) ما آورده است

۳. نجاشی از زمین یک (   ) باریک را گرفت .



مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالهٔ کوتاه به تعبیر و زبان خویش بنویسید.



درس بیست و ششم

اسلام آوردن حضرت حمزه «رضی الله عنه»

ماه ذی الحجه سال ششم بعثت بود، روزی پیغمبر اکرم ﷺ نزدیک تپۀ صفا نشسته بود، ابو جهل پیغمبر اکرم ﷺ را سخت اذیت نمود و با سنگ سر مبارک او را چنان مجروح کرد که خون از آن جاری شد.

کنیز عبدالله بن جدعان که شاهد این ماجرای دلخراش بود تمام آنچه را که از ابو جهل دیده بود به حضرت حمزه رضی‌الله‌عنه که از شکار برگشته و کمان به دست خویش داشت، حکایت کرد.

انتقام گرفتن از ابو جهل

حمزه رضی‌الله‌عنه که در آن زمان از دلیرترین وقویترین جوانان مکه بود، با شنیدن حکایت مظلومیت برادرزاده اش غیرتش به جوش آمد، بیدرنگ غرض گرفتن انتقام از ابو جهل به راه افتاد به سراغ ابوجهل به ساحۀ کعبه رفت، برسر ابو جهل که در مجلس قریش نشسته بود ایستاد و به آواز قهر آمیز ابوجهل را مخاطب قرار داده و گفت! ای بزدل ناپاک تو برادرزاده ام را دشنام می‌دهی، در حالی‌که من به دین او هستم، این را گفته و با کمانش ضربتی کاری بر فرقش زد و او را سخت مجروح کرد.

به این ترتیب حضرت حمزه بن عبدالمطلب به دین اسلام مشرف گردیده و با جان و دل به حمایت و دفاع از اسلام و پیامبر ﷺ ادامه داد.

فوائد درس:

۱- پیغمبر اکرم ﷺ در تبلیغ دین اسلام مورد اذیت و آزار ابوجهل قرار می‌گرفت؛ ولی آن حضرت ﷺ در مقابل آن صبر و تحمل می‌نمود.

۲- دشمنان اسلام از وسایل مختلف علیه نشر دعوت اسلامی کار می گیرند، تعذیب و شکنجه و اذیت و آزار یکی از وسایل همیشه‌گی آنان در برابر دعوتگران اسلامی است.

۳- شجاعت و شهامت در دفاع از مظلومان و مقدسات اسلامی یکی از ویژه‌گی‌های مسلمان به ویژه جوانان مسلمان است.



فواید دیگری را که از این درس گرفته می‌شود بیان نمایید.

ارزیابی

أ. به پرسش‌های زیر جواب ارایه بدارید:

۱- عامل مسلمان شدن حضرت حمزه رضي الله عنه چه بود؟

۲- حضرت حمزه رضي الله عنه چرا بر سر ابوجهل قهر شد؟

۳- حضرت حمزه رضي الله عنه حین ضربه زدن به ابوجهل چه گفت؟

ب. خالیگاهای پایین را با کلمات مناسب پر نمائید.

۱- حضرت حمزه رضي الله عنه در ماه ذی الحجه سال (   ) مشرف به اسلام شد.

۲- حضرت حمزه رضي الله عنه جوان (   ) قریش بود؟

ج. در مقابل عبارت صحیح علامهٔ (√) و در مقابل عبارت اشتباه علامهٔ (X) را بگذارید.

۱- حضرت حمزه رضي الله عنه در سال هشتم بعثت مشرف به اسلام شد(   )

۲- عامل مسلمان شدن حضرت حمزه رضي الله عنه ظلم ابوجهل بر پیغمبر اکرم ﷺ بود (   )

۳- حضرت حمزه رضي الله عنه اسلام خود را در مسجد الحرام اعلان کرد(   )



مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالهٔ کوتاه به تعبیر و زبان خویش بنویسید.



درس بیست و هفتم

اسلام آوردن حضرت عمر رضی‌الله‌عنه

حضرت عمر فاروق رضی‌الله‌عنه در ماه ذی الحجه سال ششم بعثت سه روز بعد از اسلام آوردن حمزه رضی‌الله‌عنه اسلام آورد.

گفتگوی عمر با نعیم رضی الله عنهما

عمر بن الخطاب به اساس دشمنی سرسختی که با رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم داشت، روزی با خشم شمشیر را در دست گرفته، به قصد کشتن پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم از خانه بر آمد.

در راه با نعیم بن عبدالله العدوی بر خورد، وی پرسید عمر! کجا می‌روی؟ عمر جواب داد، می‌خواهم محمد را به قتل برسانم.

نعیم گفت: اگر محمد را به قتل برسانی، چگونه می‌توانی از خطر بنی هاشم و بنی زهره در امان باشی؟

عمر گفت: معلوم می شود که تو هم از دینت گشته ای.

او برایش گفت: عمر! عجبتر از این را برایت نگویم؟ خواهر و شوهرخواهرت نیز دینت را رها کرده اند!

با شنیدن این سخن چهرهٔ عمر از خشم سرخ گشته، راه خانهٔ خواهر خود را در پیش گرفت. حضرت خباب رضی‌الله‌عنه که خواهر عمر و شوهر وی را تعلیم قرآن می‌داد با دیدن عمر خود را کنار زد و فاطمه، خواهر عمر صحیفه را پنهان کرد، عمر هنگام ورود به خانه چون قرائت خباب را شنیده بود پرسید: این زمزمه چی بود؟ که از شما شنیدم.

گفتند: در ما بین خود سخن می گفتیم.

عمر گفت: مثلی‌که از دین خود برگشته اید.

شوهر خواهر عمر گفت: عمر! اگر حق با دینی غیر از دین تو باشد؟

عمر بالای شوهر خواهرش سعید بن زید رضی‌الله‌عنه حمله نمود. خواهرش پیش آمد تا عمر را از شوهرش باز دارد، عمر او را نیز لت وکوب نموده زخمی ساخت، فاطمه در حالی که خون از رویش می چکید به خشم آمده گفت: عمر حق در غیر دین تو است، سپس کلمه توحید را به جهر خواند.

جای گرفتن اسلام در قلب عمر

حضرت عمر رضی‌الله‌عنه از یک سو پایداری و ثبات خواهر و شوهر وی را به دین اسلام دید، و از طرف دیگر مظلومیت خواهر خود را مشاهده نمود، از کردهٔ خود پشیمان شد و با

دل شکسته پرسید: خوب است، کتاب خود را بدهید، تا بخوانیم.
خواهرش که سخت درد دیده بود گفت: تو ناپاک هستی، قرآن کریم باید با دست‌های پاک گرفته شود، اگر می‌خواهی قرآن را تلاوت نمایی برخیز و غسل بگیر، عمر فوری غسل نمود، حین تلاوت چشم عمر به (بسم الله الرحمن الرحیم) خورد، گفت این‌ها چقدر نام‌های پاک و مقدس هستند؛ سپس آیات سورۀ طه را تا آیۀ:

﴿إِنَّنِی أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِی وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِی﴾ طه: ۱۴- خواند.
ترجمه: یقینا من خداهستم، جز من معبود بر حق نیست، پس مرا پرستش کن و برای یاد کردنم نماز بر پا بدار.
عمر بعد از آن گفت: چقدر کلام خوب و نیکو ست؟ مرا نزد حضرت محمد ﷺ راهنمایی کنید.

راهنمایی حضرت عمر به دار ارقم

حضرت خباب رضی الله عنه که سخنان عمر رضی الله عنه را شنید، بیرون شد و گفت: امیدوارم دعای پیغمبر اکرم ﷺ در مورد هدایتت قبول شده باشد.
حضرت عمر رضی الله عنه شمشیر خود را گرفت به قصد اسلام آوردن در محضر آن حضرت ﷺ روانه «دار ارقم» گردید.

عمر در «دار ارقم»

با رسیدن به دار ارقم دروازۀ خانه را دق الباب نمود، صحابی از داخل عمر رضی الله عنه را دید، که شمشیر با خود دارد، پیغمبر اکرم ﷺ را آگاه ساخت، حضرت حمزه رضی الله عنه گفت: در را برایش باز کنید، اگر به نیت خیر آمده باشد برایش خیر خواهیم رساند و اگر سوی قصد داشته باشد با شمشیر خودش سر او را خواهم زد.
هنگامی‌که عمر رضی الله عنه به خدمت رسول ﷺ حاضر گردید پیغمبر اکرم ﷺ گریبان او را گرفته به سوی خود کشید و فرمود: ای عمر! آیا از مخالفت خود دست نمی کشی، می‌خواهی به سرنوشت ولید بن مغیره دچار شوی؟ عمر گفت: (أشهد أن لا إله إلا الله و أَنَّكَ رسول الله) و به اسلام مشرف گردید.

ملقب شدن عمر رضی الله عنه به فاروق

وقتی حضرت عمر رضی الله عنه اسلام آورد، به رسول الله ﷺ گفت: چه زنده باشیم و چه بمیریم آیا بر حق نیستیم؟ پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: بلی قسم به ذاتی که جانم در قدرت اوست شماخواه زنده باشید و یا بمیرید بر حق هستید.
حضرت عمر رضی الله عنه گفت: پس چرا اسلام خود را ظاهر نه ننماییم؟ سوگند به ذاتی که

تو را به حق فرستاده ما بیرون می‌شویم، همان بود که مسلمانان با پیغمبر اکرم ﷺ در دو صف به سوی مسجد الحرام حرکت نمودند و داخل مسجد الحرام شدند و قریشی‌ها به ایشان می دیدند، ولی وجود حضرت عمر و حضرت حمزه رضی الله عنه (ظاهراً) مانع هر نوع تجاوز ودرگیری آن‌ها با مسلمانان شد. رسول اکرم ﷺ در همین روز لقب فاروق را برای حضرت عمر رضی الله عنه داد.

فواید درس

۱- با یکجا شدن افراد قوی، مخلص و باجرأت به کاروان دعوت اسلامی صفوف مسلمانان تقویه می‌گردد.

۲- کسانی‌که می‌خواهند حقیقت را دریابند حتما به دین اسلام رو می‌آورند، ولو مخالفین سرسخت باشند.

۳- پایداری و استقامت در راه دعوت از صفات مسلمانان راستین است.



فواید دیگری را که از این درس گرفته می‌شود بیان نمایید.

ارزیابی

الف) به پرسش‌های زیر جواب دهید.

۱- حضرت عمر رضی الله عنه در کدام سال بعثت اسلام آورد؟

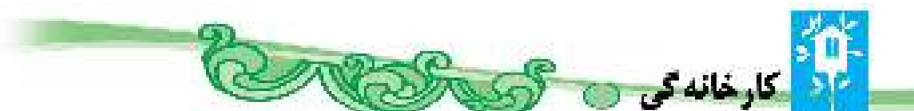
۲- عامل به اسلام مشرف شدن حضرت عمر رضی الله عنه را بگویید.

۳- حضرت عمر رضی الله عنه در خانهٔ خواهر خود آیات کدام سوره را تلاوت کرد؟

۴- چرا حضرت عمر رضی الله عنه به فاروق ملقب گردید؟

ب. خالیگاه‌های پایین را با کلمات مناسب پر نمایید.

حضرت عمر رضی الله عنه که به نیت کشتن پیغمبر اکرم ﷺ بر آمد در راه با (   ) رو به رو شد.



مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالهٔ کوتاه به تعبیر و زبان خویش بنویسید.



درس بیست و هشتم

مقاطعهٔ همه جانبه

حوادثی که مشرکین را فشار می‌داد:

در ظرف کمتر از چهار هفته وقایع بزرگی رخ داد که باعث تضعیف مشرکین شد:

۱- ایمان آوردن حضرت حمزه رضی‌الله‌عنه

۲- مشرف شدن حضرت عمر رضی‌الله‌عنه به اسلام

۳- خود داری پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم از سازش با مشرکین

۴- همبسته‌گی و اتحاد بنی عبدالمطلب و بنی هاشم به دفاع از حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم.

وقوع این حوادث یکی پی دیگر مشرکین عرب را به تشویش انداخت و آنان بدین باور شدند که اگر به قتل حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم اقدام نمایند این کار باعث جنگ و خونریزی میان خود آنان خواهد شد.

از اینرو این‌ها ولو به ظاهر از قتل پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم دستبردار شدند؛ ولی برنامهٔ دیگری را تحت اجرا گرفتند که با تطبیق آن مشکلات زیادی برای مسلمانان ایجاد گردید.

پیمان ظالمانه و محاصرهٔ بنی هاشم

در سال هفتم بعثت مشرکین در «بنی کنانه» گرد آمده چنین تصمیم گرفتند که از این به بعد هیچ کسی با بنی عبدالمطلب و بنی هاشم به استثنای ابولهب خویشاوندی، داد و ستد نکند، به خانه هایشان نروند و با آن‌ها سخن نگویند این کار تا زمانی باید ادامه یابد که بنی هاشم حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وسلم را به ما غرض قتل تسلیم نمایند. و متن پیمان را در داخل کعبه آویزان نمودند، مگر دست نویسندهٔ این پیام، در همان وقت فلج گردید. بدین ترتیب مسلمانان در سال هفتم بعثت به تاریخ اول ماه محرم در وادی ابوطالب محاصره شدند.

محاصره هر روز سخت‌تر می‌شد، مواد خوراکه از بنی هاشم قطع شد، مشرکان هیچ چیزی را نمی گذاشتند که به دسترس مسلمانان قرار گیرد، در نتیجهٔ آن مسلمانان بنی هاشم با حالتی مواجه شدند که از فرط گرسنه‌گی به خوردن برگ‌های درختان و پوست‌های خشک حیوانات مجبور شدند و گریهٔ اطفال شان از دور شنیده می‌شد.

نقض پیمان

محاصرهٔ مسلمانان سه سال دوام نمود، در ماه محرم سال دهم بعثت همه ناراضیان پیمان محاصره در منطقهٔ حجون جمع شده به نقض این پیمان ظالمانه اتفاق نمودند، زهیر گفت: فردا نخستین کسی خواهم بود که در مجمع قریش، راجع به این موضوع سخن بگویم.

فردا طبق وعده هر یکی خود را به مسجدالحرام رساندند، زهیر که لباس نوی پوشیده بود اول کعبه را طواف کرد، سپس روی به مردم آورده گفت: ای مردم مکه! این چگونه انصاف است که ما شکم سیر نان بخوریم، لباس‌های جدید به تن کنیم و خاندان هاشم از گرسنه‌گی هلاک شوند. سوگند به الله که این پیمان ظالمانه را حتما پاره خواهم کرد.

ابوجهل که در گوشهٔ مسجد نشسته بود گفت: دروغ گفتی، به خدا قسم که این عهدنامه پاره نخواهد شد.

سپس زمعه بن الاسود، ابوالبختری، مطعم بن عدی، و هشام بن عمرو به نوبهٔ خود ضمن اظهار مخالفت خویش با ابوجهل سخنان زهیر را تایید و به پاره کردن عهدنامه پافشاری نمودند.

ابوجهل پی در پی با آن‌ها مخالفت می نمود.

پیشنهاد ابوطالب راجع به پایان دادن محاصره

ابوطالب نیز در این مجلس حضور به هم رسانیده بود، تا قریش را از این واقعه باخبر سازد که خداوند پیغمبر خود را خبر داده که موریانه جز نام خداوند تمام کلمات جور و ستم را از بین برده است. ابو طالب نیز خواهان پایان این محاصرهٔ ظالمانه شد.

حاضرین گفتند: سخن انصاف گفتی.

بعد از گفت وگو میان ابوجهل و مردم حاضر، مطعم برخاست تا عهدنامه را پاره کند، اما دید که به جز نام خدا همهٔ کلمات دیگر را موریانه خورده است.

بدین ترتیب پیمان شکست. رسول اکرمﷺ و همراهانش از محاصره رهایی یافتند و مشرکین مکه نشانهٔ دیگری از نشانه‌های نبوت آن حضرت را به چشم باز مشاهده کردند.

فواید درس

۱- محاصرهٔ اقتصادی مسلمانان را به تکلیف و مشقت مواجه نموده بود.

۲- منع مواد خوراکی و آشامیدنی از انسان‌ها همان منطق ظالمانه یی است که در طول تاریخ، استبدادگران ازآن استفاده نموده اند.

۳- مسلمانان برای حفظ دین اسلام مشکلات فراوانی را متحمل شده اند.

۴- محاصرهٔ اقتصادی آنقدر کار ظالمانه است که حتی مشرکینی که اندک ضمیر و وجدان داشتند نیز به آن رضایت نداشتند.

ارزیابی

الف) پرسش‌های زیر را جواب بدهید.

۱- نقاط مهم پیمان ظالمانهٔ قریش را بیان کنید.

۲- پیمان ظالمانهٔ مشرکین چند سال به طول کشید.

۳- جریان نقض این پیمان را بیان دارید.

۴- نویسندهٔ این پیمان با کدام سرنوشت رو به رو شد؟

ب) خالیگاه‌های زیر را با کلمات مناسب پر کنید.

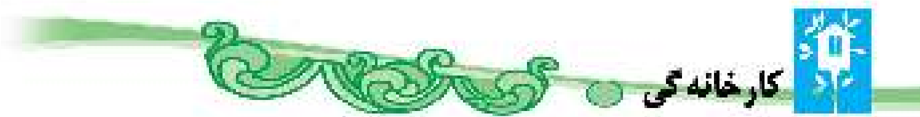
۱- محاصرهٔ مسلمانان در اول ماه محرم سال (   ) بعثت آغاز شد.

۲- محاصرهٔ مسلمانان در ماه محرم سال (   ) بعثت پایان یافت.

ج) پیش روی عبارت صحیح علامهٔ (√) و پیشروی عبارت اشتباه علامهٔ (x) را بگذارید.

۱- توافقنامهٔ این پیمان را در داخل کعبه آویزان کردند (   )

۲- تصمیم کفار بر این شد که مسلمانان در مدینهٔ منوره محاصره باشند (   )



مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالهٔ کوتاه به تعبیر و زبان خویش بنویسید.



درس بیست و نهم

عام الحزن (سال اندوه و غم)

مرگ ابو طالب

در ماه رجب سال دهم هجرت و در روز هایی که محاصره جدیداً پایان یافته بود، مسلمانان تازه وارد مکه شده بودند، ابو طالب که حیثیت سپر را برای مسلمانان داشت وفات نمود.

بد رفتاری قریش با پیامبر ﷺ بعد از وفات ابو طالب

چون ابو طالب در گذشت، قریش پیامبر ﷺ را چنان آزار و اذیت کردند که در حیات او جرأت آن را نداشتند؛ حتی بعضی از آن‌ها روزی بر سر مبارک ایشان خاک‌های کثیف انداختند، پیامبر ﷺ به همان حالت خانه رفت فاطمه رضی الله عنها در حالی‌که به حالت وی گریه می‌کرد سر مبارکش را شست، پیامبر ﷺ برایش گفت: دخترکم گریه مکن، یقینا خداوند پدرت را حمایت می‌کند.

پیامبر ﷺ می گفت: در حیات ابو طالب این چنین آزار و اذیت را هرگز از قریش ندیده بودم.

وفات حضرت خدیجه رضی الله عنها

خدیجه رضی الله عنها چندی بعد از ابو طالب در رمضان سال دهم بعثت به جوار رحمت الهی پیوست.

خدیجة الکبری برای رسول اکرم ﷺ از جملهٔ نعمت‌های عظیم الهی بود که ربع قرن با آن حضرت همراهی داشت و با مهر و شفقت و مشوره‌های نیک خویش در لحظات بحرانی، آن حضرت را دستیاری می‌کرد و در نشر دعوت با آن حضرت ﷺ همگام بود.

پیامبر ﷺ در باره اش فرمود زمانی‌که مردم بر من کفر می‌ورزیدند او به من ایمان آورد. زمانی‌که مردم مرا تکذیب می‌کردند، او مرا تصدیق کرد.

و هنگامی‌که مردم همه چیز را از من منع می‌کردند، او مرا در مال خویش شریک ساخت و خداوند فرزندانی از این بانو برایم عطا فرمود.

رفتن به طایف و برخورد زشت کفار با پیامبر ﷺ

وقوع این دو رویداد دردناک پی در پی در ظرف چند هفته پیامبر ﷺ را بسیار اندوهگین نمود، پس از در گذشت ابو طالب اذیت دشمنان اسلام بسیار زیاد گردید، پیغمبر اکرم ﷺ راهی نیافت جز این‌که رهسپار شهر طایف(که نزدیکترین شهر به مکه مکرمه است) شود، تا باشد که مردم طایف دعوتش را بپذیرند و او را یاری کنند؛ ولی نه تنها این‌که کسی دعوتش را قبول نکرد؛ بلکه آنان نیز خلاف توقع سخت او را اذیت نمودند، و با انداختن سنگ‌ها آن حضرت ﷺ را زخمی نمودند، تا این‌که کفش هایش پر خون شد.

فواید درس

۱- سنت خداوند ﷻ این است که دعوت گران مسلمان را با مشکلات مواجه می کند، تا امتحان شده و وظیفهٔ سنگین دعوت را طور احسن به پیش ببرند.

۲- نقش زن مسلمان در دعوت اسلامی و اصلاح جامعه بسیار مهم است و باید زن مسلمان رسالت خود را در دعوت اسلامی ایفا نماید.

۳- ام المؤمنین خدیجه رضی الله عنها پانزده سال از پیغمبر خدا ﷺ از نظر عمر کلانتر بود اما؛ همکاری او در راه حق و همدردی مخلصانهٔ وی با رسول اکرم ﷺ پیغمبر اکرم ﷺ را وادار ساخت تا نسبت به همهٔ ازواج مطهرات از او تمجید زیاد کند.

۴- زن صالحه در جامعهٔ اسلامی نقش مهم بازی می‌کند.

ارزیابی

۱- نکات عمدهٔ این درس را به صورت فشرده بیان نمایید.

خالیگاه های زیر را با کلمات مناسب پر نمایید:

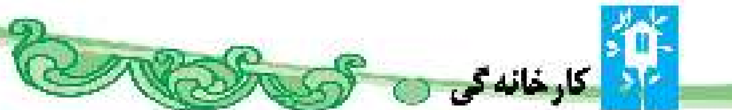
۱- ابو طالب در ماه (   ) سال (   ) بعثت وفات گردید.

۲- خدیجه رضی الله عنها در ماه (   ) سال (   )بعثت وفات شد.

ج. در مقابل عبارت صحیح علامهٔ (√) و پیش‌روی عبارت اشتباه علامهٔ (X) را بگذارید.

۱. ابو طالب پدر کلان پیغمبر اکرم ﷺ بود.(   )

۲. سال هشتم بعثت سال غم و اندوه مسمی گردید.(   )



مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالهٔ کوتاه به تعبیر و زبان خویش بنویسید.



درس سی ام

تفصیل سفر رسول اکرم ﷺ به طایف

سال دهم بعثت زمانی که رسول اکرم ﷺ از قوم خود مایوس شد به این امیدکه مردم طایف دعوتش را قبول خواهندکرد عازم طایف گردید، این شهر درهفتاد کیلومتری مکه مکرمهٔ واقع است، در این سفر پر مشقت که زید بن حارث رضی الله عنه رفیقش بود به هر قبیله یی که می‌گذشتن آنان را به اسلام فرا می خواند تا این‌که به طایف رسید.

اخراج رسول الله ﷺ از طایف

پیغمبر اکرم ﷺ ده روز در طایف اقامت کرد و با تمام بزرگان طایف سخن گفت؛ اما آن‌ها اتفاق کردند تا پیغمبر اکرم ﷺ را از طایف با تحقیر، توهین، اذیت و آزار اخراج نمایند، همین بود که نابخردان خود را علیه آن حضرت تحریک کردند تا ایشان را ناسزا بگویند و با سنگ ریزه‌ها ایشان را سنگ باران نمایند که در نتیجه به حدی پیامبر اکرم ﷺ را سنگ باران کردند که کفش‌هایش پر خون گردید.

زید بن حارث رضی الله عنه که غرض دفاع از پیغمبر اکرم ﷺ در مقابل هر سنگ خود را سپر می‌کرد زخم‌های زیاد در سر و صورتش برداشته بود، و تا باغ عتبه و شیبه که در چهارونیم کیلومتری طایف موقعیت داشت به چنین عمل درد آور و غیر انسانی آن‌ها را بدرقه کردند.

دعای پیامبر ﷺ

پیغمبر اکرم ﷺ پس از داخل شدن به باغ عتبه و شیبه با دل پر از اندوه و غم در حالی‌که زیر درختی نشسته بود گفت:

پروردگارا! از ضعف و بی چاره‌گی و بی قدر شدنم در میان مردم به تو شکایت می‌کنم. ای مهربان ترین مهربانان، پروردگار مستضعفان تویی، و پروردگار من نیز تویی، مرا به کی وا می‌گذاری؟ به بیگانه‌یی که به خشونت همرایم برخورد می‌کند، یا به دشمنی که برمن مسلط گردیده است؟!

پروردگارا! اگر قهر و غضبت بر من نباشد، باکی ندارم، گذشت تو فراوان است، به نور ذات تو پناه می جویم از خشم تو، نوری که تاریکی‌ها را روشن می کند و کارهای دنیا و آخرت به آن راست می شود ، از غضبت مرا در امان نگاه دار، به تو پناه آورم تا از من خشنود شوی.

آشنایی با عداس

فرزندان ربیعه که حالت رقتبار و مظلومیت پیغمبر اکرمﷺ را دیدند، دل شان اندکی نرم شد، به غلام مسیحی خود که عداس نام داشت گفتند، خوشه‌یی از این انگور را بگیر و برای آن مرد ببر، عداس انگور را در برابر رسول اللهﷺ نهاد، پیغمبر اکرمﷺ بسم الله گفته به خوردن انگور آغاز کرد.

عداس گفت: مردم این سرزمین چنین کلماتی (بسم الله) نمی گویند، پیغمبر اکرمﷺ فرمود: تو از کدام شهر هستی و دینت چیست؟

گفت: من مسیحی هستم، ازمردم نینوا.

پیغمبر اکرمﷺ برایش فرمود: از قریۀ مرد نیکو (یونس بن متی علیه السلام).

گفت: تو چه می‌دانی که یونس بن متی کیست؟

فرمود: او برادر من است، او پیغمبر بود و من هم پیغمبر هستم.

عداس با شنیدن این دست و پای آن حضرت را بوسید.

چون عداس نزد پسران ربیعه باز آمد، گفتند: او برای تو چه کرد؟

عداس گفت: روی زمین کسی بهتر از وی نیست، مرا از چیزی خبر داد که جز پیغمبران کسی آن را نمی داند.

گفتند: وای برتو، ای عداس! مبادا که او تو را از دینت بگرداند، زیرا دینت از دین او بهتر است.

پیغمبری که برای همه رحمت است

پیغمبر اکرمﷺ افسرده و محزون با دل شکسته روانۀ مکه شد، دربین راه جبریل امین برایش گفت: خداوند از برخورد قومت با تو آگاه است، اگر می‌خواهی کوه‌ها را بالای آن‌ها قرار خواهم داد.

رسول اللهﷺ جواب داد: نه. من آرزو دارم در نسل شان کسانی باشند که مسلمان شوند و چنین دعا فرمود: (اللهم اهدِ قومی فإنهم لایعلمون)

ترجمه: خدایا! قوم مرا هدایت کن آنان نمی دانند.

اسراء و معراج

در همین شب و روزی که پیغمبر اکرم ﷺ در اندوه و غم به سر می برد حادثهٔ اسراء و معراج واقع شد.

رسول اکرم ﷺ در مصاحبت با جبرئیل امین از مسجد الحرام به بیت المقدس برده شد، و آنگاه در همان شب از بیت المقدس به آسمان‌ها عروج نمود.

البته رفتن از مسجدالحرام به بیت المقدس در قرآن کریم ثابت است و عروج پیغمبر ﷺ از بیت المقدس به آسمان‌ها به احادیث مشهور ثابت است.

فواید درس

۱- مواجه شدن پیغمبر ﷺ به اذیت و آزار، بهترین سرمشق و تسلیت برای آن‌های است که در راه اصلاح جامعه و نشر دعوت اسلامی به مشکل مواجه می شوند.

۲- نعمت اسلام که از برکت آن مسلمانان جهان در أمن و سلامتی و صمیمیت زنده‌گی می‌کنند، با تحمل مشقت‌های زیادی (که قبل از همه پیغمبراکرم ﷺ آن را پذیرفته انتشار یافته است، پس لازم است همیشه بر روان پاک حضرت محمد ﷺ درود و صلوات بفرستیم.

۳- پیغمبر اکرم ﷺ رحمت عالم است و هیچگاه طرفدار انتقام بردیگران نبوده و همواره بدی را بر نیکی جواب گفته است.

۴- بیان اهمیت واقعهٔ اسراء و معراج و جایگاه بزرگ (مسجد اقصی) به حیث معراجگاه پیامبر ﷺ و قبلهٔ اول مسلمانان که باید از طرف مسلمانان محافظت شود.



شاگردان به کمک استاد محترم در مورد اهمیت مسجد اقصی و مکلفیت‌های مسلمانان در برابر قبلهٔ اول و معراجگاه پیامبر ﷺ با هم بحث نمایند.

ارزیابی

پرسش‌های زیر را جواب دهید:

۱- پیغمبر اکرم ﷺ که از قومش مأیوس شد به کجا رفت؟

۲- رفیق پیغمبر اکرم ﷺ در سفر طایف کی بود؟

۳- پیغمبر اکرم ﷺ در کدام سال به طایف رفت؟

۴- در بارهٔ اسراء و معراج معلومات بدهید.

ب: خالیگاه‌های پایین را با کلمات مناسب پر نمایید:
۱- طایف از مکه (   ) کیلومتر فاصله دارد.
۲- پیغمبر اکرم ﷺ (   ) روز را در طایف سپری نمودند.
ج. در مقابل عبارت صحیح علامهٔ (√) و پیش روی عبارت اشتباه علامهٔ (x) را بگذارید.
۱- طایف از مکهٔ مکرمه ۳۰ کیلومتر فاصله دارد.(   )
۲- عداس گفت من مسیحی هستم از مردم نینوا.(   )
۳- رفتن پیغمبر ﷺ ازمسجدالحرام به بیت المقدس به قرآن کریم ثابت است و عروج پیغمبر ﷺ از بیت المقدس به آسمان‌ها به احادیث مشهور ثابت است.(   )



مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالهٔ کوتاه به تعبیر و زبان خویش بنویسید.



درس سی و یکم

بیعت عَقبهٔ اُولی[1]

قبل از بیعت عَقبهٔ اُولی[1]

عقبه نام جایی است که تقریبا در پنج کیلومتری مسجدالحرام در جوار منطقهٔ جمرات (جای سنگ زدن به شیطان‌ها) قرار دارد، عادتاً مردم جزیرة العرب در موسم حج غرض زیارت کعبه به مکهٔ مکرمه وارد می شدند که به همین منوال شش تن از رهبران مردم یثرب (نام سابق مدینهٔ منوره) در موسم حج سال یازدهم بعثت وارد مکهٔ مکرمه گردیدند، پیغمبر اکرم ﷺ با استفاده از این فرصت آن‌ها را به دین اسلام دعوت نمود ایشان دعوت وی را پذیرفتند و مسلمان شدند و به پیغمبر اکرم ﷺ وعده کردند که پیغامش را به قبیله‌های خود نیز می رسانند.

بیعت عَقبهٔ اُولی[1]

در سال ۱۲ بعثت ۱۲ تن به شمول پنج تنی که در سال یازدهم بعثت ایمان آورده بودند بار دیگر خدمت پیغمبر اکرم ﷺ تشریف آوردند. و در منطقهٔ عقبه با پیغمبر خدا ﷺ نشستند و در آن جلسه با پیغمبراکرم ﷺ بیعت کردند که این بیعت به نام بیعت عَقبهٔ اُولی یاد گردید.

عبادة بن صامت رضی‌الله‌عنه در مورد بیعت عقبهٔ اولی می‌گوید: رسول اکرم ﷺ به ما فرمود: بیایید با من بیعت (تعهد) کنید به این‌که:

۱- چیزی را به خداوند شریک نشمارید.

۲- دزدی و زنا نکنید.

۳- فرزندان تان را نکشید.

۴- به کسی بهتان نکنید.

۵- در کارهای نیک نافرمانی نکنید

عبادة می‌گوید: که با پیامبر ﷺ با این امور بیعت نمودیم.

معلم قرآن و تعلیم وتربیه اسلامی در مدینه

پس از آن‌که بیعت انجام شد و موسم حج به پایان رسید، پیغمبر اکرم ﷺ جوان دانشمندی را با بیعت کننده‌گان به یثرب فرستاد، تا تعالیم دین مبین اسلام را به مسلمانان بیاموزاند، همچنان دیگران را به اسلام دعوت نماید، این جوان دانشمند و با تقوا مُصعب بن عُمَیر رضی الله عنه نام داشت.

مُصعب بن عُمَیر یک داعی موفق

مُصعب بن عُمَیر رضی الله عنه که در خانهٔ اسعد بن زراره جای گرفته بود، همراه با او با جدیت و شوق فراوان به نشر تعالیم اسلام می‌پرداختند، مصعب بن عمیر در یثرب به معلم قرآن شهرت یافت.

تأثیر اخلاص و استدلال در قناعت دیگران

روزی اسعد و مصعب به منطقهٔ بنی ظفر رفتند ودر باغی از بنی ظفر با تعدادی از مسلمانانی که جمع شده بودند نشستند، سعد بن معاذ و اُسَید بن حُضَیر از بزرگان یثرب و تا این زمان بر آیین شرک بودند، از این ماجرا آگاه شدند، سعد به اسید گفت: نزد این دوتن که بی خردان ما را می فریبند برو! و آن‌ها را بفهمان! و از آمدن به خانه‌های مان بازشان دار، اسید سلاحش را گرفته و با قهر و غضب به سوی مصعب و اسعد حرکت کرد وقتی نزد آن‌ها رسید به ایشان گفت: چرا آمده اید؟ می خواهید بی خردان ما را گمراه کنید، اگر می خواهید زنده بمانید دوباره این جا نیایید.

مصعب رضی الله عنه گفت: بسیار خوب، آیا نمی‌خواهی سخن ما را بشنوی؟ اگر سخن ما مورد پسند شما واقع شد بپذیرید، و اگر مورد پسند شما واقع نشد قبول کردنش اجباری نیست.

گفت: منصفانه گفتی.

أسید نیزهٔ خویش را به زمین فرو برده نشست، مصعب با او دربارهٔ اسلام سخن گفت و قرآن تلاوت کرد، مصعب می گوید: به خدا قسم پیش از آن‌که پاسخ گوید نورانیت اسلام را در چهره اش یافتم، أسید رضی الله عنه گفت: چه نیکو و زیباست این دین.

می‌خواهم راه دخول به این را برایم نشان دهید، آن دو برایش گفتند: بعد از غسل کردن جامه‌های پاک می پوشی و کلمهٔ شهادت را به زبان می‌آری.

او بر خاست، غسل کرد، جامه را پاکیزه ساخت و شهادت گفت.

اسید گفت: رفیقی دارم که اگر مسلمان شد به پیروی اش تمام افراد قوم مسلمان خواهند شد.

اینک او را به شما می فرستم، او سعد بن معاذ است.

به اسلام مشرف شدن سعد بن معاذ رضی‌الله‌عنه

اسید رضی‌الله‌عنه سلاحش را گرفته سوی سعد رفت، او با قومش نشسته بود، سعد چون اسید را دید گفت: به خدا با چهرهٔ دیگری باز گشته است.

زمانی که اسید به جمعیت شان رسید، سعد پرسید: چه کردی؟

گفت: با هر دو سخن گفتم و به خدا عیبی در آن‌ها ندیدم؛ آنان را منع کردم؛ گفتند کاری می‌کنیم که تو بخواهی.

لیکن باخبر شدم که اهالی بنی حارثه برآمده اند تا اسعد بن زراره را به این خاطر که خاله زادهٔ تو است بکشند؛ سعد خشمناک از جای خود برخاسته شمشیرش را گرفت و به سوی آن‌ها رفت چون دید که آرام نشسته اند؛ دانست که اسید می‌خواست تا او هم سخنان آن‌ها را بشنود، با قهر و غصه به اسعد گفت: ای ابو امامه! به خدا اگر پیوند خویشاوندی میان ما نبود؛ به سلامت نمی‌رفتی؛ آیا می‌خواهی چیزی را که دوست ندارم به خانه ام بیاری؟

مصعب رضی‌الله‌عنه به سعد گفت: آیا نمی نشینی که سخن ما را بشنوی؟

اگر پسندت آمد می‌پذیری و اگر نه آنچه را که دوست داری همانطورخواهد شد.

سعد گفت: سخن منصفانه گفتی، آنگاه سلاحش را به زمین فرو برد، نشست، مصعب رضی‌الله‌عنه اسلام را بر وی عرضه داشت و قرآن را تلاوت نمود، مصعب رضی‌الله‌عنه می‌گوید:

به خدا پیش از این که سخن بگوید نورانیت اسلام را در چهره اش مشاهده کردیم که می‌درخشید، سعد رضی‌الله‌عنه گفت: می‌خواهم مسلمان شوم، آن‌ها برایش گفتند: غسل کرده جامه ات را پاک می‌کنی، کلمهٔ شهادت را می‌گویی. او نیز چنین کرد.

گفتگوی سعد رضی‌الله‌عنه **با قومش**

سلاحش را گرفته به سوی قوم خود باز گشت و گفت: ای بنی اشهل! در حق من چه نظر دارید؟

گفتند: سردار ما و رهبر پاک طینت ماهستی.

سعد گفت: سخن گفتن با مرد و زن شما بر من حرام است، تا این‌که به خدا و رسولش ایمان بیاورید. پیش از اینکه شب فرا رسد همه مرد و زن بنی اشهل به اسلام مشرف شدند جز یک تن که وی نیز بعدا مسلمان شد.

به این ترتیب مصعب بن عمیر رضی‌الله‌عنه که در خانهٔ اسعد بن زراره رضی‌الله‌عنه اقامت داشت از همین جا توانست در تمام مدینهٔ منوره اسلام را گسترش دهد.

مصعب رضی‌الله‌عنه در سال سیزده هم بعثت پیش از فرا رسیدن موسم حج در حالی به مکه باز گشت که به رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم مژده موفقیت استقبال گرم مردم یثرب از اسلام، قدرت و نیروی دفاعی آنجا را با خود آورد.

فواید درس

۱- برای اصلاح جامعه و نشر دین مبین اسلام لازم است اشخاصی توظیف گردند که از یک طرف مخلص باشند و از جانب دیگر دانش و بینش اسلامی کافی داشته باشند.
۲- با اصلاح متنفذین جامعه می توان بیشتر در اصلاح جامعه سهم گرفت.
۳- دعوت به طرف اسلام باید به نرمی و سخن نیکو، استفاده از حکمت و منطق و استدلال پیش برود تا در دل‌ها راه یافته و جان و دل را تسخیر نماید.



با استفاده از کتاب‌های سیرت النبی فواید دیگری را که از این درس گرفته می‌شود بیان نمایید.

تمرین

به پرسش‌های زیر جواب دهید:

۱. بیعت عقبه اولی در کدام سال بود؟

۲. تعداد بیعت کُننده گان در بیعت اولی چند تن بود؟

۳. قصهٔ اسلام اُسَید بن حُضَیر و سعد بن معاذ را به صورت فشرده بیان نمایید.

ب: خالیگاه های زیر را با کلمات مناسب پُر نمایید:

۱. در سال یازدهم بعثت در موسم حج (   ) تن باشنده گان یثرب مسلمان شدند.

۲. مصعب بن عمیر در یثرب به (   ) شهرت یافت.



مطالب درس را به صورت فشرده در یک مقالهٔ کوتاه به تعبیر و زبان خویش بنویسید.



درس سی و دوم

بیعت عقبهٔ دوم

سال سیزدهم بعثت

در موسم حج سال سیزدهم بعثت در قافلهٔ مشرکان یثرب (۷۰) تن از مسلمانان نیز غرض ادای مناسک حج آمده بودند؛ مسلمانان با رسیدن شان به مکه مکرمه رابطهٔ سری با پیامبر ﷺ برقرار کردند که در نتیجه آن قرار گذاشتند تا در میان ایام تشریق در نزدیکی های عقبه از طرف شب با هم گرد آیند.

اظهارات کعب بن مالک انصاری‌در مورد بیعت عقبهٔ دوم

کعب بن مالک انصاری رضی الله عنه می‌گوید:
با آن‌که ما خبر ملاقات خود با پیغمبراکرم ﷺ را از مشرکین پنهان می‌کردیم ، ولی تنها عبدالله بن حرام را (که از رهبران با رسوخ مدینه منوره بود) در جریان قرار دادیم و او را به اسلام دعوت کردیم و از دیدار مان با پیامبر ﷺ در عقبه برایش گفتیم، همان بود که اسلام آورد و در اخیر جلسه به صفت نقیب (نماینده) نیز تعیین گردید.
کعب رضی الله عنه می‌گوید: در این شب یکجا با مردم در اقامتگاه‌های خود خوابیدیم، در اخیر شب (حصهٔ سوم باقیماندهٔ شب) یکی پی دیگر از خوابگاه‌های خود بیرون شده در عقبه با هم جمع شدیم و به انتظار تشریف آوری پیامبر ﷺ دور هم نشستیم.

تشریف آوری پیامبر صلی الله علیه وسلم به عقبه

همان بود که پیامبر ﷺ با کاکایش عباس (که هنوز به دین اسلام مشرف نگردیده بود)

به عقبه تشریف آوردند، عباس که تا هنوز به دین سابقهٔ خود بود؛ ولی به خاطر برادرزادهٔ خویش لازم دید که در این مجلس اشتراک کرده و حاضرین را به اهمیت بیعت متوجه بسازد و از نتایج بزرگ و خطرهای آیندهٔ آن ایشان را مطلع گرداند.

اظهارات حضرت عباس رضی‌الله‌عنه راجع به عظمت مسؤولیت بیعت

در ابتدای مجلس حضرت عباس، کاکای پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم مسلمانان یثرب را به مسؤولیت عظیم این بیعت که به دوش آن‌ها خواهد افتاد متوجه نموده و در بین سخنان خود گفت: ای مردم ! .....او در بین همهٔ مردم ترجیح می‌دهد که با شما زنده‌گی کند؛ بنابر آن اگر شما باور دارید که به وعده‌های خود وفا کرده می‌توانید، و در مقابل دشمن حمایتش می‌کنید، پس او را با خود ببرید، در غیر آن همین حالا از بردنش با خود صرف نظر کنید، که او در قوم و وطن خود باعزت باشد.

اظهارات اشتراک کننده گان مجلس

کعب بن مالک انصاری رضی‌الله‌عنه به حضرت عباس گفت: آنچه را که گفتی شنیدیم.
پس از آن اشتراک کننده گان به پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم گفتند: ای رسول خدا، برای خودت و برای خدایت هر عهدی و پیمانی را که می خواهی از ما بگیر.
مجلس با سخنان پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم و ارائهٔ نکات بیعت پایان یافت و بیعت صورت گرفت.

فقره‌های بیعت

حضرت جابر رضی‌الله‌عنه می‌گوید: ما به پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم گفتیم: به چی چیز همرایت بیعت کنیم؟ پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود:

۱- شنیدن اوامر و اطاعت در سختی‌ها و آسانی ها(یعنی در هر وقت).
۲- بذل مال در راه خدا در حالت غنامندی و فقر.
۳- امر به معروف (کارهای نیک) و نهی از منکر (کارهای بد).
۴- در راه خدا ثابت ماندن و در این راه از مخالفت و ملامتی هیچ کسی هراس نداشتن.

۵- و این‌که وقتی نزد شما (به مدینهٔ منوره) آمدم مرا یاری کنید و طوری‌که ازخود و فامیل‌های تان دفاع می کنید از من نیز دفاع کنید، در مقابل این کار بهشت پاداش شما خواهد بود.

موقف قاطعانهٔ بیعت کننده گان

براء بن معرور دست پیغمبر اکرم ﷺ را گرفت و گفت:

آری، سوگند به ذاتی که تو را به حق فرستاده است. چنان از تو دفاع می کنیم که از جان خود دفاع می کنیم، و ای رسول خدا به بیعت ما باور کن، قسم به خدا ما مردان کار و زار و مردم با شهامت هستیم، و این عادت از نیاکان به ما میراث مانده است.

شروط بیعت کننده گان

براء بن معرور هنوز مصروف سخن گفتن بود که ابوالهیثم سخنش را قطع نموده گفت: ای رسول خدا میان ما و (یهودی‌ها) پیوندهای است که امکان دارد ما آن را قطع نماییم، ولی می ترسیم از این‌که وقتی خداوند تو را پیروز گردانید در آن وقت ما را رها نموده و نزد قوم خود باز گردی.

رسول خدا ﷺ تبسم نموده و فرمود:

خون برای خون ریخته می شود و پیوندها در بدل پیوندها قطع می شود، من از شما و شما از من هستید، با هر که بجنگید می جنگم و با هر که صلح کنید صلح می کنم.

پس از این‌که کار بیعت خاتمه یافت، پیغمبر اکرم ﷺ از مردم خواست که دوازده نفر نقباء(نماینده گان) خود را انتخاب نمایند تا از قوم خود و عملی شدن فقره‌های بیعت نظارت کنند، آن‌ها دوازده تن را بر شمردند که نه تن آن‌ها از قبیلهٔ خزرج و سه تن آن‌ها از قبیلهٔ اوس بودند.



فرق میان بیعت اولی و دومی را واضح سازید.

فواید درس

۱- رهبران باید در تصامیم بزرگ نظر و موافقهٔ نمایندگان مردم خود را بگیرند.

۲- رهبر باید با شهامت بوده و با مردم خود راست و صریح باشد.



فواید دیگری را که از این درس گرفته می‌شود بیان نمایید.

ارزیابی

۱- بیعت عقبهٔ دوم در کدام سال صورت گرفت؟

۲- تعداد بیعت کننده گان در بیعت عقبهٔ دوم به چند تن می‌رسید؟

۳- فقره‌های بیعت را بیان دارید.

۴- خالیگاه‌های زیر را با کلمات مناسب پر کنید.

۱. در قافلهٔ مشرکین یثرب ( ) نفر از مسلمانان نیز به حج آمدند؟

۲. از جملهٔ نقبای دوازده گانه نه تن آن‌ها از قوم ( ) و سه تن آن‌ها از قوم( ) بودند.

ج: در مقابل عبارات صحیح علامهٔ (✓) و در پیشروی عبارت اشتباه علامت (x) را بگذارید

۱. بیعت عقبهٔ دوم در سال چهاردهم بعثت صورت گرفت( )

۲. حضرت عباس، کعب بن مالک انصاری، براء بن معرور و ابوالهیثم از جملهٔ اشخاصی بودند که در بیعت عقبهٔ دوم سخنرانی کردند.( )



شاگردان به کتابخانهٔ مکتب رفته و لستی از کتاب‌های سیرت النبی تهیه کنند که حد اقل شامل شش کتاب با معرفی مختصر مؤلفین آن‌ها باشد.



درس سی و سوم

ظلم تاریکی است

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: الظُّلْمُ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. متفق علیه

آشنایی باراوی

شرح حال زنده گی ایشان در درس ششم ذکر شده است.

معنای لغات

۱- الظُّلْمُ: جفا نمودن و از حد گذشتن

۲- ظُلُمَاتٌ تاریکی ها، مراد دشواری‌ها و سختی هاست

معنای حدیث

از عبد الله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ظلم، تاریکی‌ها ومشقت های روز قیامت است.»

حکمت حدیث

ظلم باعث ایجاد و انتشار خشونت، دشمنی ها، کینه و انتقام می‌گردد که آرامش مردم و سکون جامعه را از بین می برد؛ پس لازم است از وقوع هر نوع ظلم جلوگیری صورت گیرد. و ظالم از ظلم دست بر دارد ورنه جزای ظلم را ببینند.

فواید حدیث

۱- تحریم ظلم: ظلم کردن و تجاوز به جان و مال و آبروی دیگران حرام بوده و گناه بزرگ است

۲- ظالم جزای ظلم را حتما در روز قیامت می بیند: شخصی که برحقوق دیگران تجاوز می نماید خداوندﷻ او را نمی بخشد، مگر این‌که حقوق سلب شدۀ مردم را به آن‌ها مسترد نماید و آن‌ها او را عفو نمایند. درغیر آن ظالم جزای ظلم خود را در روز قیامت حتما می‌بیند.

ارزیابی

۱- حدیث فوق را ترجمه کنید

۲- در مورد راوی حدیث این درس چه می‌دانید؟

۳- فواید حدیث را ذکر کنید.



۱- در مورد تأثیر ویرانگر ظلم و ستم یک مقالۀ مختصر بنوسید.

۲- این بخش حدیث را حفظ کنید: **«الظُّلْمُ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَه»**



درس سی و چهارم

نرمی و خشونت

عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهَا قالت : كُنْتُ عَلَى بَعِيرٍ صَعْبٍ فَجَعَلْتُ أَضْرِبُهُ فَقَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَيْكِ بِالرِّفْقِ فَإِنَّ الرِّفْقَ لَا يَكُونُ فِي شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَلَا يُنْزَعُ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ – رواه احمد

آشنایی باراوی

صحابی بزرگوار حضرت عایشه رضي الله عنها دختر ابوبکر صدیق رضي الله عنه، زوجهٔ پیغمبر صلی الله علیه وسلم و مادر مسلمانان است، پیغمبر صلی الله علیه وسلم در سال دوم هجری با وی ازدواج نمود. ازجملهٔ فقهای صحابه به شمار می‌رود، حضرت عایشه صدیقه رضي الله عنها از جزئیات زنده‌گی پیغمبراکرم صلی الله علیه وسلم آگاهی داشت، احادیث زیادی از پیغمبر صلی الله علیه وسلم روایت کرده است، درسال (۵۸) هجری در مدینهٔ منوره وفات نمود.

معنای لغات

۱– بَعِيرٍ صَعْبٍ	شتر نا آرام
۲– فَجَعَلْتُ أَضْرِبُهُ	به زدن او شروع کردم
۳– عَلَيْكِ بِالرِّفْقِ	بر تو لازم است تا نرمی و لطف کنی

معنای حدیث

از حضرت عایشه رضي الله عنها روایت است که گفت: روزی بالای شتری سوار بودم که هیچ رام نمی شد، به زدنش شروع کردم تا رام شود، پیغمبراکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: برتو لازم است تا نرمی و لطف کنی؛ چون هرکار با نرمی و لطف زیبا می‌شود و هرکاری که از آن لطف و نرمی کشیده شود (و با زشتی و خشونت اجرا شود) آن کار بدنما می‌گردد.

حکمت حدیث

زشتی و خشونت اساس تمام مظالم، دشمنی‌ها، ستم‌ها، جنگ‌ها و اختلافات می‌باشد؛ ولی لطف و رفق هیچگاه باعث ایجاد همچو مشکلات نمی گردد؛ بلکه با رفق و لطف می‌توان

هرنوع مشکلات را حل نمود؛ بنا برآن پیغمبر اکرم ﷺ به رفق و نرمی امر نموده است.

فواید حدیث

۱. نرمی و مهربانی در گفتار و کردار: انسان باید در همه گفتارها و کردارهای خود بسیار محتاط باشد و تلاش نماید تا خود را به لطف و شفقت و مهربانی عادت دهد، تا اینکه خداوند ﷻ و مردم او را دوست داشته باشند، در یک حدیث دیگرآمده است که: «خداوند رفیق و مهربان است و رفق و نرمی و مهربانی را دوست دارد»

۲. لطف و شفقت برحیوانات: لطف و شفقت و ترحم در مقابل هر زنده جان لازم است، حتی با حیوان سرکشی که رام نمی‌شود نیز باید با لطف و نرمی برخورد نمود.

۳. با نرمی و لطف هر کار بهتر و زیبا می شود: نتیجۀ لطف و شفقت را انسان به چشم سر دیده می‌تواند، چون با لطف و مهربانی هرکار به صورت بهتر و به وجه احسن انجام شده می تواند.

۴. خودداری از زشتی و خشونت: در حالت خشونت و زشتی انسان اعصاب خود را از دست می‌دهد، و احیانا کارهای بسیار خطرناک از او صادر می شود، که بعداً از آن پشیمان می‌گردد، و در بسا اوقات خشونت، خشونت جانب مقابل را ایجاد می‌نماید، و کار به سرحدی می‌رسد که هیچ یک از طرفین به آن راضی نمی‌باشند، پس لازم است از ابتدا خشونت و زشتی را ترک بگوییم و خویشتن را به بردباری، حوصله و رفق در گفتار و کردار عادت دهیم و حتی در مقابل خشونت نیز از رفق و بردباری استفاده نماییم.

ارزیابی

۱- عبارات ذیل را ترجمه کنید:

بَعِیرٍ صَعْبٍ   فَإِنَّ الرِّفْقَ لَا یَکُونُ فِی شَیْءٍ إِلَّا زَانَهُ

۲- معنای اجمالی حدیث را بیان نمایید.

۳- فواید حدیث را بیان کنید.



۱- عبارت ذیل را با معنای آن حفظ کنید:

الف) عَلَیْک بِالرِّفْقِ   ب) إِنَّ الرِّفْقَ لَا یَکُونُ فِی شَیْءٍ إِلَّا زَانَهُ

۲- در مورد حدیث درس یک مقاله نوشته و برای آن عنوان مناسب انتخاب نمایید.



درس سی و پنجم

تحمل و حوصله

عَن أبي هُرَيرَة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلي الله عليه وسلم: لَيسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرعَةِ إنَّما الشَّدِيدُ اَلَّذِي يَمِلكُ نَفسَهُ عِندَ الغَضَبِ. متفق عليه

آشنایی باراوی

این راوی بزرگوار در درس سوم معرفی شده است.

معنای لغات

الشَّدِيدُ	قوی و نیرومند
بالصُّرعَةِ	حریف را به زمین انداختن(در پهلوانی)
اَلَّذي يَمِلكُ نَفسَهُ	آن که برنفس خود تسلط داشته باشد

معنای حدیث

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «انسان قوی و نیرومند کسی نیست که حریفش را در پهلوانی بر زمین بزند، بلکه نیرومند در حقیقت کسی است که به هنگام خشم بر نفس خود تسلط داشته باشد.»

حکمت حدیث

خشم و غضب از بدترین خصلت‌هاست و ضعف اخلاقی و تربیتی شخص‌را نشان می‌دهد و عاقبت خطرناکی به دنبال دارد، زیرا اکثر انسان‌ها در حالت خشم تسلط خود را به اعصاب شان از دست می‌دهند و غالبا در فکر انتقام و زورآزمایی و خودنمایی می‌باشند و نفع و ضرر آیندهٔ خود و دیگران را نیز در نظر نمی‌گیرند و کارهای جبران ناپذیری از آن‌ها سر می‌زند. به همین خاطر رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در این حدیث به انسان‌ها توصیه می نماید تا در سخت ترین شرایط نیز بالای اعصاب خود تسلط داشته باشند و درفکر انتقام و خودنمایی نباشند.

فعالیت ها

- شاگردان با استفاده از چشم دیدها و تجارب‌شان در مورد پیامدهای بد قهر و خشم بحث کنند.

فواید حدیث

۱- انسان قوی و نیرومند انسان باحوصله است: شایسته‌گی لقب قهرمانی و نیرومندی را کسی دارد که در هنگام خشم بر نفس خود کاملا مسلط باشد و هیچگاه از او کاری سر نزند که از تعقل و تدبردور باشد و در آینده باعث افسرده‌گی و پشیمانی گردد.

۲- درحالت قهر باید بیشتر باحوصله باشیم: چون انسان در حالت قهر و غضب می‌خواهد خود را نیرومند و قوی جلوه دهد و فکر می‌کند که با زورآزمایی و مغلوب نمودن جانب مقابل می‌توان به این هدف رسید و از حق خود دفاع نمود، ولی پیغمبر خدا این حرکت را یک حرکت نادرست دانسته و توصیه می‌نماید: که اظهار قوت و بزرگی در حوصله کردن است.

۳- تبلیغ و نشر این پیام پیغمبر در بین مردم: تنها با تطبیق این حدیث در حق خود اکتفا نکنیم، بلکه لازم است تا مردم را نیز از آن آگاه سازیم. مخصوصاً آن‌های را که در فکر انتقام و زور آزمایی هستند و ممکن مرتکب ظلم و تجاوز بر دیگران شوند بنابراین در این حالت لازم است آن‌ها را با اسلوب آرام و مرغوب از این حدیث پیغمبر آگاه نمود؛ چون کتمان علم در وقت ضرورت گناه است.

۴- با حوصله حقوق انسان تلف نمی شود: چون در قهر و غضب و زورآزمایی یک راه انتخاب می‌شود که غالبا نتیجهٔ درست نمی‌دهد، ولی در استفاده از حوصله همهٔ راه‌ها برای انسان باز می‌باشد و با تفکر و تعقل می‌توان راهی را انتخاب نمود که به خیر همه باشد و هیچ نوع حق تلفی و پشیمانی را به بار نیاورد.

ارزیابی

۱. حدیث درس را ترجمه کنید.

۲. عبارت ذیل را تکمیل نمایید: لَیسَ الشَّدِیدُ بِـــ .... إنَّمَا الشَّدِیدُ الَّذِی ....نَفسَهُ عِندَ الغَضَبِ.

۳. فواید حدیث را بیان نمایید.

کارخانه گی

۱. این حدیث را با ترجمهٔ آن حفظ کنید: « لَیسَ الشَّدِیدُ بِالصُّرعَةِ إنَّمَا الشَّدِیدُ الَّذِی یَملِکُ نَفسَهُ عِندَ الغَضَبِ»

۲. تحت یک عنوان مناسب پیرامون حدیث درس مقالهٔ کوتاه بنویسید.



درس سی و ششم

عادت‌های زشت (۱)

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ وَلَا تَحَسَّسُوا وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَنَاجَشُوا وَلَا تَحَاسَدُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَكُونُوا عِبَادَ اللهِ إِخْوَانًا.

متفق علیه

آشنایی با راوی

شرح حال زنده گی ایشان در درس گذشته بیان گردیده.

معنای لغات

۱- إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ از گمان بد جداً خودداری کنید.

۲- لَا تَحَسَّسُوا خبر چینی نکنید.

۳- لَا تَجَسَّسُوا از تجسس اسرار و عیب‌های مردم خودداری نمایید (از انتقال آن به دیگران).

٤- لَا تَنَاجَشُوا از فریب‌کاری(بیع نجش) خودداری کنید.

٥- لَا تَحَاسَدُوا با یکدیگر حسادت نکنید.

٦- لَا تَبَاغَضُوا باهم بغض وکینه نکنید.

٧- لَا تَدَابَرُوا با یکدیگر دشمنی و قطع رابطه نکنید.

معنای حدیث

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیغمبراکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: «از بدگمان بودن نسبت به یکدیگر بپرهیزید، زیرا گمان بد، بدترین سخن دروغ است. ازخبرچینی و تجسس خودداری نمایید و در نرخ گذاری فریب‌کاری نکنید و با یکدیگر حسادت نورزید و بغض و کینه نداشته باشید و با یکدیگر دشمنی و قطع رابطه نکنید؛ بلکه بنده گان خدا و با همدیگر برادر باشید.»

حکمت حدیث

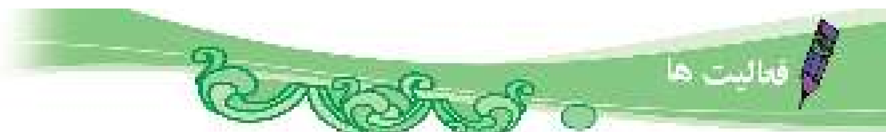
بدگمانی، عیب‌جویی، حسادت، بغض، مقاطعه و دشمنی و فریب‌کاری، پدیده‌های

نادرستی استند که باعث بدنامی افراد، تخریب روابط فامیلی و مصروفیت افراد جامعه به گفتار وکردار بیهوده شده و احیانا به دشمنی‌های بزرگ منجر می‌شود که حتی قضاوت در بین اطراف درگیر مشکل می‌گردد.

بنابراین حدیث فوق رهنمود خوبی برای مسلمانان است، تا از همچو پدیده‌های نادرست جلوگیری به عمل آید.

فواید حدیث

۱. سوء ظن و بد گمانی جایز نیست: بدون دلیل و ثبوت بر دیگران گمان بد نمودن جواز ندارد؛ زیرا گمان بد احیاناً منجر به تهمت بستن ناحق بر دیگران می‌شود که حرام است. چون اصل در هر انسان خوبیست و بدی یک چیز عارضی است، پس تا زمانی که بدی یک شخص با علایم و دلایل آشکار نشده باشد، او بری الذمه بوده و هیچ انسان حق ندارد بر اثر حدس و گمان‌ها و شایعه‌های مغرضانه در مورد او به بدی قضاوت کند.



- در مورد ضررهای بدگمانی و راه‌های نجات از آن باهم بحث کنید.

۲. خبر چینی و تحسس کار نادرست است: تحسس تلاش کردن غرض مطلع شدن از اسرار مردم را گویند، انسان متحسس کسی است که تلاش می‌نماید تا ازگفتار وکردار سرّی و احوال خانواده‌گی مردم اطلاع به دست بیاورد و غالبا چشم دیدها و شنیده‌های خود را نیز به دیگران انتقال می‌دهد و با انتقال آن به دیگران تحسس به تجسس تبدیل می‌گردد، و این کار باعث هتک حرمت مردم ، تخریب فامیل‌ها و دشمنی‌ها می‌گردد.

۳. تجسس جواز ندارد: تجسس تلاش کردن برای جمع آوری معلومات سری مردم را گویند که غرض از آن تقدیم معلومات به دیگران می باشد، تجسس مصونیت مجالس مردم را از بین می برد، چون انسان ضرورت دارد بعضی از گفتار وکردارمشروع خود را (مخصوصاً امور مربوط خانواده‌ها را) در یک حلقه و محیط خاص به صورت اسرار همان مجلس و اشخاص نگاه دارد، پس تلاش برای جمع آوری همچو معلومات و تقدیم آن به دیگران کار نادرست است که باید هرمسلمان از آن اجتناب نماید.

البته جمع آوری معلومات ارگان‌های کشفی به منظور کشف و خنثی نمودن دسایس

مجرمین و جلوگیری از فساد اداری و مفاسد اخلاقی و اجتماعی از این حدیث مستثنی بوده ، بلکه از جملهٔ فرض کفایی در اجتماع محسوب می‌شود که بدون آن مشکلات بزرگی دامنگیر مردم می گردد. البته این استثنا نیز مطلق نبوده و حد و حدودی دارد که باید باعث مداخله در خصوصیات مردم و تجسس در امور زنده گی آنان نشود.

۴. تناجش کار ناروا است: تناجش بیشتر در بیع مزایده صورت می‌گیرد، و آن طوری است که تقاضای بیشتر مشتریان در بازار قیمت اجناس را بیشتر بلند می برد، پس به منظور بلند بردن قیمت یک جنس شخصی با شخص دیگر توافق می نماید که در محضر مردم یکی آن‌ها نقش فروشنده و دیگری نقش خریدار را ایفاء کنند و با رضایت شخصی (که ظاهرا مشتری است) به قیمت بلند، دیگران را فریب می‌دهند تا آن‌ها نیز به این قیمت از او خریداری نمایند.

این کار از یک طرف فریب است و از طرف دیگر قیمت اجناس توسط چند تن فریب‌کار بلند شده موجب ضرر برای عموم مردم می‌گردد.



- شاگردان بیع نجش را به همکاری استاد تمثیل نمایند.

ارزیابی

۱. معنای حدیث را بیان نمایید.

۲. کلمات ذیل را ترجمه کنید:

إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ   لَا تَحَسَّسُوا   لَا تَدَابَرُوا



عبارات ذیل را حفظ کنید:

۱- إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ .

۲-َلَا تَحَسَّسُوا وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَنَاجَشُوا.



درس سی و هفتم

عادت‌های زشت (۲)

۵ ــ حسادت جواز ندارد

در درس‌های گذشته این موضوع را به طور مفصل فرا گرفتیم .

۶- کینه و بغض حرام است: کینه و بغض دوستی‌ها را از بین می‌برد، روابط افراد را برهم می‌زند و سبب بروز جنگ و درگیری می‌شود، لذا دین مقدس اسلام از بغض و هر آنچه که سبب به وجود آمدن آن می‌شود نهی کرده است.



- حسد را تعریف و فرق آن را با غبطه بیان کنید.

۷ ــ قطع روابط و دشمنی با یکدیگر حرام است: چون اسلام مردم را به زنده‌گی مسالمت آمیز و تحکیم روابط اجتماعی به خصوص با اقارب و دوستان دعوت می نماید. پس مقاطعه و دشمنی خلاف روحیهٔ اسلام می باشد .

در حدیث دیگری که بخاری و مسلم روایت کرده اند، آمده است: «برای مسلمان جایز نیست که با برادر مسلمانش بیشتر از سه روز مقاطعه کند و آنگاه که با هم رو به رو می‌شوند هر کدام روی خود را از دیگری بگرداند؛ و بهترین آن‌ها کسی است که اول به دیگری سلام دهد».

از سوی دیگر حرف نزدن با یک شخص زمینهٔ توطئه و فتنه اندازی را برای اشخاص مغرض مهیا می‌سازد، تا سخنان تحریف شدهٔ یک طرف را به طرف دیگر برساند و بالآخره منجر به دشمنی‌های وسیعتر گردد.

۸- بنده گی خداوند ﷻ: انسان‌ها باید متواضع باشند و همیشه فکرکنند که اگر هر قدر مقام و ثروت و قدرت داشته باشند باز هم بندهٔ خداوند ﷻ هستند، پس نباید از اوامر خداوند ﷻ عصیان شود.

۹- زنده گی برادروار: لازم است رابطهٔ اخوت و برادری در بین مسلمانان تحکیم یابد که هدف از اخوت همانا رابطهٔ نزدیک همدردی و همزیستی و خیرخواهی برای یکدیگر می باشد، تا مسلمانان مانند اعضای یک جسد باشند و یک عضو با درد عضو دیگر احساس ناراحتی کند و با راحتی آن‌ها احساس راحتی نماید.

ارزیابی

عبارات ذیل را تکمیل نمایید:

إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ فَإِنَّ .... أَكْذَبُ الْحَدِيثِ وَلَا .... وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَنَاجَشُوا وَلَا تَحَاسَدُوا وَلَا .... وَلَا تَدَابَرُوا وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا.

کدام عبارت حدیث به عدم جواز بغض دلالت می‌کند؟

کدام عبارت حدیث به عدم جواز مقاطعه دلالت می‌کند ؟

کدام عبارت حدیث به عدم جواز گمان بد دلالت می‌کند ؟



عبارات ذیل راحفظ کنید:

لَا تَحَاسَدُوا وَلَا تَبَاغَضُوا.

وَلَا تَدَابَرُوا وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا.

تحت یک عنوان مناسب پیرامون حدیث درس مقالهٔ کوتاه بنویسید.



درس سی و هشتم

مواد مخدر (نشه آور)

عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ((كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ وَمَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ)) رواه ابن ماجة.

آشنایی باراوی

شرح حال زنده گی ایشان در درس ششم ذکر شده است.

معنای کلمات:

مَاأَسْكَرَ	آن چیزی که نشئه می‌آورد.
كَثِيرُهُ	بسیارش
قَلِيلُهُ	کمش

معنای حدیث

از حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنه روایت است که پیغمبراکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است: «هر مادۀ نشئه آور حرام است، و هر آن چیزی که مقدار زیاد آن نشئه آور باشد مقدار کم آن نیز حرام است»

حکمت حدیث

مواد مخدر ضررهای زیادی برای فرد و اجتماع دارد. از این جمله می‌توانیم ضررهای دینی، صحی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و ضررهای روانی آن را نام ببریم. بنابر آن در یک جامعۀ انسانی و سالم باید از استعمال مواد مخدر و نشئه آور پرهیز شود.

تعریف مواد مخدر

مواد مخدر عبارت از مواد نشئه آوری است که مصرف متداوم آن فعالیت‌های سیستم اعصاب مرکزی را تغییر داده و در صورت استعمال مکرر اعتیاد روانی و بدنی را سبب می‌گردد.

انواع مواد مخدر

مواد مخدر هم به صورت طبیعی وجود دارد مانند تریاک که از بتهٔ خشخاش به دست می‌آید و هم به طور مصنوعی و کیمیاوی در لابراتوارها ساخته می‌شود، مانند هیرویین، مورفین، کوکائین، کودین و غیره.

اضرار مواد مخدر

استعمال مواد مخدر زیان‌های بی‌شمار جسمی و روانی دارد که به گونهٔ مثال ذیلا بیان می‌گردد:

۱) ضعیف ساختن سیستم دفاعی بدن
۲) کندی فعالیت های سیستم اعصاب مرکزی
۳) سرعت ضربان قلب
۴) سرطان شش و گلو
۵) ضعیف نمودن حواس باصره، شامه و ذائقه
۶) بالا بردن فشار خون
۷) بالا بردن چربی در خون
۸) سکتهٔ قلبی
۹) ایجاد اختلال در سیستم تنفسی
۱۰) اختلالات روانی (افسرده‌گی، اضطراب، گوشه گیری، از دست دادن اعتماد به نفس و نا امیدی)

ارزیابی

۱. معنای حدیث را بیان نمایید.
۲. اضرار عمدهٔ مواد مخدر را بیان کنید.
۳. عبارات ذیل را تکمیل کنید:

✓ کل .... حرام
✓ ما أسکر کثیره .... حرام



۱- حدیث درس را با معنای آن حفظ کنید.
۲- در بارهٔ اضرار مواد مخدر یک مقالهٔ شش سطری بنویسید.



درس سی و نهم

بیع فاسد

در درس‌های گذشـــته بیع باطل را یاد گرفتیم، اکنون می‌خواهیم با بیع فاســد آشنا شویم.

تعریف بیع فاسد

فاسد در لغت: به معنای پوسیده، گندیده، خراب و ضایع است.

در اصطلاح: بیع فاسد بیعی است که در اصل مشروع و درست؛ ولی در وصف نادرست باشد، یعنی شرط‌های انعقاد آن موجود بوده؛ ولی در یکی از شروط صحت آن خلل موجود باشد. پس فاسد گفته شدن آن به این معنی است که مانع صحت آن می شود.[1]

(مثال یکی از شرایط صحت بیع این بود که بیع موقت نباشد، حال اگر کسی بگوید این موتر را برای یک هفته به تو فروختم، این بیع فاسد است.) و یا شرطی در آن گذاشته شود که عقد آن را تقاضا نکند. مثال فروشنده بگوید این خانه را به شرطی به تو می فروشم که آن را به کرایه ندهی.

حکم بیع فاسد: مبیعه با قبض کردن در ملکیت قرار گرفته و تصرف در آن نافذ است، ولی هر یک از متعاقدین می تواند که بیع را فسخ نموده و مبیع را باز گرداند، تا فساد از بین رفته و مانع منازعات شود.[2]

بر خی از احکام بیع فاسد

- در بیع فاسد تنها به بستن عقد، ملک ثابت نمی گردد تا وقتی‌که مطابق عقد به اجازهٔ بایع قبض و تسلیمی صورت نگیرد.

---

۱ - البحر الرائق(ج۱۶/ ص۲۹)، مجمع الأنهار(ج۵/ص ۲۴۰)، ورد المحتار(ج ۲۰/ص ۱۰۰).
۲ - الجوهرة النيرة:۱\۲۹۳

• هرگاه خریدار مال خریده شده را در بیع فاسد به امر فروشنده قبض کند و در عقد هر دو عوض (بدل) مال باشد در این صورت او مالک مبیعه می‌گردد، اگر این مال در دست وی هلاک گردد بر وی لازم می‌گردد که قیمتش را بپردازد، و هر یک از دو طرف عقد حق دارد که بیع را فسخ گرداند و اگر خریدار همین مال که در دست او هست به فروش رساند بیع نافذ می‌گردد.[1]



- شاگردان مثال‌های بیع فاسد را که در مناطق شان رائج است بیان نمایند.
- شاگردان به طور گروهی تفاوت بیع باطل و فاسد را از همدیگر بپرسند و برای خلل در وصف و شرطی که خلاف مقتضی عقد باشد، دو مثال بیاورند.

ارزیابی

به پرسش‌های آتی پاسخ دهید:

۱- تعریف بیع فاسد در لغت و اصطلاح چیست؟

۲- حکم بیع فاسد چیست؟



فرق میان بیع باطل و بیع فاسد چیست؟ فرق‌های آن را در کتابچه‌های خود بنویسید.

۱ - الجوهرة النیرة - (۲/ ۲٦۹)- العنایة شرح الهدایة - (۹ / ۱۸۸)



درس چهلم

بیع مکروه

در دو درس گذشته از جملهٔ بیع‌های ممنوع بیع باطل و بیع فاسد را یاد گرفتیم، اکنون می خواهیم بیع مکروه را بیاموزیم.[1]

مکروه درلغت: مکروه ضد محبوب است، یعنی بد پنداشته شده و ناپسند.

در اصطلاح شریعت: بیعی است که در اصل و وصف خود مشروع بوده؛ ولی به خاطر پیوستگی‌اش با چیز دیگری ممنوع شده است؛ مانند: فروش در اثنای اذان نماز جمعه[2]

حکم بیع مکروه: وجوب پرداخت ثمن(قیمت) فیصله شده همراه با ثبوت ملکیت قبل از قبض مال.[3]

مهم ترین انواع بیع مکروه:

۱. نَجَشْ:

در لغت راندن پرنده‌گان را به سوی جال و تور گویند.

در اصطلاح: بالا بردن قیمت مال توسط کسی که خودش قصد خریدن آن را ندارد و می خواهد دیگران را به خریدن آن تشویق کند.

حکم آن: این بیع مکروه است، این کار حیله‌یی است که در حق برادر مسلمان ضرر می‌رساند.[4]

---

۱ – مکروه تحریمی در نزد ابوحنیفه عبارت است از: چیزی که به دلیل ظنی ای که درآن شبهه هم موجود باشد، ثابت شده باشد، وآن به حرام نزدیک تر است.(فتح القدیر: ۲۳۹/۵، والبحر الرائق (ج۱۶/ص ۳۰)، وتبیین الحقائق (ج۱۰/ص۴۲۳).

۲ – رد المحتار (ج۱۹/ ص۲۰۶).

۳ – الهدایة(حاشیة) (۱۹).

۴ – بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع(ج۱۱/ص ۴۹۳).

۲. بیع بالای بیع برادر

صورت آن این است که دو تن بایع و مشتری میان هم مشغول بیع باشند، به گونه یی که فروشنده درمقابل قیمت مال خود مبلغی را طلب نماید در آن اثناء خریدار دیگری بیاید و بخواهد آن مال را به قیمت بیشتری و یا به عین قیمت خریداری نماید.

حکم آن: این بیع مکروه است، زیرا از پیامبر اکرمﷺ روایت شده که فرموده است: (نبایستی شخصی بر قیمت برادر(مسلمانش) قیمت دیگری بگذارد)، زیرا در آن اذیت رساندن به برادر مسلمان است.[۱]

۳. به پیش روی قافله رفتن

صورت آن این است که شخصی خبر شود که قافله‌یی با بار و اموال زیادی از راه می‌رسد، وی به پیش روی آن قافله می رود وتمام اموال و کالاهای شان را می‌خرد و به شهر آورده وآن را به گونه‌یی که دلش می‌خواهد به فروش می‌رساند. و یا این‌که آدم شهری برای صحرایی بگوید مال تان را نزد من بگذارید تا آن را بالای مردم شهر در موقع مناسب به قیمت بلند بفروش برسانم.

حکم این بیع: این نوع خریداری مکروه است، زیرا از پیامبرﷺ روایت شده که فرموده است: «به غرض تجارت کردن به پیش روی آورنده‌گان کالاها نروید» این در صورتی مکروه است که مردم شهر در حالت قحطی و خشک سالی قرار داشته باشند و باعث ضرر و سختی برای آن‌ها گردد، ولی اگر به آن‌ها ضرری نمی‌رسید، در این صورت اشکالی ندارد.[۲]

۴. بیع در اثنای اذان جمعه:

وقت آن بیع مکروه از اذان جمعه شروع می‌شود، زیرا خدای متعال می‌فرماید:
{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ}.
«ای کسانی که ایمان آورده اند، هرگاه روز جمعه برای نماز ندا داده شود، به سوی ذکر خداوند بشتابید و فروش را کنار گذارید».[۳]

---

۱ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع(ج۱۱/ص۴۹۰).
۲ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع (ج۱۱/ ص۴۸۹).
۳ - الجمعة: ۹

حکم آن: این بیع مکروه است، زیرا که بدان کار یا چیز غیر مشروع پیوند خورده است، و آن ترک سعی و تلاش برای نماز و خطبه جمعه است.



□ بیع‌های ذکر شده مکروه اند، واضح سازید که علت کراهیت آن‌ها چیست؟

ارزیابی

أ- به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:

۱- بیع مکروه را تعریف نمایید؟

۲- حکم بیع مکروه چیست؟

۳- مهم ترین انواع بیع مکروه به طور اجمال کدام است؟

ب- نشانهٔ (✓) را در برابر جمله‌های صحیح و نشانه (X) در برابر جملات نادرست بگذارید:

۱- حکم نجش: نجش مکروه است. (   ).

۲- بیع دراثنای اذان جمعه مکروه نیست. (   ).

۳- عقد به خاطر این بیع‌های مکروه فاسد نمی‌گردد. (   ).



پیرامون انواع بیع مکروه یک مقاله بنویسید.



درس چهل و یکم

اقاله

محمود لباسی را از یک دکان خرید، هنگامی که به منزل خود باز گشت، از خریدن آن پشیمان شد و دوباره به دکان برگشت و از فروشنده خواست که مال خود را پس بگیرد، و قیمت آن را به وی پس دهد، و تاجر هم قبول کرد و پولش را باز داد و لباس خود را گرفت، این را به اصطلاح فقه اقاله می‌گویند.

تعریف اقاله: در لغت رفع و ازاله را گویند.[1]

در اصطلاح شریعت: اقاله فسخ بیع بر اساس موافقهٔ هردو طرف است.[2]

حکمت مشروعیت اقاله: اقاله به سببی مشروع گردیده که در آن آسانی و مراعات مصلحت‌های مهم مردم نهفته است؛ زیرا یک شخص ممکن است مالی را خریداری نماید و بعد به این نتیجه برسد که به آن نیازی نداشته است و گاه یک شخص مالی را به فروش می‌رساند و بعد به این نتیجه می رسد که در فروش آن اشتباه کرده است و پشیمان شود. لذا شریعت اسلامی برای وی اجازه داده است که طلب اقاله نماید و هم فروشنده و خریدار را به این کار تشویق کرده است که این اقاله را بپذیرند.

حکم اقاله: اقاله در بیع جائز است، زیرا پیامبر ﷺ فرموده است: مَنْ أَقَالَ نادما، أَقَالَهُ اَللهُ عَثْرَتَهُ.[3] (کسی که بیع شخص پشیمان را بردارد و رفع حرج کند، خداوند لغزش‌های وی را بر می‌دارد).

و دیگر این‌که قرار داد بیع حق هر دو طرف می‌باشد، بنابرآن حق دارند که آن را به خاطر دفع حرج و رفع نیازمندی بردارند.[4]

شروط اقاله: برای صحت اقاله شروط ذیل ضروری است:

۱- رضایت و قبول کردن جانبین.

۲- موجودیت مال فروخته شده در وقت اقاله؛ زیرا اقاله برداشتن قرار داد است و مال فروخته شده محل آن می باشد.

---

۱ - فتح القدیر- ج۱۵/ص۲۰۰).
۲ - تبیین الحقائق، ۱۱/ ۶۵.
۳ - رَوَاهُ أَبُو دَاوُد, وَابْنُ مَاجَه، وَصَحَّحَهُ اِبْنُ حِبَّانَ، وَالْحَاكِمُ .
۴ - البنایة ۲۲۸/۹.



- احمد از محمود ترموزی را به صد افغانی خرید، بعد از خریدن احمد پشیمان شد و از محمود خواست تا مال خود را پس بگیرد، احمد قبول کرد؛ ولی ده افغانی مفاد را از نزدش گرفت، حالا بگوئید که این معامله اقاله است و یا خیر.

مسائلی پیرامون این باب:

۱- اقاله به معنای فسخ قرارداد است؛ مگر در حالتی‌که فسخ نمودن آن غیرممکن باشد، مانند این‌که در مبیعه بعد از قبض زیادت منفصل آمده باشد (مثال حیوان چوچه زاییده باشد).

۲- اگر اقاله را به بیشتر از قیمت اولی و یا هم به خلاف جنس قیمت اولی اجرا کنند، در این صورت بیع جدید به شمار می‌رود نه اقاله.

۳- از بین رفتن قیمت مانع صحت اقاله نمی شود، ولی از بین رفتن مال فروخته شده مانع آن می گردد.

ارزیابی

أ- به سؤال‌های ذیل پاسخ دهید:

۱- معنای (مَنْ أَقَالَ نادما، أَقَالَهُ اَللّٰهُ عَثْرَتَهُ) را بیان کنید.

۲- حکمت مشروعیت اقاله را بیان نمائید؟

۳- حکم اقاله چیست؟

ب- خانه های خالی را با کلمه مناسب پر نمایید:

اقاله در لغت: .... می‌باشد. و دراصطلاح شریعت: ....

ج- نشانهٔ (✓) را در برابر جمله‌های صحیح و نشانهٔ (X) را در برابر جملات نادرست بگذارید:

۱. در اقاله شرط نیست که هردو طرف به اقاله کردن راضی باشد. ( ).

۲. شرط نیست که مبیع در وقت اقاله موجود باشد. ( ).



پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مَنْ أَقَالَ نادما، أَقَالَهُ اَللّٰهُ عَثْرَتَهُ» این حدیث را در کتابچه‌های خود بنویسد و سپس شرح نمائید.



درس چهل و دوم

بیع مرابحه

تعریف مرابحه

مرابحه در لغت به معنای فایده و زیادت است.

در اصطلاح فروختن مال است به منفعت معلوم.[1]

سبب و حکمت جواز این بیع: بسیاری از مشتریانی که در تجارت مهارت ندارند و یا از قیمت بازار خبر ندارند این را بهتر می‌بینند که با دادن فایدۀ معین یک جنس را از بایع بخرند، طور مثال بگوید: در صد پنج افغانی فایده برایت می‌دهم.

به این ترتیب با یک روش مطمئن بیع را انجام داده می تواند.

حکم مرابحه: عقد بیع مرابحه شرعا جائزاست، زیرا که در آن تمام شرائط جواز موجود است.

شرط صحت مرابحه

۱- اصل قیمت خرید باید معلوم باشد.

۲- مقدار ربح معلوم باشد.[2]

احکام پیرامون این باب

- برای فروشنده جائز است که بر اصل سرمایۀ خود اجرت مبالغی مانند دست مزد رخت شوی، رنگ ریز، یخن دوز و باربری را اضافه نماید ولی بگوید: این مال برای من به چنین مبلغی تمام شده است نگوید که: این مال را به فلان قیمت خریده ام.

---

۱ - ردالمحتار(ج ۱۹/ ص

۲ - العناية شرح الهداية (–ج۹/ ص۲٤۱)، والفقه الإسلامي وأدلته(۵/ص۴۲۱).

• اگر خریدار در بیع مرابحه متوجه خیانتی شد، در نزد امام ابوحنیفه رحمةالله علیه مخیر گردانیده می‌شود، اگر خواست آن را به تمام ثمن بگیرد و اگر نخواست تمامش را رد می‌نماید.[1]



□ بیع مرابحه را به صورت های مختلف آن تمثیل نمایید.

ارزیابی

به پرسش‌های ذیل جواب بدهید:

۱. بیع مرابحه را تعریف نمایید؟

۲. حکم آن چیست؟

۳. شروط مرابحه کدام‌ها اند؟

۴. سبب جواز بیع مرابحه را بیان کنید؟

۵. دو حکم بیع مرابحه را ذکر کنید؟



نکات عمدهٔ بیع مرابحه را در کتابچه‌های تان بنویسید؟

۱ – مختصر القدوری، باب المرابحه والتولیه.

درس چهل و سوم

بیع تولیه

در درس گذشته بیع مرابحه را شناختیم که در آن فایده است، اکنون می‌خواهیم که بیع تولیه را بشناسیم.

تعریف تولیه

تولیه به معنای ولایت دادن(صلاحیت دادن) به شخص دیگر است.

و دراصطلاح فروختن مال به قیمت خرید را گویند که بایع در آن نه فایده کند و نه نقصان.[1]

دلیل مشروعیت تولیه: در روایتی آمده است: «روزی ابوبکر رضی‌الله‌عنه دو شتری را خریداری نمود، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم برای وی گفت: «وَلِّنِي أَحدَهُمَا» یکی از آن دو شتر را به من به قیمتی که خریده ای بفروش».[2]

حکمت مشروعیت بیع تولیه: مردم به بیع تولیه ضرورت دارند ، زیرا در جملۀ مردم کسانی هستند که به قیمت بازار آشنایی ندارند، لهذا از کسانی کمک می‌خواهند که آن‌ها به آن می‌فهمند، تا دل‌های شان به چیزی‌که خریداری می‌کنند مطمئن شود.

شروط صحت تولیه

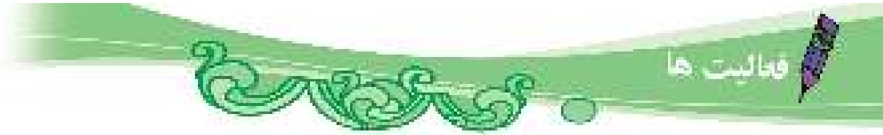
۱- این‌که عوض مثلی باشد یا قیمی

۲- این‌که عوض ملک مشتری باشد

---

۱ - رد المحتار(ج۱۹/ ص۴۸۴).

۲ - مجمع الأنهار فی شرح ملتقی الأبحار(ج۵/ص۳۲۲).



 صورت های مختلف بیع تولیه را تمثیل نمایید.

برخی ازاحکام:

• نزد امام ابو حنیفه رحمةالله علیه اگر مشتری در تولیه متوجه خیانتی گردید مشتری می‌تواند آن را به همان اندازه از ثمن (قیمت) کم سازد.

• اشیای موزون و مکیل باید در بیع تولیه دوباره وزن و کیل شود و بعد به مشتری تسلیم گردد، تا از مقدار آن هر دو طرف مطمئن شوند.

ارزیابی

۱- بیع تولیه را تعریف نمایید.

۲- حکم بیع تولیه چیست؟

۳- شروط تولیه کدام است؟

۴- دلیل مشروعیت بیع تولیه را ذکر کنید.

۵- احکام تولیه را بیان نمایید.



فرق مرابحه و تولیه را بنویسید.



درس چهل و چهارم

ربا (سود)

پسر احمد به مریضی دشواری مبتلا گردید، وی برای علاجش به مبلغ (۱۰۰۰۰) افغانی ضرورت داشت، محمود برایش گفت: من این پول را برایت می‌دهم، ولی بعد از یک ماه باید برایم مبلغ (۱۲۰۰۰) افغانی بدهی و اگراین پول را برایم ندهی، باز با سپری شدن هر ماه باید مبلغ (۲۰۰۰) افغانی اضافی برایم بدهی، یعنی بعد از سپری شدن یک سال احمد از محمود مقدار (۳۴۰۰۰) افغانی قرضدار خواهد بود. این معامله در اصطلاح فقه به نام ربا یا سود یاد می شود.

تعریف ربا

در لغت: زیادت را گویند.

دراصطلاح زیادتی است بدون عوض.[۱]

دلیل تحریم ربا

خداوند متعال فرموده است: (يَمْحَقُ اللهُ الْرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللهُ لاَ يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ) [۲]

ترجمه :«خدا از (برکت) ربا می‌کاهد و بر صدقات می‌افزاید و خداوند هیچ ناسپاس گنهکاری را دوست نمی‌دارد».

حکمت تحریم ربا

بدون شک ربا سبب استفادهٔ سوء از تنگدستان و سبب از بین رفتن عوامل مهربانی و رحمت در حق انسان‌های ناتوان می شود، به جای این‌که ثروتمندان بالای آن‌ها ترحم نمایند و با آن‌ها کمک کنند و یا حد اقل به آن‌ها قرض حسنه بدهند، به جایدادها و اموال ناچیز باقیماندهٔ آن‌ها نیز چشم می‌دوزند و در نهایت آن‌ها را از همان جایداد ناچیز نیز

---

۱ - رد المحتار(ج ۲۰ / ص ۹۸)
۲ - البقرة: ۲۷۵

محروم می‌نمایند و یا این‌که برای تمام عمر ایشان را غلام خود می سازند. (این حقیقت در زمان جاهلیت وجود داشت)

حکم ربا: ربا از نگاه شریعت حرام و به معنای جنگ با خدا و پیامبر است.

صورت های ربا

۱- هر گاه در مالی صفت قدر و جنس هر دو موجود شود در آن حالت هم تفاضل، یعنی زیادت حرام می گردد و هم نسیه؛ مانند: تبادلهٔ (صد گرام) طلا به یک صد و بیست گرام طلا.

۲- هرگاه یکی از آن دو صفت (قدر یا جنس) معدوم گردد زیادت و تفاضل جواز دارد ولی نسیه حرام می‌باشد؛ مانند: تبادلهٔ چهار سیر گندم به پنج سیر جو دست به دست جواز دارد؛ ولی به نسیه دادن آن حرام است.



اگر کسی در عوض یک گوسفند، یک گوسفند و یک بره بگیرد سود شمرده می‌شود؟

ارزیابی:

به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱. حکم ربا در شریعت اسلامی چیست؟

۲. حکمت تحریم ربا چیست؟

۳. چند صورت ربا را ذکر کنید.



در بارهٔ تحریم ربا و ضررهای اقتصادی و اجتماعی آن یک مقاله بنویسید.



درس چهل و پنجم

قرض

پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «کسی که مشکلی از مشکلات زنده‌گی یک مسلمان را مرفوع گرداند، خداوند ﷻ مشکلات او را مرفوع می‌گرداند...... و خداوند ﷻ تا زمانی به او کمک می‌کند که او درکمک برادر مسلمان خود قرار داشته باشد».[1]

تعریف قرض

قرض در لغت: قطع کردن و بریدن است، در قرض نیز یک کسی از مال خود یک حصه را قطع کرده و به کسی دیگری می دهد، قرض را سلف نیز گویند[2].

در اصطلاح شریعت

دادن مال مثلی است به کسی که از آن نفع برداری نموده و همانند آن را باز گرداند.

رکن قرض: رکن قرض عبارت از ایجاب و قبول است.

دلیل مشروعیت قرض: قرض با دلیلی از قرآن و سنت و اجماع امت ثابت و جائز می‌باشد:

دلیل از قرآن: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ»[3]

«ای کسانی‌که ایمان آورده اند، هرگاه با یکدیگرقرض می دادید (تا مدتی معینی)، پس آن را بنویسید».[4]

دلیل از سنت: پیامبر ﷺ فرموده است:«هر مسلمانی که به مسلمان دیگر دو بار قرض بدهد به اندازهٔ یک بار آن برایش اجر صدقه داده می‌شود».[5]

۱ – شعب الایمان. بیهقی – (۶ / ۱۰۴)
۲ – بدائع الصنائع، (ج۱۷/ص۴۱۷)، والفقه الإسلامی وادلته، (ج۵/ ص۴۳۷).
۳ – البقرة: ۲۸۲.
۴ – سوره بقره: ۲۸۲.
۵ – سنن ابن ماجه، ۲/ ۸۱۲

مفهوم این حدیث مبارک این است که پنجاه فیصد مبلغ قرض برایش مانند صدقه و خیرات، محاسبه می‌شود.

دلیل از اجماع امت: تمام اهل علم بر مشروعیت و جواز قرض اتفاق نظر دارند.[۱]

حکمت قرض: اگر برای انسان طوری یک مشکل اقتصادی به میان می‌آید که به کمک نقدی دیگران محتاج می‌شود و مردم به شکل رایگان به وی پول نمی‌دهند، و حتی خودش نیز نمی‌خواهد صدقات دیگران را بگیرد.

بنابراین یگانه راه برای حل مشکل او این است که برای مدتی از کسی قرض بگیرد، و بعد آن را برایش مسترد نماید. از اینرو شریعت قرض را مباح قرار داده و مردم را به قرض دادن به نیاز مندان تشویق کرده است.

حکم قرض: ملکیت فوری قرض گیرنده در مالی که به قرض گرفته است، ثابت می‌شود و بر ذمه‌اش لازم می‌شود که مانند آن را برای قرض دهنده در آینده بپردازد. [۲]

شروط قرض:

۱- شرطی‌که به قرض دهنده تعلق می‌گیرد: آن است که قرض دهنده اهلیت تبرع (احسان کردن) را داشته باشد، پس اگر بچۀ ممیز به کسی قرض بدهد صحت ندارد زیرا شریعت به او اجازه نمی دهد در مالش تصرفی بکند که احتمالا به ضرر او باشد، مانند هبه(بخشش، هدیه) و غیره..... [۳]

۲- شرطی که به مال قرض داده شده مربوط می شود:

الف) یکی قبض کردن است.

ب) چیزی قرض داده شده یا نقود باشد و یا اشیای مثلی، بنابرآن اگر کسی اسپی را به قرض بخواهد جواز ندارد، چون قیمت هر یک آن تفاوت می‌داشته باشد و منجر به منازعه می‌گردد.[۴]

۳- قرض دهنده بر قرض گیرنده نفع معینی را شرط نگذارد، زیرا چنین شرطی به ربا (سود) شباهت دارد.

---

۱ - العناية شرح الهداية، (ج۹/ ص۲۸۸)، والفقه الإسلامي وادلته، (ج۵/ص۴۳۹).

۲ - بدائع الصنائع، (ج۱۷/ ص۴۲۵).

۳ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع - (ج ۱۷ / ص ۴۱۶)

۴ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع - (ج ۱۷ / ص ۴۱۸)

و اگر زیادت غیر مشروط بوده باشد؛ ولی قرض گیرنده بهترین آن را برایش بدهد، در آن حال اشکالی ندارد، بلکه می‌توان آن را از باب حسن قضا و ادای نیکو بر شمرد، وآن کار خوب و نیکی است. پیامبر ﷺ فرموده است.

«خیر النَّاسِ أَحْسَنُهُمْ قَضَاءً»[1]،« بهترین مردم کسی است که به وجه نیکو قرض خود را ادا نمایند»



۱- در منطقهٔ شما چه نوع قرض بین مردم رائج است؟ در روشنی این درس کیفیت آن را واضح سازید.

۲- در مورد شرایط قرض باهم گفتگو کنید.

ارزیابی:

أ- به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱. قرض را در لغت و اصطلاح تعریف نمایید.

۲. دلیل مشروعیت قرض چیست؟

۳. حکم قرض چیست؟

۴. ارکان و شرایط قرض کدام‌ها اند؟

ب- نشانهٔ (✓) را در برابر جمله‌های صحیح و نشانهٔ (x) را در برابر جملات نادرست بگذارید:

۱. رکن قرض تنها ایجاب است. ( )

۲. قرض در هر چیز جواز دارد .( )



مطالب عمدهٔ درس را بنویسید.

۱ – المعجم الکبیر .طبرانی ۳۹۴/۱

درس چهل و ششم

بیع صرف

تعریف صرف

در لغت گردانیدن روی یک چیز از یک جهت به جهت دیگر را گویند.

و در اصطلاح شریعت عبارت است از بیع نقود در مقابل نقود فرق نمی‌کند که همجنس باشند یا از هم تفاوت داشته باشند.[1]

مقصد از نقود: نقود عبارت است از طلا و نقره و یا چیزی‌که جای آن را می‌گیرد، مانند پول‌های مروجه.

سبب نامگذاری: این نوع عقد را به خاطری«صرف» یاد می‌کنند که در آن غالباً هر جانب پول خود را از یک حالت به حالت دیگر می‌گرداند.

مثال: واحدهای پول؛ مانند: ریال، دالر، ویا کلدار را به افغانی تبدیل می‌کند.

حکم بیع صرف: بیع صرف در صورتی که شروط آن کامل باشد جائز است.

شروط بیع صرف: شروط بیع صرف قرار ذیل است:

۱- قبض نمودن و به دست آوردن مال پیش از جدایی مکانی عاقدین؛ چون قیمت‌ها تغییر می‌کند و در آن صورت ممکن منجر به در گیری شود.

۲- نبودن خیارشرط؛ چون خیارشرط وقت اضافی می خواهد و عقد صرف تأجیل را قبول نمی کند. چون تأجیل به نزاع می انجامد.

۳- نبودن تأجیل در تسلیمی عوضین.

---

۱ – مجمع الأنهار فی شرح ملتقى الأبحار(ج۵/ ص۴۴۶).

برخی از احکام بیع صرف

• فروختن طلا در مقابل طلا و نقره در مقابل نقره جایز نیست مگر این‌که مثل به مثل باشد.

• و اگر کسی طلا را در مقابل نقره به فروش برساند، تفاضل و زیادت جواز دارد؛ ولی واجب است که قبض دست به دست و فوری انجام گیرد، اما اگر فروشنده و خریدار قبل از قبض عوضین از هم جدا شدند، بیع باطل می‌شود.

• در بیع صرف تصرف کردن در عوضین پیش از قبض آن جائز نیست.

• پول رایج حکم نقود را دارد.[1]



☐ نمونه های بیع صرف مروج در بازار را با حکم آن بیان کنید.

ارزیابی:

۱- بیع صرف را درلغت و اصطلاح تعریف نمایید؟

۲- مقصد از نقود چیست؟

۳- حکم بیع صرف چیست؟

۴- شروط آن چیست؟

۵- بیع صرف چند قسم می‌باشد؟



فشردهٔ این درس را در کتابچه‌های خویش بنویسید.

۲- الکتاب - فقه حنفی - (ج ۱ / ص ۲۱۳)



درس چهل و هفتم

بیع سَلَمْ

محمود یک زارع گندم است. او به پول ضرورت دارد، احمد برایش پول می‌دهد، ولی از او در مقابل، (۵۰۰) کیلو گرام گندم می‌خرد، مگر گندم فعلا وجود ندارد، اما مقدار آن را با تمام مشخصاتش با هم معلوم نموده اند که در آینده در بین آن‌ها کدام اختلاف و نزاعی واقع نگردد. این بیع در اصطلاح فقه به نام بیع سلم یاد می‌شود.

تعریف بیع سَلَمْ

سلم در لغت به معنای تسلیم کردن است.

در اصطلاح بیع مال آجل (مالی‌که در آینده باید به دست آید) است در مقابل عاجل (که عبارت از سرمایه است).

سبب نامگذاری: از این روی سَلَمْ نامگذاری شده که ثمن در مجلس عقد و قرار داد تسلیم می‌گردد و سلف هم گفته شده؛ زیرا ثمن پیش پرداخت می‌شود.

برخی از اصطلاحات بیع سَلَمْ

۱- به مشتری «رب سَلَمْ» گفته می‌شود.

۲- به فروشنده «مسَلَمْ الیه» اطلاق می‌گردد.

۳- مالی که فروخته شده(در آن سَلَمْ رخ داده) «مسَلَمْ فیه» نام دارد.

۴- ثمنی‌که در مجلس قرار داد قبض می‌گردد «رأس المال سلم» است.

دلیل مشروعیت سَلَمْ: سَلَمْ بر اساس کتاب الله و سنت و اجماع امت مشروع می‌باشد:

دلیل از کتاب الله: خدای متعال می‌فرماید:{يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ}[1]. (ای کسانی‌که ایمان آورده اند هرگاه میان هم وامی(قرضی) می‌دادید، آن را بنویسید).[2]

---

۱ - البقرة : ۲۸۲

۲ - سوره بقره: ۲۸۲.

دلیل از سنت مطهر: روایت است که پیامبر ﷺ (از بیع هر چیزی که نزد انسان موجود نباشد، نهی کرده است ولی سَلَمْ را مجاز دانسته است).[1]
همچنان فرموده است: کسی که به سَلَمْ معامله می‌کند باید مقدار جنس (وزن و یا پیمانهٔ آن) معلوم باشد و همچنان باید وقت تسلیمی جنس خریداری شده نیز معلوم باشد.(صحیح البخاری ۵۰۱/۵)
دلیل از اجماع: علمای امت بر جواز بیع سَلَمْ اتفاق کرده اند.
حکمت مشروعیت سَلَمْ: حکمت مشروعیت سَلَمْ همانا در نظر گرفتن نیازمندی بایع است، به عوض آنکه بایع به سود خوران مراجعه نماید و از آن‌ها به طریق ربا قرض گیرد، موصوف محصولات خود را قبل از وقت به فروش می‌رساند و از این راه مال به دست می‌آورد و همچنان ممکن است که خریدار نیز استفاده کند و قیمت نسبتاً ارزانتر را به دست آورد.
حکم سَلَمْ: ثبوت ملکیت بایع در ثمن و ثبوت ملکیت مشتری در مبیعه.
شروط سَلَمْ
سَلَمْ زمانی درست است که در آن ۷ شرط موجود باشد:
۱- معلوم بودن جنس(مثال گندم است یا جو).
۲- معلوم بودن نوع جنس.(مانند آبی یا للمی).
۳- معلوم بودن صفت جنس(مثل اعلی و ادنی) .
۴- معلوم بودن مقدارآن.
۵- معلوم بودن مدت و زمان آن.
۶- معلوم بودن مقدار و مشخصات قیمت یا سرمایه.
۷- تعیین جایی‌که در آن مال را تسلیم می‌کند (در صورتی که به انتقال آن از یکجا به جای دیگر به مصارف نیاز داشته باشد).
برخی از احکام سلم
۱- سَلَمْ در چیزی جواز ندارد که از وقت قرارداد تا وقت فسخ و تمام شدن قرارداد، در بازارها پیدا نشود.
۲- سَلَمْ تا وقتی‌که بایع ثمن را (قبل از جدایی عاقدین) قبض ننماید درست نمی‌شود.

۱ - تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق (ج۱۱/ ص۲۵۱).

۳- در هر چیزی که تعیین مشخصات و مقدار آن به صورت دقیق امکان داشته باشد، سَلَمْ جایز است.

ارزیابی

۱- سَلَمْ را تعریف نمایید؟

۲- حکمت و دلیل مشروعیت سَلَمْ چیست؟

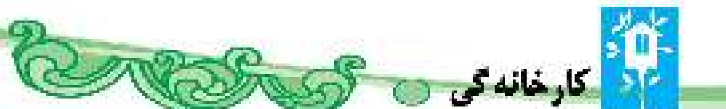
۳- شروط سَلَمْ کدام‌ها اند؟

۴- احکام سَلَمْ را بیان نمایید؟

نشانهٔ (✓) را در برابر جمله‌های صحیح و نشانهٔ (X) را در برابر جملات نادرست بگذارید:

۱- تا زمانی‌که مسلم فیه از زمان قرار داد تا زمان محل موجود باشد، بیع سَلَمْ درست نمی‌شود. ( )

۲- سَلَمْ تا وقتی‌که بایع ثمن را (قبل از جدایی عاقدین) قبض ننماید درست نمی‌شود.



در مورد سَلَمْ یک مقاله بنویسید.



درس چهل و هشتم

رهن

شخصی یک بکس را به ثمن مؤجل (قرض) خریداری نمود، ولی فروشنده از وی می‌خواهد که ساعت خود را در نزد وی به صورت گرو بگذارد، تا وقتی‌که ثمن بکس را به وی بدهد. این معامله را در اصطلاح فقه رهن و یا گروی گویند.

تعریف رهن

در لغت حبس کردن چیزی را گویند.

دراصطلاح محبوس گردانیدن یک چیز در مقابل حقی که حصول آن از رهن ممکن باشد.

مشروعیت رهن: رهن بر اساس قرآن کریم، سنت، و اجماع امت مشروع وجائز می‌باشد:[1]

دلیل از قرآن کریم: خداوندﷻ می فرماید: «وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَقْبُوضَةٌ»[2]

«و اگر در حال سفر بودید و کاتبی نیافتید (که قرارداد تان را بنویسد) در آن صورت به گروگیری روی آورید».

دلیل از سنت: حضرت عائشه رضی الله عنها روایت کرده است که پیامبرﷺ از یک یهودی مقداری غذا خریداری نمود، و در مقابل یک سپر آهنی را در نزد وی به گرو گذاشت.»[3]

رکن رهن: رکن رهن ایجاب و قبول بین راهن و مرتهن است، با ایجاب و قبول عملیهٔ رهن عقد می‌گردد، و توسط قبض تکمیل می‌شود.[4]

۱ – الفقه الإسلامی وادلته (ج۶/ ص۶۲).

۲ – سوره بقره: ۲۸۳.

۳ – به روایت از بخاری ومسلم.

۴ – العناية شرح الهداية، (ج١٤/ ص٤٤٨)، والفقه الإسلامي وادلته، (ج۶/ص۶۴).

حکمت مشروعیت رهن: توثیق دین و نگهداری از مال دائن از نسیان یا انکار و یا افلاس مدیون، تا برای وی نوعی از اطمینان حاصل گردد، همچنان در این کار نوعی تشویق هم است که مدیون، مال دائن را به زود ترین فرصت به وی ادا نماید.[1]

راهن: مالک اصلی مرهون.

مرتهن: شخصی که مرهونه با وی گرو است.

مرهون یا مرهونه یا رهن: چیزی است که به گرو داده می‌شود.

حکم رهن: تا وقت خلاص شدن حق دین، مرتهن اختیار دار حبس مرهون می‌باشد.[2]

شروط صحت رهن: شروط صحت رهن چند نوع است که از آن ذیلا ذکر می‌شود:

۱- اهلیت قبض را داشته باشد، یعنی عاقل باشد.

۲- این‌که قبض رهن به اجازهٔ راهن صورت گیرد.

۳- مرهونه باید مشاع (شریک) نباشد، چون چیزی که مشاع باشد قبض و حبس آن درست نیست.

احکام رهن

۱- مرتهن حق دارد که از راهن دین خود را مطالبه نماید و به مراجع قانونی شکایت نماید.

۲- هرگاه راهن (مالک اصلی) رهن را بدون اجازه مرتهن به فروش برساند، این بیع موقوف به اجازهٔ مرتهن می باشد، اگر وی برایش اجازه داد بیع درست می‌شود، همچنان اگر راهن (مالک اصلی) دین باقیمانده را برایش ادا نمود نیزبیع درست می‌شود.

۳- اگر راهن (مالک اصلی) وفات نماید وارثان او حق دارند که رهن را به فروش برسانند و دین را ادا نمایند.[3]

گروی رائج (بیع الوفاء)

در این بیع چنین شرط گذاشته می‌شود که: بایع حق دارد هر وقتی‌که به مشتری پولش را بدهد از وی مبیعه را مسترد نماید.

۱ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع،(ج۱۳/ ص۳۸۵).
۲ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، (ج۱۳/ ص۳۸۴،
۳ - الکتاب- فقه حنفی، (ج۱/ ص۲۱۹).

این بیع را مردم به این علت انجام می دهند که برای استفاده از گروی یک راه پیدا کنند. چون تا وقتی‌که بایع پول مشتری را ادا نکرده باشد مشتری (مرتهن) از مبیعه (جنس گرو شده) بدون مقابل استفاده می‌نماید.

گروهی از فقها این بیع را جائز می‌دانند.



گروی رائج بین مردم و گروی شرعی را با هم مقایسه و تمثیل نمائید.

ارزیابی

أ- به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱. رهن را از نظر لغت و اصطلاح تعریف نمایید؟

۲. حکم رهن چیست؟

۳. حکمت مشروعیت و دلیل آن را بیان نمایید؟

۴. رکن رهن چه است؟

۵. شروط صحت رهن را بیان دارید؟

ب- نشانهٔ (✓) را در برابر جمله‌های صحیح و نشانهٔ (X) را در برابر جملات نادرست بگذارید:

۱. اهلیت قبض که عاقل بودن می‌باشد، در صحت رهن شرط نیست. ( )

۲. قبض رهن باید به اجازهٔ راهن باشد. ( ).



پیرامون رهن یک مقالهٔ جامع بنویسید.



درس چهل و نهم

اجاره

احمد به یک موتر ضرورت داشت، ولی او توان خریدن موتر را نداشت بنابرآن با یک شرکت قرار داد نمود ، تا همه روزه او را به محل وظیفه اش برساند ، و او در مقابل آن ماهانه مبلغ (۲۵۰) افغانی خواهد پرداخت. این معامله را در اصطلاح فقه اجاره می نامند.

تعریف اجاره

در لغت اجاره اسم مصدر است از «أجرت» به معنای: مزد و عوض کار.[۱]

و در اصطلاح در مقابل مال از یک شخص و یا یک چیز منفعت گرفتن را اجاره گویند.[۲]

دلیل مشروعیت اجاره

دلیل از سنت: پیامبر ﷺ می‌فرماید: (اجوره و مزد اجیر را برایش قبل از آن‌که عرق پیشانی اش خشک گردد، بپردازید). (سنن کبری-بیهقی ۱۲۱/۶)

دلیل از اجماع: اجاره به اجماع امت اسلامی جائز می‌باشد.[۳]

حکمت مشروعیت اجاره: اجاره از این رو مشروع گردیده است که از این راه نیازهای مردم مرفوع گردد؛ زیرا هرکسی تمام چیزی را که به آن نیاز دارد خریده نمی‌تواند و بدون مقابل نیز در دسترش قرار گرفته نمی‌تواند.

مستاجِـر: (به کسرۀ جیم) شخصی که در مقابل پرداخت پول منفعت به دست می‌آورد.

اجیر: شخصی که در مقابل گرفتن پول به مستاجِـــر منفعت می‌رساند.

---

۱ - درر الحکام شرح غررالأحکام(ج۷/ص۴۴).

۲ - درر الحکام شرح غررالأحکام(ج۷/ ص۴۵).

۳ - تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق(ج۱۴/ ص۳۳۷).

حکم اجاره: مطابق عقد، در منافع ملکیت مستاجِـر ثابت می‌شود و در ثمن و اجوره ملکیت اجیر ثابت می‌شود.[1]

رکن اجاره: رکن اجاره ایجاب و قبول است، به لفظی که به اجاره دلالت نماید.[2]

انواع اجیر: اجیر به دو نوع تقسیم می‌شود:

۱- اجیر مشترک ۲- اجیر خاص

اجیر مشترک: کسی است که مستحق اجرت نمی‌شود تا آن‌که کار را تمام نماید، مانند رنگمال و رخت شوی.

اجیر خاص: کسی است که با انجام کار در مدت عقد شده، مستحق مزد می‌گردد و لوکه از او کار گرفته نشود، مانند کسی‌که برای مدت یک ماه به اجوره گرفته شده باشد. البته اگر کار نمی‌کرد و یا به کار نمی‌فهمید در این صورت مطابق شرطنامه، قرارداد با وی فسخ می‌شود.

شروط صحت اجاره

۱- رضایت طرف‌های عقد.

۲- منفعتی که بر سر آن قرارداد صورت گرفته است معلوم باشد، به گونه‌یی که مانع نزاع شود.

۳- منافعی‌که بر آن اجاره صورت گرفته شده، حقیقتاً قابل تسلیم دادن باشد، یعنی صاحب آن قادر به تسلیم نمودن آن باشد، پس به اجاره گرفتن چیزی‌که تسلیمی آن حقیقتاً متعذر باشد جواز ندارد، مانند اجارهٔ شتر یاغی شده.

۴- منافعی که بر سر آن عقد صورت گرفته از نظر شرعی جایز باشد.

۵- این‌که اجرت و مزد معلوم باشد.



☐ اعاره با اجاره چه فرق دارد؟ فرق آن را به همکاری استاد بیان نمایید.

---

۱ - تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق، ج۱۴/ ص۳۳۷).

۲ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع (ج۹/ ص۳۱۰).

احکام اجاره

۱- آنچه مجاز است که در بیع ثمن قرار گیرد، مجاز است که در اجاره اجرت قرار گیرد.

۲- جائز است که خانه‌ها و دکان‌ها را برای سکونت به اجاره گرفت، هرچند که اجاره گیرنده مقصود خود را بیان نکند که برای چه کاری از آن استفاده خواهد نمود.

۳- جائز است زمین‌هایی را برای زراعت وکشت به اجاره گرفت، ولی عقد درست نمی‌شود تا آنکه روشن سازد که درآن زمین چه چیزی را زرع می‌نماید و یا بگوید: هر چیزی‌که دلم خواست در آن زراعت می‌نمایم.

۴- جائز است که چهار پایان را برای سواری یا بردن بار به اجاره گرفت.



• صورت‌های مختلف اجاره را بیان نمایید.

ارزیابی

أ- به پرسش‌های ذیل پاسخ گویید:

۱- اجاره را از نگاه لغت و اصطلاح تعریف نمایید.

۲- حکمت و دلیل مشروعیت اجاره چیست؟

۳- حکم اجاره چیست؟

ب- نشانۀ (✓) را در برابر جمله‌های صحیح و نشانۀ (X) را در برابر جملات نادرست بگذارید:

شروط صحت اجاره قرار ذیل است:

۱- رضایت هر دو طرف عقد از شروط اجاره است. (   )

۲- معقود علیه (منفعت) باید معلوم باشد. (   )



نکات عمدۀ درس را بنویسید.